

# گرامر مثل آب خوردن

کتاب الکترونیکی آموزش گرامر انگلیسی  
از سطح مبتدی تا پیشرفته به ساده‌ترین شکل ممکن  
همراه با مثال‌ها و ترجمه‌پارسی

نسخه ۲.۱

# فهرست:

## عنوان:

### صفحه

۱	مقدمه ای بر دستور زبان Introduction to Grammar
۲	حروف الفباء Alphabetical Letters
۳	تقسیمات الفباء Divisions of Alphabets
۴	حروف با صدا Vowels
۵	حروف بیصدا Consonants
۶	صداهای حروف ترکیبی Diphthongs
۸	انواع اسم Kinds of Nouns
۹	اسم ذات Concrete Noun
۹	اسم معنی Abstract Noun
۹	اسم خاص Proper Noun
۹	اسم عام Common Noun
۱۰	اسم جمع Collective Noun
۱۰	اسم جنس Material Noun
۱۰	اسم قابل شمارش Countable Noun
۱۰	اسم غیر قابل شمارش Uncountable Noun
۱۱	انواع ضمیر Kinds of Pronouns
۱۲	ضمایر شخصی (ضمایر فاعلی - ضمایر مفعولی)
۱۴	ضمایر ملکی - صفات ملکی
۱۶	کاربرد it و there
۱۸	تبدیل اسم غیر قابل شمارش به اسم قابل شمارش
۱۸	قواعد جمع بستن اسم
۲۰	جمع بستن اسمی بی قاعدة
۲۲	جمع بستن اسم های مرکب
۲۶	ضمایر انعکاسی و تاکیدی
۲۸	ضمایر اشاره Demonstrative Pronouns
۳۱	ضمایر موصولی Relative Pronouns
۳۵	ضمایر استفهامی Interrogative Pronouns
۳۷	ضمایر مبهم یا نامعین Indefinite Pronouns
۴۰	حروف تعریف Articles
۴۵	زمان حال ساده Simple Present Tense
۴۸	زمان حال استمراری Present Continuous Tense
۵۲	زمان گذشته ساده Simple Past Tense

۵۴	زمان گذشته استمراری Past Continuous Tense
۵۶	زمان آینده ساده Simple Future Tense
۶۱	زمان آینده در گذشته ساده Simple Future in the Past Tense
۶۳	صفت Adjective
۷۰	مقایسه صفات (صفت مطلق – صفت تفضیلی – صفت عالی) Comparisons of adjectives
۷۶	استفاده از اسم به عنوان صفت/استفاده از صفت به جای اسم Use of nouns as adjectives
۷۸	ترتیب قرار گرفتن صفات قبل از اسم Order of adjectives before nouns
۷۹	روابط دو فعل Relations between two verbs
۸۰	وجه امری Imperative Mood
۸۲	مطابقت فعل با فاعل Agreement of Verb with Subject
۸۴	قید و انواع آن Kinds of Adverbs
۸۸	مقایسه قیود Comparison of Adverbs
۹۰	حروف اضافه prepositions
۹۶	اجتناب از تکرار جملات Avoiding repetition of long sentences
۹۷	سوال کوتاه ضمیمه Tag Questions
۹۸	زمان حال کامل (ماضی نقلی) Present Perfect Tense
۱۰۰	زمان گذشته کامل (ماضی بعید) Past Perfect Tense
۱۰۲	زمان آینده استمراری Future Continuous Tense
۱۰۴	زمان آینده کامل Future Perfect Tense
۱۰۶	زمان آینده در گذشته استمراری Future in the Past Continuous Tense
۱۰۷	زمان آینده در گذشته کامل Future in the past Perfect Tense
۱۰۸	جملات معلوم و مجھول Active and Passive Voice
۱۱۶	جملات شرطی Conditional Sentences
۱۱۸	بیان آرزو (ای کاش....) Subjunctive Mood I wish ...
۱۲۱	اسم مصدر Gerund
۱۲۲	وجه وصفی Participle
۱۲۳	نقل قول مستقیم و غیر مستقیم Direct and Indirect Speech
۱۲۷	وجه سببی Causative Form
۱۲۸	افعال دو کلمه ای Two-word Verbs
۱۳۲	زمان حال کامل استمراری (ماضی نقلی استمراری) Present Perfect Continuous Tense
۱۳۴	زمان گذشته کامل استمراری (ماضی بعید استمراری) Past Perfect Continuous Tense
۱۳۶	زمان آینده کامل استمراری Future Perfect Continuous Tense
۱۳۸	زمان آینده در گذشته کامل استمراری Future in the Past Perfect Continuous Tense
۱۳۹	لیست کامل افعال بی قاعده List of irregular verbs

## مقدمه ای بر دستور زبان: Introduction to Grammar

### زبان : Language

زبان، عبارت است از اصول سخن گفتن و نوشتمن و بطور کلی شامل **مجموعه الفاظ و قراردادی** است که افراد یک جامعه‌ی مشخص برای بیان افکار خود و درک گفتار دیگران از آن استفاده می‌کنند.

### دستور زبان Grammar

همانطور که می‌دانید، دستور زبان یا همان گرامر زبان انگلیسی مجموعه قواعد و مقرراتی است که برای درست نوشتمن، درست خواندن، درست گفتن و ایجاد رابطه درست بین کلمات به کار می‌رود.

در این کتاب الکترونیکی نهایت کوشش به عمل آمده است که دستور کامل و جامعی با زبانی بسیار ساده و روان، مطابق با آخرین و جدیدترین روش‌های آموزشی حال حاضر، گرد آوری و تدوین و به شما همراهان و کلیه علاوه مندان به فراگیری زبان انگلیسی ارائه گردد. امیدواریم، این خدمت ناچیز فرهنگی بتواند مورد قبول و توجه شما دوستان گرامی قرار گرفته و شما را در رسیدن و نیل به اهدافتان که همانا یادگیری اصولی زبان انگلیسی می‌باشد، تا حد ممکن یاری نماید.

### توجه:

دققت فرمایید که مطالعه‌ی گرامر به تنها بی حاصلی جز خستگی و دلزدگی در شما نخواهد داشت؛ اجازه دهید گرامر به صورت ضمنی فراگرفته شود؛ (یادگیری ضمنی گرامر = خواندن و گوش کردن متون انگلیسی) در کنار مطالعه و گوش کردن /Reading/، /Listening/،

های همیشگی هرچند کوتاه؛ مرور این کتاب الکترونیکی به شما بسیار کمک خواهد کرد.

همچنین در این کتاب الکترونیکی سعی شده است که با گنجاندن مثالهای جالب و کوتاه تا حد امکان با نحوه استفاده قواعد و دستور زبان آشنا گردید.

از شما دعوت می‌شود حتماً فایلهای صوتی موجود در سایت انگلیسی مثل آب خوردن که بیان کننده تکنیک‌ها و نکات کلیدی یادگیری زبان است را گوش دهید.

تیم انگلیسی مثل آب خوردن

بهروز باشید.

**حروف الفبا :Alphabets**

حروف الفبا عبارت است از کلیه حروفی که در یک زبان وجود دارد. در زبان انگلیسی ۲۶ حرف به ترتیب زیر موجود است.

**الف - حروف بزرگ:** Capital Letters:

A	B	C	D	E	F	G
H	I	J	K	L	M	N
O	P		R	S	T	U
V	W	X	Y	Z		

**ب - حروف کوچک :** Small Letters:

a	b	c	d	e	f	g
h	i	j	k	l	m	n
o	p	q	r	s	t	u
v	w	x	y	z		

**هر یک از انواع حروف انگلیسی دارای کاربرد ویژه ای به شرح زیر می باشد:**

حروف بزرگ معمولاً اختصاص به نوشه های چاپی دارند و اغلب حرف اول جمله ها و اسمهای خاص و برخی کلمه های مخصوص مانند نام ماه ها، روزهای هفته و کلمه "God" و نظایر آن با آنها نوشته می شود.

حروف کوچک؛ مثلاً حرف اول جمله ها و اسم های خاص و برخی از کلمه های مخصوص را نباید با حرف کوچک نوشت.

**تقسیمات الفبا :Divisions of Alphabets**

حروف الفای انگلیسی به دو دسته الف: حروف صدا دار ب: حروف بی صدا تقسیم می شوند.

 **حروف با صدا :Vowels**

حروفی هستند که بطور مستقل تلفظ میشوند و هر کدام از آنها می توانند به تنها ی هجایی تشکیل دهنند. تعداد این حروف در انگلیسی پنج حرف است که عبارتند از:

A	E	I	O	U
---	---	---	---	---

 **حروف بی صدا :Consonants**

حروفی هستند که بدون دخالت حروف صدا دار قابل تلفظ نیستند. حروف بی صدا آن دسته از حروف هستند که نفس در زمان بیان آنها به هنگام خروج با موانع دهان، لبها، زبان یا دندان ها مواجه می شود. این حروف، بقیه حروف انگلیسی /به جز حروف با صدا/ را تشکیل میدهند که عبارتند از:

B	C	D	F	G	H	J
K	L	M	N	P	Q	R
S	T	V	W	X	Y	Z

نکته:

دو حرف Y و W گاهی از حروف صدا دار و گاهی از حروف بی صدا محسوب می شوند به این معنی که اگر کلمه یا هجا با آنها آغاز شود بی صدا و در غیر اینصورت صدا دار منظور می شوند. به مثال های زیر توجه نمایید.

yard	حیاط	y	بی صدا
yellow	زرد	y	بی صدا
warm	گرم	w	بی صدا
row	ردیف	w	با صدا
remedy	چاره	y	با صدا

## حروف با صدا : Vowels

حروف با صدا، حروفی هستند که بطور مستقل تلفظ می‌شوند و هر کدام از آنها می‌توانند به تنها ی هجایی تشکیل دهند.  
تعداد این حروف در انگلیسی پنج حرف است که عبارتند از:

A	E	I	O	U
---	---	---	---	---

كلماتی که با حروف با صدا شروع می‌شوند، حرف تعریف نا معین an می‌پذیرند.

مثال:

an apple	یک سیب
an eraser	یک پاک کن
an idea	یک عقیده
an invention	یک اختراع
an idiom	یک اصطلاح
an orange	یک پرتقال
an umbrella	یک چتر
but a university	یک دانشگاه

در دو عبارت an umbrella و a university به ترتیب با معانی چتر و دانشگاه، به واسطه اینکه حرف u در کلمه umbrella دارای صدای مصوت /ا/ می‌باشد در نتیجه از حرف تعریف نا معین an درابتدا ای آن استفاده می‌شود، در صورتی که حرف u در کلمه university دارای صدای /ای/، که از صدای غیر مصوت است، بوده، لذا از حرف تعریف نا معین a در ابتدای آن استفاده شده است.  
نکته ۳: دو حرف Y و W گاهی از حروف صدا دار و گاهی از حروف بی‌صدا محسوب می‌شوند به این معنی که اگر کلمه یا هجا با آنها آغاز شود بی‌صدا و در غیر اینصورت صدا دار منظور می‌شوند. به مثال‌های زیر توجه نمایید.

yard	حياط	y	بی‌صدا
yellow	زرد	y	بی‌صدا
warm	گرم	w	بی‌صدا
row	ردیف	w	با صدا
remedy	چاره	y	با صدا

## حروف بی صدا : Consonants

حروفی هستند که بدون دخالت حروف صدا دار قابل تلفظ نیستند. حروف بی صدا آن دسته از حروف هستند که نفس در زمان بیان آنها به هنگام خروج با موانع دهان، لبها، زبان یا دندان ها مواجه می شود. این حروف، بقیه حروف انگلیسی /به جز حروف با صدا/ را تشکیل میدهند که عبارتند از:

B	C	D	F	G	H	J
K	L	M	N	P	R	
S	T	V	W	X	Y	Z

كلماتی که با حروف بی صدا شروع می شوند، حرف تعریف نا معین a می گیرند.

مثال:

a banana	a car	a desk
a fan	a gun	a horse
a job	a kite	a lemon
a monkey	a notebook	a pen
a queen	a rabbit	a student
a table	a vase	a window
a Xerox machine	but an x-ray machine	a yard
a yacht	a zebra	a zoo

در دو عبارت a Xerox machine و a x-ray machine به ترتیب با معانی دستگاه کپی و دستگاه اشعة ایکس /عکس برداری/ حرف x در کلمه اول یعنی Xerox با تلفظ /زیراکس/ دارای صدای Z، ز، می باشد، جزو گروه حروف بی صدا بوده، در نتیجه حرف تعریف نامعین a می گیرد؛ در حالی که حرف x در کلمه دوم یعنی، X-ray با تلفظ /ایکس-ری/ دارای صدای /I، ا، می باشد، جزو گروه حروف صدا دار بوده، در نتیجه با توجه به قوانین ذکر شده در فوق حرف تعریف نا معین an می پذیرد.

نکته:

دو حرف Y و W گاهی از حروف صدا دار و گاهی از حروف بی صدا محسوب می شوند به این معنی که اگر کلمه یا هجا با آنها آغاز شود بی صدا و در غیر اینصورت صدا دار منظور می شوند. به مثال های زیر توجه نمایید.

نکته:

در دو عبارت a Xerox machine و a x-ray machine به ترتیب با معانی دستگاه کپی و دستگاه اشعة ایکس /عکس برداری/ حرف x در کلمه اول یعنی Xerox با تلفظ /زیراکس/ دارای صدای Z، ز، می باشد، جزو گروه حروف بی صدا بوده، در نتیجه حرف تعریف نامعین a می گیرد؛ در حالی که حرف x در کلمه دوم یعنی، X-ray با تلفظ /ایکس-ری/ دارای صدای /I، ا، می باشد، جزو گروه حروف صدا دار بوده، در نتیجه با توجه به قوانین ذکر شده در فوق حرف تعریف نا معین an می پذیرد.

نکته:

دو حرف Y و W گاهی از حروف صدا دار و گاهی از حروف بی صدا محسوب می شوند به این معنی که اگر کلمه یا هجا با آنها آغاز شود بی صدا و در غیر اینصورت صدا دار منظور می شوند. به مثال های زیر توجه نمایید.

yard	حياط	y	بی صدا
yellow	زرد	y	بی صدا
warm	گرم	w	بی صدا
row	ردیف	w	با صدا
remedy	چاره	y	با صدا

### صداهای حروف ترکیبی: Diphthongs

وقتی دو حرف صدا دار با هم ترکیب شوند یک سیلاپ خاص تشکیل می دهند. در این صورت وضع ترکیبی را diphthong گویند.

مغازه	shop	ماهی	fish	مثال	ش	Sh
کلیسا	church	بچه	child	مثال	ج	ch
خراسان	Khorasan	خشایار	Khashayar	مثال	خ	kh
ژیلا	Zhila	ژاله	Zhaleh	مثال	ژ	zh
غزل قائم شهر خشن	Ghazal Ghaemshahr rough	غزاله قفقار خندیدن	Ghazaleh Ghafghaz laugh	مثال	غ ق ف	gh
فیزیک	physics	تلفن	telephone	مثال	ف	ph
ملت	nation	ایستگاه	station	مثال	شِن	tion
عکس	picture	سخنرانی	lecture	مثال	چِر	ture
نسخه	version	تلوزیون	television	مثال	ژِن	sion
اجتماعی	social	مخصوص	special	مثال	شِل	cial
دندان	tooth	لاغر	thin	مثال	صادی بین ت و ث	th
اینها	these	گرچه	though	مثال	صادی بین د و ذ	th
ضروری	essential	صبور، بیمار	patient	مثال	ش	ti

نکته:

th در زبان انگلیسی دارای دو صدا به شرح زیر می باشد:

۱- صدای بین ات و ث/ بدین طریق که زبان را باید پشت دندان های بالا قرار داد و صدای اس/ ایجاد نمود.

مثال:

tooth	دندان
thin	لاغر

۱- صدای بین اد و ذ/ بدین طریق که زبان را باید پشت دندانهای بالا قرار داد و صدای از/ ایجاد نمود.

مثال:

though	گرچه
these	اینها

## انواع اسم :Kinds of Nouns

## اسم :Noun

اسم کلمه‌ای است که برای نامیدن اشخاص، اشیاء و مکان‌ها به کار می‌رود.

مثال:

house	خانه	table	میز	man	مرد
city	شهر	tray	سینی	dog	سگ
Ali	علی	parrot	طوطی	orange	پرندگان

## انواع اسم :Kinds of Nouns

Concrete Noun	اسم ذات
Abstract Noun	اسم معنی
Proper Noun	اسم خاص
Common Noun	اسم عام
Collective Noun	اسم جمع
Material Noun	اسم جنس
Countable Noun	اسم قابل شمارش
Uncountable Noun	اسم غیر قابل شمارش

**اسم ذات :Concrete Noun**

اسم ذات، اسمی است که قابل رویت بوده و به خودی خود موجود باشد.

مثال:

carpet	فرش	chair	صندلی	bicycle	دوچرخه
radio	رادیو	house	خانه	television	تلوزیون
dictionary	فرهنگ لغت	window	پنجره	fish	ماهی

**اسم معنی :Abstract Noun**

اسم معنی، عمل یا وضعیتی را گویند که به خودی خود وجود ندارد و نتوان آن را لمس نمود و به عبارتی آن را در وجود اشخاص یا اشیاء دیگر باید احساس کرد.

مثال:

kindness	مهربانی	pain	درد	intelligence	هوش
ability	قدرت	poverty	فقر	speed	سرعت
patience	بردباری	beauty	زیبایی	freedom	آزادی

**اسم خاص :Proper Noun**

اسم خاص واژه‌ای است که بر شیء، شخص یا مکان خاص و معینی دلالت کند.

مثال:

Tehran	تهران	Big Ben	اسم ساعتی در انگلستان	George	جرج
Queen Mary	اسم کشتی	Iran	ایران	London	لندن
Saint Mary	مریم مقدس	Peter	پیتر	Italy	ایتالیا

**اسم عام :Common Noun**

اسم عام اسمی است که تمام افراد همچنین و همنوع را در بر گیرد.

مثال:

tree	درخت	girl	دختر	village	دهکده
cinema	سینما	pencil	مداد	lion	شیر
glasses	عینک	gloves	دستکش	carpet	فرش

## اسم جمع :Collective Noun

اسم جمع اسمی است که در صورت مفرد ولی در معنی جمع باشد یا به عبارت دیگر نماینده تعدادی از افراد همجنس و مشابه خود باشد.

مثال:

people	مردم	army	ارتش	crowd	جمعیت
team	تیم	group	گروه	flock	گله
tribe	قبیله	brigade	تیپ	news	اخبار - خبر

اسامی جمع همیشه با فعل مفرد به کار می روند.

مثال:

A large crowd <u>was</u> waiting for the president.	جمعیت زیادی منتظر ریس جمهور بودند.
---	------------------------------------

کلمه people / مردم / همیشه با فعل جمع به کار می رود.

مثال:

Many people <u>are</u> there waiting for the train.	افراد زیادی آنجا منتظر قطار هستند.
---	------------------------------------

## اسم جنس : Material Noun

اسم جنس اسمی است که نوع و جنس و ماده شئ را معین کند.

مثال:

gold	طلا	wood	چوب	iron	آهن
zinc	روی	cooper	مس	silver	نقره
cotton	پنبه	silk	ابریشم	wool	پشم

## اسم قابل شمارش: Countable Noun

اسم قابل شمارش اسمی است که می توان تعداد آن را ذکر نمود و آن را شمرد و همه بدون استثناء جمع بسته می شوند و حرف تعريف نامعین a یا an در ابتداء آنها قرار می گیرد.

مثال:

an apple	یک سیب	two apples	دو سیب
a ship	یک کشتی	two ships	دو کشتی
a tree	یک درخت	two trees	دو درخت

## اسم غیر قابل شمارش: Uncountable Noun

اسم غیر قابل شمارش اسمی است که به خودی خود قابل شمارش نبوده و همیشه به شکل مفرد می باشد. با فعل مفرد به کار رفته و حرف تعريف نامعین a یا an در ابتداء آن قرار نمی گیرد.

مثال:

bread	نان	water	آب	salt	نمک
-------	-----	-------	----	------	-----

## أنواع ضمائر Kinds of Pronouns

### ضمير: Pronoun

ضمير کلمه ای است که برای جلوگیری از تکرار بی مورد اسم به کار می‌رود و به عبارت دیگر جانشین اسم است.

مثال:

John saw a wolf in a jungle. The wolf began to jump on John, but John shot the wolf with his rifle at last.

اگر به جمله بالا توجه کنید اسمی John و wolf به کرات تکرار شده است. لذا برای جلوگیری از تکرار این اسمی به جای آنها ضمیر قرار می‌دهند تا جمله حالت زیبا تری به خود بگیرد.

John saw a wolf in a jungle. It began to jump on him, but he shot it with his rifle at last

در جمله بالا برای جلوگیری از تکرار دو اسم John و wolf ضمایر he / برای انسان / و it / برای غیر انسان / به کار رفته است.

### أنواع ضمائر :Kinds of pronouns

ضمير در زبان انگلیسي به هفت گروه تقسیم می شود:

Personal Pronouns :Subjective Pronouns and Objective Pronouns	ضمایر شخصی: ضمایر فاعلی و ضمایر مفعولی:
Reflexive and Emphatic Pronouns	ضمایر انعکاسی و تأکیدی:
Possessive Pronouns and Possessive Adjectives	ضمایر ملکی و صفات ملکی:
Demonstrative pronouns	ضمایر اشاره:
Relative Pronouns	ضمایر موصولی:
Interrogative Pronouns	ضمایر استفهامی:
Indefinite Pronouns	ضمایر مبهم یا نامعین:

## ضمایر شخصی/ضمایر فاعلی و ضمایر مفعولی

Personal Pronouns(Subjective Pronouns-Objective Pronouns)

### Personal Pronouns:

ضمایر شخصی به دو دستهٔ فاعلی و مفعولی تقسیم می‌شوند:

#### ۱-ضمایر فاعلی: Subjective Pronouns:

ضمایر فاعلی عبارتند از:

	مفرد		جمع
I	من /اول شخص مفرد/	we	ما /اول شخص جمع/
you	تو /دوم شخص مفرد/	you	شما /دوم شخص جمع/
he	او /سوم شخص مفرد مذکرا/		
she	او /سوم شخص مفرد موئنث/	they	ایشان، آنها /سوم شخص جمع/
it	او /سوم شخص مفرد غیر انسان/		

این ضمایر همواره حالت فاعلی دارند و فاعل جمله هستند.

وارد استعمال دقیق ضمایر فاعلی:

از ضمایر فاعلی می‌توان در جایگاه فاعل جمله استفاده کرد.

مثال:

<u>She</u> baked a cake.	او کیک پخت.
--------------------------	-------------

از ضمیر فاعلی it برای دلالت بر زمان، مسافت و آب و هوا نیز استفاده می‌گردد.

مثال:

It is Saturday.	روز شنبه است.
It is five kilometers from airport to the hotel.	از فرودگاه تا هتل ۵ کیلومتر مسافت است.
It is snowing.	برف می‌بارد.
It is cloudy.	هوای ابری است.

نکته قابل توجه در مورد ضمیر فاعلی I:

در صورتی که گوینده از خود و دیگران صحبت کند برای احترام لازم است اول از دیگران یاد کرده سپس به خود اشاره نماید.

مثال:

My friends and <u>I</u> attended the party last night.	من و دوستانم دیشب در میهمانی شرکت کردیم، من و دوستانم دیشب در میهمانی شرکت کردیم.
--	---

در صورتی که گوینده به گناه یا جرمی اعتراف کند لازم است اول به خود اشاره کرده سپس از دیگران نام ببرد

مثال:

<u>I</u> and my friends threw the stone at him.	من و دوستانم به او سنگ انداختیم.
---	----------------------------------

توجه: خمیر فاعلی I چه در ابتداء جمله باشد و چه در وسط جمله در هر صورت به شکل حرف بزرگ /capital letter/ نوشته می‌شود.  
/به مثال‌های فوق توجه نمایید/

### ضمایر مفعولی Objective Pronouns

ضمایر مفعولی:

ضمایر مفعولی عبار تنداز:

	فرد		جمع
me	مرا، به من	us	ما را، به ما
you	تو را، به تو	you	شما را، به ما
him	او را، به او /مذکور/		
her	او را، به او /مونث/	them	آنها را، به آنها
it	آن را، به آن /غیر انسان/		

این ضمایر همواره حالت مفعولی دارند و مفعول جمله هستند.

مثال:

He gave me the book.

او کتاب را به من داد.

نکات مهم در باره ضمایر مفعولی:

ضمایر مفعولی گاهی با واسطه /غیر صریح/ هستند یعنی با واسطه‌ای از حروف اضافه به کار می‌روند.

مثال:

I sent the book to him.

کتاب را برایش فرستادم.

/مفعول با واسطه/

ضمایر مفعولی گاهی نیز بی واسطه /صریح/ اند یعنی بدون واسطه‌ای از حروف اضافه به کار می‌روند.

مثال:

He saw me.

او مرا دید.

/مفعول بی واسطه/

در زبان فارسی علامت مفعول بی واسطه /را/ است. با ترجمه جملات از انگلیسی به فارسی حالت مفعول با واسطه و بی واسطه معلوم می‌شود.

بعد از حروف اضافه، ضمایر همیشه در حالت مفعولی هستند.

مثال:

All of them were present.

همه آنها حضور داشتند.

None of them were my friends.

هیچ یک از آنها دوست من نبودند.

## ضمایر ملکی – صفات ملکی Possessive Pronouns-Possessive Adjectives

### ضمایر ملکی:

ضمایر ملکی کلماتی هستند که علاوه بر ضمیر بودن، مالکیت را بیان می‌کنند و در حقیقت به جای صفت ملکی و اسم می‌نشینند و باید به این نکته توجه داشت که ضمیر کلمه‌ای است که جای اسم می‌نشیند و برای رفع تکرار اسم به کار می‌رود.

ضمایر ملکی عبارتند از:

مفرد		جمع	
mine	مال من	ours	مال ما
yours	مال تو	yours	مال شما
his	مال او / مذکرا /		
hers	مال او / مؤنث /	theirs	مال آنها
its	مال آن / غیر انسان /		

ضمایر ملکی در عین اینکه ضمیر هستند حالت مالکیت را نیز بیان می‌کنند.

مثال:

That book is <u>mine</u> .	آن کتاب مال من است.
She is a friend of <u>yours</u> .	او یکی از دوستان شما است.

### صفات ملکی: possessive adjectives:

صفت ملکی را نباید با ضمیر ملکی اشتباه کرد. به این معنی که صفت ملکی همواره با یک اسم /موصوف/ همراه است. در حالی که ضمیر ملکی جایگزین صفت ملکی و موصوف آن می‌شود.

صفات ملکی عبارتند از:

مفرد		جمع	
my	مال من	our	مال ما
your	مال تو	your	مال شما
his	مال او / مذکرا /		
her	مال او / مؤنث /	their	مال آنها
its	مال آن / حیوان / اشیاء /		

مثال:

This <u>car</u> is <u>my car</u> .	این ماشین، ماشین من است.
This <u>house</u> is <u>their house</u> .	این خانه، خانه آنهاست.

در دو جملهٔ بالا برای اجتناب از تکرار کلمات car و house و بیان مالکیت، از ضمایر ملکی mine و theirs به صورت زیر استفاده می‌گردد.

This car is <u>mine</u> .	این ماشین مال من است.
This house is <u>theirs</u> .	این خانه مال آنهاست.

در حقیقت کلمات mine و theirs در جملات بالا به ترتیب جایگزین عبارات my car و their house و my house شده‌اند.  
نکته: کلمه own با صفات ملکی ترکیب شده جای اسم را می‌گیرد و آن را ضمیر مشترک می‌نامند. این ضمیر در تمام اشخاص به یک صورت است و جنبهٔ تأکید دارد.

مثال:

He took the money which was <u>his own</u> .	او پولی را که مال خودش بود برداشت.
--	------------------------------------

اگر کلمه own قبل از اسمی قرار گیرد وظیفهٔ وصفی دارد.

مثال:

She feeds her <u>own</u> poultry.	او پرنده‌گان خودش را غذا می‌دهد.
-----------------------------------	----------------------------------

## کاربرد It, There

## موارد کاربرد There

در صورتی که بخواهند از وجود چیزی، یا کسی گفتگو کنند از there در آغاز جمله استفاده می‌کنند. مثلاً به جای جمله:

.A pen is on the table

از جمله:

.There is a pen on the table

استفاده می‌کنند. یا به جای جمله:

.Two men are in the room

از جمله:

.There are two men in the room

استفاده می‌کنند.

باید توجه داشت که فاعل جمله موقعي که there، آغاز جمله است، همواره نکره است و فعل جمله نیز از مشتقات to be است. اگر فاعل معروفه باشد، آغاز جمله قرار نمی‌گیرد. مثلاً نمی‌توان گفت:

There was the book on the table.

به جای جمله بالا باید جمله به صورت زیر بیان شود:

The book was on the table.

اگر در آغاز جمله باشد و دنبال آن یکی از مشتقات فعل to be در آید، همیشه مجموعاً به معنی "وجود داشتن"، ترجمه می‌شود.

## موارد کاربرد it

اگر it در آغاز جمله قرار گیرد، در موارد مختلف زیر به معانی متفاوتی به کار می‌رود: موقعی که از شرایط گوناگون جوی، از جمله، سردی، گرمی، برفی، بارانی، طوفانی، و ابری بودن و غیره گفتگو شود، از it در آغاز جمله استفاده می‌شود. مثال:

<u>It</u> is raining.	باران می‌بارد.
<u>It</u> is cold.	هوای سرد است.
<u>It</u> is stormy.	هوای طوفانی است.

وقتی که بحث از بعد مسافت و فاصله بین دو مکان است.

مثال:

<u>It</u> is not very far.	خیلی دور نیست.
<u>It</u> is ten kilometers from here to the nearest town.	از اینجا تا نزدیک ترین شهر ده کیلومتر فاصله است.

وقتی که بحث از زمان و ساعت است.

مثال:

<u>It</u> is 6:00 o'clock.	ساعت ۶ است.
<u>It</u> is 12:00 o'clock.	ساعت ۱۲ است.
<u>It</u> is late.	دیر وقت است.

وقتی که به دنبال فعل to be صفتی واقع شود، و فاعل واقعی، مصدر باشد، جمله را با it آغاز می‌کنند. در این صورت، آن را فاعل تشریفاتی یا formal subject گویند.

مثال:

<u>It</u> is difficult to solve this problem.	حل کردن این مسئله دشوار است.
---	------------------------------

وقتی جمله ای با قضیه ای شروع شود، بهتر است فعل اصلی جمله را بعد از it در آغاز جمله به کار برد و قضیه را در آخر جمله قرار داد.

مثال:

That he has not returned yet is strange.	این که او هنوز بازنگشته است، عجیب است.
--	--

که براساس قانون فوق جمله بالا بهتر است به صورت زیر نوشته شود.

<u>It</u> is strange that he has not returned yet.	این که او هنوز بازنگشته است، عجیب است.
--	--

گاهی برای اشخاص به کار می‌رود و در آغاز جمله قرار می‌گیرد.

مثال:

Who is it? <u>It</u> is Mr. Smith.	او کیست؟ او آقای اسمیت است.
------------------------------------	-----------------------------

گاهی به عنوان خمیرفانی، جانشین اشیاء و غیر انسان می‌شود.

مثال:

<u>It</u> is yours.	آن مال شماست.
---------------------	---------------

با فعل to be برای بیان تأکید به کار می‌رود.

مثال:

<u>It</u> was Mary who told me it.	مری بود که آن را به من گفت.
------------------------------------	-----------------------------

به عنوان فاعل، با افعال غیر شخصی کاربرد دارد.

مثال:

It seems.	به نظر می‌رسد.
-----------	----------------

It appears.	به نظر می‌رسد.
-------------	----------------

## تبديل اسم غير قابل شمارش به اسم قابل شمارش

Rules for Changing Uncountable Noun into Countable Noun

## چگونه اسم غير قابل شمارش را می توان قابل شمارش نمود؟

برای بیان یک واحد از اسمی که غير قابل شمارش است باید واحد آن را که یک اسم قابل شمارش می باشد را در ابتداء آن بنویسیم.

مثال:

a loaf of bread	یک نان / یک قرص نان /	a bottle of milk	یک بطری شیر
a glass of water	یک لیوان آب	a cup of coffee	یک فنجان قهوه
a bar of soap	یک قالب صابون	a bar of chocolate	یک بسته شکلات

بنابر این کلمات /bar, cup, glass, bottle, loaf/ در اینجا قابل شمارش بوده و می توان از آنها برای قابل شمارش کردن اسمی غیر قابل شمارش استفاده کرد.

مثال:

three cups of tea	سه فنجان چای	some bottles of milk	تعدادی بطری شیر
-------------------	--------------	----------------------	-----------------

## قواعد جمع بستن اسم

Rules for Changing Singular Noun into Plural Form

## تعداد: اسم مفرد / اسم جمع:

اسم مفرد / اسم جمع:

اسم به طور کلی به دو صورت در جمله دیده می شود: اسم مفرد و اسم جمع

اسم مفرد:

اسم مفرد بر یک شیء یا حیوان دلالت می کند.

مثال:

a book	یک کتاب	a boy	یک پسر	an orange	یک پرتقال
a dog	یک سگ	a man	یک مرد	a soldier	یک سرباز

اسم جمع:

اسم جمع بر بیش از یکی دلالت می کند.

مثال:

two books	دو کتاب	many boys	تعداد زیادی پسر	some oranges	تعدادی پرتقال
four dogs	چهار سگ	several soldiers	چندین سرباز	some men	تعدادی مرد

برای جمع بستان اسم در انگلیسی قاعده هایی وجود دارد که آنها را به ترتیب بررسی می کنیم.  
قاعده کلی برای جمع بستان یک اسم افزودن حرف s به آخر اسم مفرد است.

مثال:

door	doors	paper	papers	girl	girls
pen	pens	lion	lions	garden	gardens

اگر کلمه ای به یکی از حروف p, f, t و k ختم شود، هنگام جمع بستان s / جمع با صدای s / تلفظ می شود.

مثال:

map	maps	cup	cups	roof	roofs
hoof	hoofs	student	students	hat	hats
book	books	desk	desks	hook	hooks

اگر کلمه ای به حروفی غیر از چهار حرف p, f, t و k ختم شود، در این صورت s جمع با صدای z / تلفظ می گردد.

مثال:

hand	hands	flag	flags	girl	girls
window	windows	pen	pens	finger	fingers
boy	boys	room	rooms	cab	cabs

در صورتیکه اسم به حروف ch, sh, s, se, ss, x, z ختم شود برای جمع بستان آن به آخر اسم مفرد es اضافه می شود. باید توجه داشت که در این کلمات هجای جدیدی تشکیل می دهد و با صدای /ایز/ تلفظ می گردد.

مثال:

brush	brushes	fox	foxes	bus	buses
stress	stresses	horse	horses	waltz	waltzes
buzz	buzzes	church	churches	box	boxes

اگر اسم مفرد به حرف o ختم شود و ما قبل آن حرف بی صدا باشد، در موقع جمع بستان es اضافه می شود.

مثال:

negro	Negroes	hero	heroes	potato	potatoes
-------	---------	------	--------	--------	----------

کلماتی وجود دارد که از قاعده فوق مستثنی هستند و تنها s می گیرند.

مثال:

photo	photos	solo	solos	piano	pianos
bravo	bravos	kilo	kilos	silo	silos

در صورتی که قبل از حرف o حرف صدا دار باشد در جمع تنها s اضافه می شود.

مثال:

radio	radios	zoo	zoos	cuckoo	cuckoos
-------	--------	-----	------	--------	---------

اگر اسم مفرد به y ختم شود و قبل از آن حرف بی صدا باشد، در جمع y به i تبدیل شده es می گیرد.

مثال:

party	parties	baby	babies	city	cities
story	stories	duty	duties	country	countries

اگر قبل از اسم مفرد مختوم به حرف y حرف صدا دار باشد در جمع فقط s اضافه می شود.

مثال:

boy	boys	day	days	play	plays
key	keys	tray	trays	toy	toys

کلماتی که به f یا fe ختم می شوند در موقع جمع بستن f یا fe آنها به ves تبدیل می شوند.

مثال:

wife	wives	knife	knives	leaf	leaves
loaf	loaves	thief	thieves	calf	calves

کلماتی وجود دارد که از قاعدة فوق مستثنی هستند. یعنی در حالت جمع فقط s می گیرند.

مثال:

proof	proofs	roof	roofs	chief	chiefs
reef	reefs	belief	beliefs	serf	serfs
gulf	gulfs	dwarf	dwarfs	fife	fifes
cliff	cliffs	cuff	cuffs	safe	Safes

## اسامی جمع بی قاعده

### جمع بستن اسامی به صورت سماعی:

در زبان انگلیسی تعدادی اسم وجود دارد که با تغییراتی که در حروف با صدای آنها داده شده به جمع تبدیل شده اند، این گونه جمع را سماعی نامند. تعدادی از اسامی به شرح زیر می باشد:

man	مرد	men	مردان
woman	زن	women	زنان
mouse	موس	mice	موس ها
goose	غاز	geese	غازها
foot	پا	feet	پاهای
louse	شپش	lice	شپش ها
tooth	دندان	teeth	دندان ها
dormouse	موس زمستان خواب	dormice	موس های زمستان خواب

جمع پاره ای از اسامی، بی قاعده است.

child	بچه	children	بچه ها
ox	گاو نر	oxen	گاو های نر
cow	گاو ماده	cows/kine	گاو های ماده
brother	برادر	brethren	برادران دینی

بعضی از اسامی موقع جمع بستن از نظر ظاهر تغییر نمی یابند به عبارتی همیشه به شکل مفرد به کار می روند.

مثال:

sheep	گوسفند	deer	گوزن
salmon	ماهی آزاد	trout	ماهی قزل آلا
snipe	اردک نوک دراز	swine	خوک
craft	کرجی	fish	ماهی

اسم های زیر وقتی که با اعداد و یا صفات کمی به کار رفته باشند s جمع نمی گیرند.

brace	جفت	dozen	دو جین	gross	قراصه / ۱۲ دوجین /
score	بیست	thousand	هزار	hundred	صد

مثال:

I bought two dozen handkerchiefs.	دو دوجین دستمال خریدم.
He died at the age of three score and ten.	او در هفتاد سالگی مرد.
It cost him five thousand dollars.	آن پنج هزار دلار برایش تمام شد.
He shot four brace of partridges.	چهار جفت کبک شکار کرد. / با تیر زد.

## جمع بستن اسم های مرکب

Rules for making Plural form of Compound Nouns

### اسامی مرکب و قواعد مربوط به جمع بستن آنها:

اسم های مرکب اسم هایی هستند که از چند کلمه ترکیب شده اند. اغلب این اسم ها حالت اضافه یا حالت صفت و موصوف را دارند. در جمع بستن **s** جمع را به آخر اسامی که در حالت موصوف قرار گرفته است می افزایند و یا به عبارت ساده **tr+s** به آن کلمه ای اضافه می شود که منظور از آن اسم مرکب همان کلمه است. برای مثال در کلمه **bird-cage** یعنی قفس پرنده کلمه **cage** جمع بسته می شود زیرا منظور ما از آن اسم مرکب قفس است نه خود پرنده.

برای روشن شدن مطلب درزیر به چند نمونه از اسامی مرکب که در حالت مفرد و جمع ذکر گردیده است، توجه نمایید.

son-in-law	داماد	sons-in-law	دامادها
father-in-law	پدر زن – پدرشوهر	fathers-in-law	پدر زن ها – پدرشوهرها
step-mother	نا مادری	step-mothers	نا مادری ها
man-of-war	مرد جنگی	men-of-war	مردان جنگی
bird-cage	قفس پرنده	bird-cages	قفس های پرنده
apple-tree	درخت سیب	apple-trees	درختان سیب
workman	کارگر	workmen	کارگران
note-book	دفترچه	note-books	دفترچه ها
tea-cup	فنجان چای	tea-cups	فنجان های چای

بعضی از صفات با اضافه کردن حرف تعريف **the** تبدیل به جمع می شوند.

مثال:

rich	ثروتمند	the rich	ثروتمندان
poor	فقیر	the poor	فقراء
young	جوان	the young	جوانان
deaf	ناشنوا	the deaf	ناشنوایان
dead	مرده	the dead	مردگان – اموات
heathen	کافر	the heathen	کافران

کلماتی که با man, woman, lord ترکیب شده اند به هنگام جمع بسته شدن هر دو جزء آنها جمع بسته می شوند.

woman-teacher	خانم معلم	women-teachers	خانم معلم ها
man-servant	خدمتکار مرد	men-servants	خدمتکاران مرد
lord-justice	قاضی بلند پایه	lords-justices	قضات بلند پایه

در اسمی مرکب که دارای حرف اضافه هستند علامت جمع به آخر اسم اول اضافه می شود.  
مثال:

looker-on	تماشاچی	lookers-on	تماشاچی ها
passer-by	عابر	passers-by	عابرين
hanger-on	انگل	hangars-on	انگل ها
daughter-in-law	عروس	daughters-in-law	عروس ها
mother-in-law	مادر زن	mothers-in-law	مادر زن ها

کلمات زیر مفرد هستند و با فعل مفرد به کار می روند و هرگز /a/ جمع نمی گیرند.

furniture	مبل و اثاثیه منزل	mathematics	ریاضیات
advice	پند و نصیحت	news	خبر - اخبار
information	اطلاعات	baggage	وسایل سفر
traffic	ترافیک	knowledge	دانش - علم
behavior	رفتار	homework	کار - تکلیف

مثال:

Mathematics is a difficult subject	ریاضیات یک درس مشکلی است.
------------------------------------	---------------------------

کلمات فوق را اگر بخواهند بصورت جمع به کار برند از کلمات piece یا bit استفاده می کنند و آن را جمع می بندند.  
مثال:

I bought three pieces of furniture yesterday.	دیروز سه تکه اثاث منزل خریداری کردم.
He gave me two good bits of advice.	او دو اندرز خوبی به من داد.
The news is very good today.	اخبار امروز خیلی هستند.
My luggage is very heavy	چمدان های من خیلی سنگین است.

بعضی از اسم‌ها فقط به صورت جمع به کار برده می‌شوند و همیشه با فعل جمع همراهند.

people	مردم	pants	شلوار
shorts	شورت، شلوارک	pajamas	پیژامه
pliers	انبر دست	scissors	قیچی
glasses	عینک	forceps	انبر جراحی
tweezers	موچین	trousers	شلوار

چون اسمی فوق را در حالت مفرد و جمع نمی‌توان در جمله تشخیص داد لذا برای روشن شدن آن اسم از کلمه /pair/ استفاده می‌شود.  
مثال:

. There is a pair of trousers in that suitcase	در آن چمدان یک شلوار وجود دارد.
. There are two pairs of trousers in that suitcase	در آن چمدان دو عدد شلوار وجود دارد.

اگر کلمه /pair/ با اسمهای فوق الذکریه کار برده نشود تعداد آن اسمها معین نخواهد بود و باید فعل جمع آنها را به کار برد.

. My scissors are not very sharp	قیچی من خیلی تیز نیست. / تعداد قیچی معلوم نیست. /
This pair of scissors is not very sharp.	این قیچی خیلی تیز نیست. / فقط یک قیچی /

برخی از اسمی در حالت مفرد از نظر معنی با حالت جمع متفاوتند.  
مثال:

work	کار	works	آثار / هنری /
wood	چوب	woods	جنگل
spectacle	منظمه	spectacles	عینک دسته دار
people	مردم	peoples	ملل
glass	شیشه	glasses	عینک

اسامی معنی و جنس جمع بسته نمی شوند ولی بعضی از اسامی جنس جمع بسته شده و معنی دیگری می دهند.  
مثال:

iron	آهن	irons	اطوها
tin	قلع	tins	قوطی ها
water	آب	waters	دریا ها
wood	چوب	woods	جنگل
copper	مس	coppers	سکه های مس

جمع کلمه person است و همواره با فعل جمع به کار می رود و اگر people خود به صورت جمع به کار رود به معنی /ملل خواهد بود.

مثال:

The people of the world must try to live in peace.

ملل جهان باید بکوشند تا در صلح زندگی کنند.

کلمه good / خوب / که نقش صفت را دارد هنگامی که s جمع بگیرد تبدیل به اسم شده و معنی کالا می دهد.

good/صفت	خوب	goods	کالا
----------	-----	-------	------

**ضمایر انعکاسی و تاکیدی:**

ضمایر انعکاسی و تاکیدی عبارتند از:

فرد		جمع	
myself	خودم	ourselves	خودمان
herself	خودت	yourself	خودتان
himself	خودش / مذکر /		
herself	خودش / مؤنث /	themselves	خودشان
itself	خودش / غیر انسان /		

این ضمایر دارای دو حالت انعکاسی و تاکیدی هستند:

**ضمایر انعکاسی :Reflexive Pronouns:**

اگر فاعل و مفعول جمله هر دو یک شخص یا یک شیء باشند، به عبارت دیگر کار از فاعل به مفعول و از مفعول به فاعل برگرد / منعکس شود / در این حالت ضمایر را انعکاسی نامند.

He cut <u>himself</u> with a blade.	او صورت خود را با تیغ برید.
She killed <u>herself</u> .	او خودش را کشت.
I introduced <u>myself</u> .	من خودم را معرفی کردم.
She bought <u>herself</u> a dress.	او برای خودش یک پیراهن خرید.

ضمیر انعکاسی گاهی به صورت متمم فاعل بکار می‌رود.

مثال:

She is not <u>herself</u> today	امروز حالش سر جا نیست.
---------------------------------	------------------------

**ضمایر تاکیدی :Emphatic Pronouns:**

ضمایر تاکیدی برای تاکید بر روی فاعل یا مفعول جمله به کار می‌روند.

تاکید بر روی فاعل:

I saw the accident yesterday.	خودم حادثه را دیروز دیدم. /ضمیر تاکیدی بعد از مفعول /
I like Mary <u>myself</u> but my mother doesn't like her.	من خودم مری را دوست دارم، اما مادرم او را دوست ندارد. /تاکید بر روی فاعل /

تاكيد بر روی مفعول:

I saw the accident <u>itself</u> yesterday.	خودم حادثه را دیروز دیدم. /ضمیر تاكيدی بعد از مفعول /
I like Mary <u>herself</u> , but I don't like her ideas.	خود مری را دوست دارم اما عقایدش را نه. /تاكيد بر روی مفعول /

اگر قبل از ضمایر انعکاسی و تاكيدی حرف اضافه by به کار رفته باشد، معنی خود و یا به تنهايی را می رساند و در اين حالت وظيفه قيدي دارد.

by myself

من خودم / به تنهايی /

by himself

او خود / به تنهايی /

موقعی که فاعل ضمیر مبهم one باشد ضمیر انعکاسی و تاكيدی آن oneself بوده، به صورت مفرد به کار می رود و جمع ندارد.  
مثال:

One can kill oneself with a rifle.

شخص می تواند خود را با تفنگ بکشد.

ضمایر تاكيدی به هیچوجه فاعل یا مفعول جمله واقع نمی شوند.  
ضمیر تاكيدی می تواند بعد از فاعل یا در انتهای جمله به کار رود. /به شرطی که تولید ابهام نکند/.  
مثال:

He himself wrote the article in the class.

او خودش مقاله را در کلاس نوشت. /بعد از فاعل /

He wrote the article in the class himself.

او خودش مقاله را در کلاس نوشت. /در آخر جمله /

## ضمایر اشاره: Demonstrative pronouns

ضمایر اشاره ضمایری هستند که برای اشاره به شخص یا چیزی به کار می‌روند. این ضمایر به دو دسته معین و نامعین تقسیم می‌شوند.

### ضمایر اشاره معین Definite Demonstrative Pronouns

این ضمایر جانشین اسمهایی می‌شوند که صریحاً به آنها اشاره شده و از نظر شنونده معلوم و معین باشند و عبارتند از: this, that, these, those, the former, the latter, one, ones, such, the same, none

مثال:

Your house is larger than <u>this</u> .	خانه شما بزرگتر از این است. /ضمیر اشاره/
<u>This</u> is my book.	این کتاب من است. /ضمیر اشاره/

در جملات فوق، کلمه this ضمیر اشاره است.

در صورتی که کلمات فوق قبل از اسم قرار گیرند، آنها را صفات اشاره گویند.

مثال:

<u>This</u> house is larger than yours.	این خانه، از خانه شما بزرگتر است.
<u>This</u> book is mine.	این کتاب مال من است.

در جملات فوق کلمه this صفت اشاره است.

### موارد کاربرد ضمایر اشاره معین:

this, that, these, those

این ضمایر در زبان انگلیسی نقش مهمی از نظر جانشینی کلام بازی می‌کنند. ضمایر these و this به اولین اسم پیش از خود و ضمایر و that به دومین اسم پیش از خود دلالت دارند.

مثال:

Sheep are more useful than camels. These /camels/ are used for carrying loads and those /sheep/ are used for their milk.	گوسفندها خیلی مفیدتر از شترها هستند. اینها /شترها/ برای حمل بار، مورد استفاده قرار می‌گیرند و آنها ، /گوسفندها/ برای شیرشان مورد استفاده قرار می‌گیرند.
--	---

none, such, the same

ضمیر none غالباً به جای اسامی جمع و گاهی اسامی مفرد به کار می‌رود.

مثال:

None but my friend Betty goes to the party.

هیچکس جز دوستم بتبی به میهمانی نمی‌رود.

None go to the party.

هیچکدام /آنها/ به میهمانی نمی‌روند.

ضمیر none در جمله اول به جای اسم مفرد به کار رفته است، در حالیکه ضمیر none در جمله دوم به جای اسم جمع به کار رفته است. none در پاسخ منفی به کلمه پرسش how many ولی no one در جواب منفی به کلمه پرسشی who به کار می‌رود.

مثال:

How many eggs have you got? None.

چند تا تخم مرغ دارید؟ هیچ چی.

Who was absent? No one.

چه کسی غایب بود؟ هیچ کس.

ضمیر such به جای اسامی مفرد و جمع به کار می‌رود.

Such is my reward.

این پاداش من است.

Such are my results.

اینها نتایج کار من می‌باشند.

ضمیر the same را موقعی به کار می‌برند که از یک چیز یا یک شخص صحبتی کرده و بخواهند عطف به آن کرده و در عین حال به جای آن ضمیر به کار برند.

مثال:

Whatever he did, the baby tried to do it the same.

هرچه او انجام می‌داد، بچه سعی می‌کرد همان کار را انجام دهد

**the former, the latter, one, ones**

هرگاه بخواهند که از دو شیء یا دو شخص که قبلاً بیان شده بار دیگر نامی ببرند، ضمیر the former را به جای اسم اول و the latter به جای اسم دوم به کار می‌برند.

مثال:

Ali and Hassan are two brothers, the former /Ali/ is clever and the latter /Hassan/ is lazy.

علی و حسن دو برادر هستند، اولی /علی/ باهوش است و دومی /حسن/ تنبیل است.

می‌توان به جای دو ضمیر فوق از ضمایر that و this استفاده نمود. البته با توجه به این نکته که this به جای the latter و that به جای the former به کار می‌رود. به عنوان مثال جمله بالا به صورت جمله زیر نوشته می‌شود.

Ali and Hassan are two brothers, this /Hassan/ is lazy and that /Ali/ is clever.

علی و حسن دو برادر هستند، اولی /علی/ باهوش است و دومی /حسن/ تنبیل است.

one ضمیری است به جای اسم مفرد و ones به جای اسمی جمع. این دو ضمیر صرفاً جای اسمی قابل شمارش را می‌گیرند.  
مثال:

That watch is my friend's, but this one/watch/ is mine.

آن ساعت مال دوست من ولی این یکی /ساعت/ مال من است.

She has two black cats and three white ones.

او دو گربه سیاه و سه گربه سفید دارد.

دو ضمیر فوق غالباً با صفت همراهند.

### ضمایر اشاره نامعین: Indefinite Demonstrative Pronouns

ضمایر اشاره نامعین ضمایری هستند که جانشین اسمهای نامعین و نامعلوم می‌شوند و باید آنها را از مفهوم کلام دریافت. این ضمایر عبارتند از: one, everyone, you, they, we  
one موقعی که شخص مبهم است، به معنی هر کس به کار می‌رود.  
مثال:

One should do one's best to improve the conditions of life.

هر کس باید بکوشد که شرایط زندگی را بهبود بخشد.

در صورتی که بخواهند حالت ملکی one را برسانند، از one's استفاده می‌کنند. /مثال فوق/  
everybody یا هر کس یا کسی / از گروه ضمایر اشاره نامعین محسوب می‌شوند.  
مثال:

Everyone must attend the meeting in due time.

هر کس باید در موعد معین در جلسه حضور بهم رساند.

### : they, we, you

ضمیر they گاهی به جای افرادی قرار می‌گیرد که به صورت غیر مستقیم و مبهم به مطلب و یا مطالبی اشاره می‌کنند.  
مثال:

They say that he is a dishonest man.

می‌گویند که او شخص نادرستی است.

ضمیر we هم گاهی در معنی خود نبوده و به اشخاص نامعین اشاره می‌کند.

مثال:

We sometimes tell a lie and don't know the reason.

انسان گاهی دروغ می‌گوید و علت آن را نمی‌داند.

ضمیر you نیز در این حال به معنی واقعی خود نیست و به جای شخص مبهم به کار می‌رود.  
مثال:

You sometimes feel happy and sometimes unfortunate.

شخص گاهی احساس سعادت و گاهی احساس بدبختی می‌کند.

گاهی اگر به دلایلی نخواهند از اسم یا اسمی واقعی نام ببرند از ضمیر they استفاده می‌کنند.

مثال:

They promised to tell the truth.

قول دادند واقعیت را عنوان کنند.

## ضمایر موصولی: Relative Pronouns

ضمایر موصولی کلماتی هستند که اولاً وظیفه جانشینی اسم یا ضمیر را انجام می‌دهند. ثانیاً وظیفه ربط جملات اصلی به تبعی را نیز دارا هستند.

مثال:

She is the student who is studying at Tehran University. او دانشجویی است که در دانشگاه تهران درس می‌خواند.

در جمله بالا ضمیر موصولی who در عین حال که به جای student که فاعل جمله دوم نیز محسوب می‌شود قرار گرفته، وظیفه ارتباط دو جمله را نیز انجام می‌دهد. یعنی در اصل، جمله بالا، ترکیبی از دو جمله زیر می‌باشد.

She is the student. The student is studying at Tehran University. او یک دانشجو است. آن دانشجو در دانشگاه تهران درس می‌خواند.

کلمه‌ای که موصول به آن اشاره می‌کند به مرجع موصول یا antecedent موسوم است. در جمله بالا مرجع who student است.

**ضمایر موصولی عبارتند از:**

who	ضمیر موصولی فاعلی برای انسان
whom	ضمیر موصولی مفعولی برای انسان
which	ضمیر موصولی فاعلی و مفعولی برای غیر انسان
what	ضمیر موصولی فاعلی و مفعولی بدون مرجع صریح
whose	ضمیر موصولی ملکی برای بیان حالت ملکی در انسان و گاهی غیر انسان
that	ضمیر موصولی فاعلی و مفعولی برای انسان و غیر انسان
of which	ضمیر موصولی ملکی برای بیان تعلق و اختصاص در غیر انسان

این موصول‌ها برای بیان حالت مفرد، جمع، مذکر و مؤنث به کار رفته و تغییر نمی‌کنند.



## ضمایر موصولی ملکی whose ، of which

ضمیر موصولی whose را معمولاً موقعی که مرجع آن انسان باشد به کار می برد، که در عین حال مالکیت را نیز، بیان می کند.  
مثال:

This is the man whose writing are popular.

این شخصی است که نوشه هایش معروف است.

در موقعی که اضافه تخصیصی منظور گوینده باشد از ضمیر of which / که فقط برای غیر انسان به کار می رود/ استفاده می گردد.  
مثال:

The book the cover of which is torn does not belong to me.

کتابی که جلدش پاره شده متعلق به من نیست.

امروزه گاهی ضمیر موصولی ملکی whose را برای غیر انسان نیز به کار می برد.  
مثال:

Living in a large house whose walls  
are made of glass will be horrible.

زندگی در خانه ای بزرگ، که از دیواره های  
شیشه ای، ساخته شده است، خوفناک است.

گاهی مالکیت و تعلق در غیر انسان با حرف اضافه with، همراه با یک عبارت بیان می شود.  
مثال:

Living in a large house with  
glass walls will be horrible.

زندگی در خانه ای بزرگ، که از دیواره های  
شیشه ای، ساخته شده است، خوفناک است.

## ضمیر موصولی فاعلی و مفعولی what:

از بین ضمایر موصولی what تنها ضمیری است که نیاز به مرجع ظاهری ندارد، بدین معنی که مفهوم مرجع در آن مستتر است و بیشتر جنبه ختنی دارد، یعنی حالت مذکور و مؤثر بودن آن مشخص نیست.  
مثال:

I can't tell you what /the thing which, the things which/  
he wanted me to do.

من نمی توانم آنچه که او از من خواست انجام  
بدهم را به شما بگویم.

What is useful is the best.

آنچه که مفید است، بهترین چیز است.

ضمایر موصولی حتی الامکان باید نزدیک به مرجع خود قرار گیرند، چون اگر از مرجع خود دور شوند در معنی جمله ممکن است ابهام به وجود آورد.

مثال:

The house that he lives in is near the woods.

خانه ای که او در آن زندگی می کند نزدیک جنگل است.

The house is near the woods that he lives in

خانه نزدیک جنگلی است که در آن /جنگل/ زندگی می کند

در جمله اول مرجع و منظور، house و در جمله دوم مرجع، woods است.

## قید های موصولی :Relative Adverbs

قیدها ای موصولی عبارتند از: why, where, when که به جای حرف اضافه و ضمیر موصولی which قرار می گیرند.

on which/when

/بیان زمان/

at which/in which=where

/بیان مکان و گاهی زمان/

for which=why

/بیان دلایل/

مثال:

The year <u>in which</u> he died = the year <u>when</u> he died.	سالی که او درگذشت.
The day <u>on which</u> she arrived = the day <u>when</u> she arrived.	روزی که رسید.
The house <u>in which</u> he lived = the house <u>where</u> he lived.	خانه ای که او در آن زندگی می کرد.
The reason <u>for which</u> he came = the reason <u>why</u> he came.	دلیلی که او آمد.

## سایر موارد استعمال ضمیر موصولی :that

قبل‌اً نکاتی در بارهٔ نحوه استفاده از ضمیر موصولی that بررسی گردید، ولی نکات دیگری وجود دارد که موارد کاربرد آن را روشن کرده و استفاده از آن را به سایر موصول‌ها ارجحیت می دهد.

بعد از کلمات زیر و صفات عالی و اعداد ترتیبی، that به کار برده می شود.

anybody, anyone, somebody, nowhere, nothing, nobody, anybody, anywhere, anything, something, all, only

مثال:

.Anything <u>that</u> he saved was lost	هر چیزی را که او پس انداز کرد، از دست رفت.
Everywhere <u>that</u> I go remember his gentle face.	هر جا که می روم، چهره آرام او را به خاطر می آورم.
It was the <u>third</u> accident <u>that</u> I saw yesterday.	سومین تصادفی بود که دیروز دیدم.
.He was <u>the tallest</u> man <u>that</u> I had ever seen	او بلندقد ترین مردی بود که تا آن وقت دیده بودم.
It was <u>the only</u> thing <u>that</u> was worth seeing.	آن تنها چیزی بود که ارزش دیدنش را داشت.
All the books <u>that</u> I have read belong to his library.	همه کتاب‌هایی را که خوانده ام متعلق به کتابخانه او است.

در صورتی که that وظیفه خبری داشته باشد نمی توان آن را با who و which جابجا کرد و غالباً نیز حذف می گردد.

مثال:

He is not the man /that/ I thought.

او مردی نیست که من فکر می کرم.

## ضمایر استفهایی :Interrogative Pronouns

ضمایر استفهایی از چگونگی و وضع مرجع خود پرسش می‌کنند و عبارتند از:

who	دارای حالت فاعلی
whom	دارای حالت مفعولی
what	دارای حالت فاعلی و مفعولی
which	دارای حالت فاعلی و مفعولی
whose	دارای حالت فاعلی و مفعولی

ضمایر استفهایی از چگونگی و وضع مرجع خود پرسش می‌کنند و عبارتند از:

مثال:

<u>Who</u> won the race?	چه کسی مسابقه را برد؟
<u>Who</u> told you that?	چه کسی آن را به شما گفت؟

ضمیر whom حالت مفعولی دارد و برای پرسش در مورد انسان است. اغلب با حرف اضافه و گاهی بدون حرف اضافه است.

مثال:

To <u>whom</u> did you give the book?	کتاب را به چه کسی دادی؟ / حالت مفعولی با حرف اضافه /
<u>Whom</u> did you want to meet last night?	چه کسی را می‌خواستی دیشب ملاقات کنی؟ / حالت مفعولی بدون حرف اضافه /

در انگلیسی گفتاری / محاوره ای / وقتی حرف اضافه در آخر جمله به کار رود، به جای whom از who استفاده می‌کنند.

مثال:

<u>Who</u> did you give the book <u>to</u> ?	کتاب را به چه کسی دادی؟ / انگلیسی گفتاری / محاوره ای /
--	--

در انگلیسی نوشتاری / مکتوب / حرف اضافه قبل از whom قرار می‌گیرد.

مثال:

To <u>whom</u> did you give the book?	کتاب را به چه کسی دادی؟ / انگلیسی نوشتاری / مکتوب /
---------------------------------------	---

ضمیر what برای پرسش در باره اشیاء و دارای حالت فاعلی و مفعولی است.

مثال:

<u>What</u> happened yesterday?	دیروز چه چیزی اتفاق افتاد؟ / حالت فاعلی /
<u>What</u> did you say?	چه گفتی؟ / حالت مفعولی /

ضمیر which از جمله ضمایر استفهامی است که برای انتخاب یک یا چند فرد یا شئ از میان گروه معین به کار می‌رود. این ضمیر حالت فاعلی و مفعولی دارد.

مثال:

<u>Which</u> is larger, thirty or thirteen?	کدام بزرگتر است، سی یا سیزده؟ / حالت فاعلی /
---	--

<u>Which</u> do you like best?	کدام را بیشتر دوست داری؟ / حالت مفعولی /
--------------------------------	--

و از صفات استفهامی نیز محسوب می‌شوند. به این معنی که اگر بعد از این دو کلمه اسمی قرار گیرد، صفت استفهامی محسوب می‌گردد.

مثال:

<u>Which book</u> do you want?	کدام کتاب را می‌خواهی؟ / صفت استفهامی /
--------------------------------	---

### ضمیر استفهامی :whose

ضمیر استفهامی whose / به معنی مال چه کسی / در موقع بیان مالکیت به کار می‌رود. این ضمیر حالت فاعلی و مفعولی دارد.

مثال:

<u>Whose</u> did you drive?	مال / اتومبیل / چه کسی را می‌راندی؟ / حالت فاعلی /
-----------------------------	--

<u>Whose</u> is it?	مال چه کسی است؟ / حالت مفعولی /
---------------------	---------------------------------

به معنی چرا، به چه دلیل به عنوان ضمیر استفهامی برای بیان علت به کار می‌رود.

مثال:

<u>What</u> is the baby crying <u>for</u> ?	چرا نوزاد گریه می‌کند؟ / بیان علت /
---	-------------------------------------

هنگامی که what را برای تعجب و تحسین به کار برند، از ضمایر محسوب نشده بلکه صفت می‌باشد.

مثال:

<u>What</u> a beautiful sunset?	چه غروب زیبایی! / صفت /
---------------------------------	-------------------------

ضمایر مبهم یا نامعین **Indefinite Pronouns**

ضمایر مبهم یا نامعین ضمایری هستند که به جای شخص یا چیز نامعینی قرار می‌گیرند و مهمترین آنها عبارتند از:

anybody	anything	any	Someone
something	some	everybody	Everybody
everything	no one	nobody	Nothing
anyone	one	all	a/little
less	least	a/few	Everyone
either	each	neither	Much
many	several	both	none
another	each other	enough	plenty

مثال:

He puts <u>something</u> into the bag.	او چیزی داخل کیف می‌گذارد.
<u>Much</u> will be done about this in future days.	راجع به این مطلب، در روزهای آینده، کارهای زیادی انجام خواهد گرفت.

باید توجه داشت که برخی از کلمات بالا اگر قبل از اسمی قرار گیرند وظیفه صفت خواهند داشت.

مثال:

Many books have been written about Shakespeare.	کتاب‌های زیادی درباره شکسپیر نوشته شده است.
All the boys are playing football.	همه پسرها مشغول بازی فوتبال می‌باشند.

## کاربرد ضمایر نامعین:

somebody, someone, something, some در جملات مثبت به کار می‌روند.

مثال:

I want <u>something</u> which is different.	من چیزی می‌خواهم که متفاوت باشد.
anybody, anyone, anything, any در جمله‌های سوالی و منفی به معنای هیچ به کار می‌روند.	

مثال:

I don't have <u>any</u> money on me.	هیچ پولی همراهم نیست.
She hasn't eaten <u>anything</u> since yesterday.	او از دیروز تا کنون هیچ چیزی نخوردده است.

مثال:

دارای مفهوم منفی هستند و جمله را منفی می‌کنند اگر چه فعل جمله مثبت باشد.

مثال:

No one was injured in the accident.	هیچکس در تصادف مجروح نشد.
-------------------------------------	---------------------------

به تمام افراد یا اشیاء یک مجموعه دلالت می‌کنند و با فعل مفرد مطابقت می‌کنند.

مثال:

<u>Everything</u> is going to be all right.	همه چیز قرار است درست شود.
<u>Everybody</u> has gone home.	همه به خانه رفته اند.

برای هر یک از دو شخص یا دو چیز به کار می‌رود. either of neither و either of هر دو با اسم جمع به کار می‌روند و با فعل مفرد یا جمع مطابقت می‌کنند.

مثال:

<u>Either</u> of them is/are good.	هر دو نفر آنها حالشان خوب است.
<u>Neither</u> of them is/are good	هیچ یک از آنها حالشان خوب نیست.

وقتی either و neither به صورت صفت به کار روند پس از آنها اسم مفرد می‌آید و با فعل مفرد مطابقت می‌کنند.

مثال:

<u>Neither</u> candidate <u>was</u> selected for the job.	هیچ کاندیدی برای آن کار انتخاب نشد.
---	-------------------------------------

به هر یک از دو یا بیش از دو شخص یا چیز به صورت جداگانه دلالت می‌کند و با فعل مفرد مطابقت می‌کند.

مثال:

<u>Each</u> of the three boys got a prize.	هر یک از پسرها جایزه دریافت نمودند.
--	-------------------------------------

برای دلالت به اشخاص یا اشیاء به کار می‌رود. others و another

مثال:

Some students are better than others.	بعضی از دانشجویان بهتر از دیگران هستند.
---------------------------------------	---

many جایگزین اسامی قابل شمارش می‌شود و much جایگزین اسامی غیر قابل شمارش می‌شود و عمدتاً در جملات سؤالی و منفی به کار می‌رود.

مثال:

You can't take one each. We haven't got <u>many</u> .	شما نمی‌توانید هر کدام، یکی را ببرید.
We can't spend <u>much</u> , or we'll be short of money.	شما نمی‌توانید زیاد خرج کنید، والا دچار کمبود پول خواهید شد.

several جایگزین اسامی قابل شمارش می‌شود.

مثال:

If you are looking for a photo of Robert, you can find <u>several</u> here.	اگر به دنبال عکسی از رابرت می‌گردید، می‌توانید چندین عکس در اینجا پیدا کنید.
---	--

plenty جایگزین اسم های قابل شمارش و غیر قابل شمارش می شوند. enough, all

مثال:

We don't need milk, there's <u>plenty</u> in the fridge.	ما به شیر احتیاج نداریم، مقدار زیادی در یخچال وجود دارد
I have had <u>enough</u> to eat.	به مقدار کافی دارم که بخورم.

few و little به ترتیب جایگزین اسمی قابل شمارش و غیر قابل شمارش می شوند و دارای مفهوم منفی هستند و معنی جمله را منفی می کنند در حالی که با فعل مثبت به کار می روند.  
مثال:

She said <u>little</u> about her journey.	او راجع به سفرش صحبتی نکرد. /مفهوم منفی /
Few will disagree with this argument	با این بحث کسی مخالفت نخواهد کرد. /مفهوم منفی /

a little و a few به ترتیب جایگزین اسمهای قابل شمارش و غیر قابل شمارش می شوند و مفهوم جمله را مثبت می کنند.  
مثال:

Have we got <u>any</u> sugar? Yes, We have got a little.	آیا هیچ شکری داریم؟ بله، مقداری داریم. /مفهوم مثبت /
If you're looking for eggs, you can find a <u>few</u> in the fridge.	اگر دارید دنبال تخم مرغ می گردید، می توانید تعدادی در یخچال پیدا کنید. / مفهوم مثبت /

## حروف تعریف معرفی : Articles

در زبان انگلیسی حروف تعریف از دستهٔ صفات اشاره and و بر دو گروه، حرف تعریف معین the و حرف تعریف نامعین a یا an تقسیم می‌شوند.

### حروف تعریف معین : Definite Article

در زبان فارسی اسمی معین را معرفه می‌نامند و در زبان انگلیسی اگر بخواهند اسمی را به صورت معرفه در آورند، قبل از آن اسم، حرف تعریف معین the به کار می‌برند. می‌توان گفت حرف تعریف the، فرم ضعیف صفات اشاره those، these، this، that می‌باشد. این حرف تعریف اگر قبل از کلماتی که با حرف صدا دار آغاز می‌شوند قرار گیرد، به صورت "ذی" تلفظ می‌شود، مانند the apple "ذی اپل"، و قبل از کلماتی که با حرف بی صدا آغاز می‌شوند به صورت "ذ" تلفظ می‌شود، مانند the boy "ذ بوی".

### موارد کاربرد حرف تعریف معین the

اگر شخص یا شیء مورد نظر گوینده، برای شنونده معلوم باشد، گوینده از این حرف تعریف استفاده می‌کند.

مثال:

Give me <u>the book</u> please.	لطفاً کتاب را به من بده.
---------------------------------	--------------------------

در این جمله برای شنونده کاملاً مشخص است که منظور گوینده کدام کتاب است. اگر در آغاز گفتار، یک اسم نکره /نا معین/ به کار رود، دومین بار که از آن اسم یاد می‌شود آن اسم به صورت معرفه درآمده، حرف تعریف معین the می‌گیرد.

مثال:

I bought <u>a book</u> and <u>some black ink</u> yesterday. <u>The book</u> was very useful but <u>the ink</u> was colorless.	دیروز یک کتاب و مقداری مرکب مشکی خریدم، کتاب خیلی مفید بود، ولی مرکب بی رنگ بود.
---	--

اسم‌هایی که در جهان منحصر به فرد هستند حرف تعریف the می‌گیرند.

the sun	کرهٔ خورشید	the sky	آسمان
the moon	کرهٔ ماه	the march	کرهٔ مریخ
the earth	کرهٔ زمین	the world	جهان

اسم‌هایی که به وسیلهٔ یک عبارت یا جملهٔ تبعی بعد از خود توصیف می‌شوند، حرف تعریف the می‌گیرند.

مثال:

<u>The man</u> whom you saw was my brother.	مردی را که شما دیدید، برادر من بود.
---	-------------------------------------

در مقایسهٔ تفضیلی، افزایش یا کاهش متناسب را با حرف تعریف معین the به کار می‌برند.

مثال:

<u>The sooner</u> you start, <u>the sooner</u> you will arrive there.	هرچه زودتر عازم بشوید، زودتر به آنجا می‌رسید.
---	---

با صفات عالی به کار برده می‌شود.

مثال:

He is the tallest boy in our class.

او بلند ترین پسر در کلاس ما است.

قبل از پاره ای از صفات، حرف تعریف the به کار می رود و آنها را به صورت اسم جمع در می آورد. در این حالت فعل جمله همواره جمع است.

مثال:

the sick	بیماران	the fair	زیبا رویان
the brave	شجاعان	the rich	ثروتمندان

اسامی کشورها اگر با عبارتی وصف شوندو یا با کلمات state و republic ترکیب شوند و یا به طور کلی جمع باشند، حرف تعریف the می گیرند.

مثال:

The United States of America	ایالات متحده آمریکا	The Common Wealth of Europe	کشورهای مشترک‌المنافع اروپا
The Pakistan Republic	جمهوری پاکستان	The Republic of China	جمهوری چین

اگر جزیره به صورت دسته باشد /مجمع الجزایر/، حرف تعریف the می گیرد.

The British Isles

مجمع الجزایر بریتانیا

با سلسه جبال، رودخانه ها، اقیانوسها، دریاها و دریاچه ها، کanal ها، دره ها، صحراءها و جنگل ها، خلیج ها اگر با عبارتی توصیف شود، حرف تعریف the به کار می رود.

مثال:

The Nile River	رودخانه نیل	The Alps	سلسله جبال آلپ
The Pacific Ocean	اقیانوس آرام	The Gulf of Mexico	خلیج مکزیک
The Caspian Sea	دریای خزر	The Sahara	صحراء

اگر اسم کوه تنها به کار برد شود، حرف تعریف the نمی گیرد.

مثال:

Mount Everest

کوه اورست

گاهی the با اسم مفرد به کار رفته معرف گروه و دسته ای می شود.

مثال:

The tiger is found in the most jungles of Iran. ببر در بیشتر جنگل های ایران یافت می شود.

هرگاه در حالت فوق اسم به صورت جمع به کار رود، حرف تعریف the حذف می شود.

Tigers are found in the most jungles of Iran.

ببر در بیشتر جنگل های ایران یافت می شود.

قانون فوق در مورد اسمی man و woman صادق نیست و حرف تعریف معین the نمی‌گیرند.

مثال:

<u>Man</u> is liable to error.	انسان جایز الخطاست.
--------------------------------	---------------------

قبل از القابی که بعد از اسم می‌آیند، حرف تعریف the به کار بردہ می‌شود.

مثال:

Einstein the great	انیشتین بزرگ
--------------------	--------------

با نام خانواده که به صورت جمع به کار رود، حرف تعریف the به کار بردہ می‌شود.

مثال:

<u>The Smiths</u> moved into a new house yesterday.	خانواده اسمیت دیروز به یک خانه جدید اسباب کشی کردند.
---	--

قبل از جهات مختلف جغرافیایی چنانچه حرف اضافه به کار رفته باشد، استعمال the ضروری است.

مثال:

He comes from <u>the North</u> .	او اهل شمال است.
They lived in <u>the West</u> .	در قسمت غرب زندگی می‌کردند.

در صورتی که دو جهت مسیری را مشخص کنند، نیازی به استعمال the نیست.

مثال:

They travelled from <u>North</u> to <u>South</u> .	آنها از سمت شمال به سمت جنوب مسافت می‌کردند.
--	--

قانون فوق در مورد کلمات right و left نیز صادق است.

مثال:

Go ahead and turn <u>to the right</u> .	جلو بروید و به سمت راست بپیچید.
---	---------------------------------

قبل از اعداد ترتیبی، حرف تعریف the به کار می‌برند.

مثال:

<u>The third</u> part of the film was very interesting.	سومین قسمت فیلم بسیار جالب بود.
---	---------------------------------

در صورتی که بعد از اسمی حرف اضافه of به کار رود، قبل از آن اسم، حرف تعریف the به کار می‌برند.

مثال:

<u>The beginning of</u> our new term will be on 15th December.	شروع ترم جدید ما پانزدهم دسامبر خواهد بود.
--	--

نام مکان ها و ساختمان های عمومی و معروف، حرف تعریف the می گیرند.

مثال:

The United Nations Organization	سازمان ملل متحد
The British Embassy	سفارت انگلیس
The University of Tehran	دانشگاه تهران

با اسمی مجلات معروف، روزنامه ها و کتاب ها، حرف تعریف the به کار می رود.

مثال:

I renewed the subscription of <u>the Newsweek</u>	آبونمان مجله نیوزویک را تجدید کردم.
We were reading <u>the Koran</u> .	ما در مدرسه قرآن می خوانیم.

قبل از اسمی قطارها و کشتی ها حرف تعریف the به کار می رود.

مثال:

The Queen Mary

کشتی کوئین ماری

اسمی که با very و same به کار برده شود، حرف تعریف the می گیرد.

مثال:

He is <u>the same</u> teacher who has been retired.	او همان معلمی است که بازنشسته شده است.
---	--

با برخی از عبارات و اصطلاحات روزمره حرف تعریف the به کار می رود.

مثال:

at the beginning	در آغاز	in the morning	هنگام صبح
at the end of	در پایان	in the afternoon	هنگام بعد از ظهر
at the same time	همان موقع	in the evening	هنگام عصر
on the other hand	از طرف دیگر	by the way	ضمناً، راستی
for the time being	عجالتاً	by the week	هفتگی
on the whole	بر روی هم	by the month	ماهانه

کلمات square / میدان، avenue / خیابان، street / دایره، crescent / کوچه، lane / خیابان، در صورتی که تنها به کتر روند، با حرف تعريف the همراه می باشند.

مثال:

I saw him in <u>the street</u> .	او را در خیابان دیدم.
----------------------------------	-----------------------

ولی اگر کلمات بالا با اسم همراه باشند، بدون حرف تعریف the به کار می روند.

مثال:

He was going to Hafez Street yesterday.	او دیروز داشت به سمت خیابان حافظ می رفت.
---	--

اسامی شهرها و مکان های زیر با the همراه است.

the Hague	شهر لاهه	the Mall	مکانی در لندن
the High Street	خیابان در لندن	the Strand	مکانی در لندن

مواردیکه حرف تعریف the به کار نمی‌رود:

با اسامی خاص به کار برد نمی‌شود.

مثال:

John is an intelligent student.	جان دانش آموز باهوشی است.
---------------------------------	---------------------------

وقتی به طور اعم از اسامی یاد شود، حرف تعریف the به کار نمی‌رود.

مثال:

Bread is one of the Man's main needs.	نان یکی از احتیاجات اصلی بشر است.
---------------------------------------	-----------------------------------

اسامی مکان ها در صورتی که در معنی و منظور اصلی و عام خود به کار روند، حرف تعریف معین نمی‌گیرند، ولی در غیر حالت فوق با the همراه هستند.

مثال:

I go to <u>school</u> every day.	هر روز به مدرسه می‌روم. /منظور برای درس خواندن و کسب علم /
He went to <u>the school</u> to see his son's teacher yesterday.	او دیروز برای دیدن معلم پسرش به مدرسه رفت. /منظور دیدن معلم است و نه درس خواندن /

کلماتی مانند prison /زندان/، market /بازار/، church /کلیسا/، home /خانه/، court /دادگاه/ از قانون فوق پیروی می‌کنند.

در صورتی که country به معنی کشور باشد، حرف تعریف معین نمی‌گیرد، ولی در صورتی که به معنی حومه شهر یا بیلاق باشد، استعمال the ضروری است.

Most people like living in <u>the country</u> .	غالب مردم دوست دارند در خارج شهر زندگی کنند.
---	--

ایام هفته، نام ماه ها و عیدها حرف تعریف the نمی‌گیرند.

مثال:

Friday	جمعه	December	ماه دسامبر	Easter	عید پاک
--------	------	----------	------------	--------	---------

با حواس پنجگانه حرف تعریف the به کار نمی‌رود.

مثال:

Hearing in the old people is weaker than smelling.	در اشخاص مسن حس شنوایی، ضعیف تر از حس بویایی است.
--	---

## زمان حال ساده : Simple Present Tense

**طرز تشکیل:**

**شکل مثبت:**

/ مصدر بدون t0 / + فاعل

برای ساختن زمان حال ساده در انگلیسی to مصدر را حذف می کنیم و فعل را برای فاعل های مختلف صرف می نماییم.  
مثال:

**کار کردن to work**

مفرد	جمع
I work.	کار می کنم.
You work.	کار می کنی.
He works.	کار می کند. / امذکرا
She works.	کار می کند. / مؤنث /
It works.	کار می کند. / غیر انسان /

نکته: باید توجه داشته باشیم که در زمان حال ساده اگر فاعل سوم شخص مفرد باشد یعنی فاعل it، she، he یا نام مربوط به یک انسان، یک حیوان یا یک شئی باشد فعل آن جمله s می گیرد و اگر فعل به یکی از حروف z، x، sh، ch، o، a، e، i، u نباشد، حرف صدا داری مانند a، e، i، o، u قبل از y ختم شود، چنانچه قبل از y حرف صدا داری مانند a، e، i، o، u تبدیل y به ies تبدیل می شود ولی اگر قبل از y حرف صدا داری وجود داشته باشد آن فعل فقط s می گیرد.

مثال:

She plays.	او بازی می کند.
Mary tries.	مری تلاش می کند.

فعل سوم شخص مفرد در زمان حال ساده s و ya es می گیرد و آن هم فقط در جملات مثبت، در صورتیکه جمله منفی و ya سؤالی باشد هرگز از s یا es استفاده نمی گردد.

مثال:

He plays ping pong beautifully.	او به زیبایی پینگ پنگ بازی می کند.
He doesn't play ping pong beautifully.	او به زیبایی پینگ پنگ بازی نمی کند.
Does he play ping pong beautifully?	آیا او به زیبایی پینگ پنگ بازی می کند؟

فعل بعد از سوم شخص مفرد تبدیل به has می شود و فعل be / بودن / در زمان حال ساده بعد از I تبدیل به am و بعد از سوم شخص مفرد تبدیل به is و بعد از we، you، they تبدیل به are می شود.

فعال کمکی have to, must, could, can, would, will, might, may, should, shall, need, dare, ought to نمی گیرند و فعل بعد از آنها نیز s نمی گیرد.

مثال:

He may come late to the party.	او ممکن است دیر به میهمانی بیاید.
She can swim very well.	او میتواند خیلی خوب شنا کند.
Mary will come to the party tomorrow night.	مری به میهمانی فردا شب خواهد آمد.

### شکل سوالی و منفی :

برای سؤالی کردن جملات زمان حال ساده دو فعل کمکی do و does را در ابتدای جمله قبل از فاعل قرار می دهیم . بدین ترتیب که از does برای سوم شخص مفرد و برای سایر ضمایر از do استفاده می شود.

برای منفی کردن زمان حال ساده از دو فعل کمکی do و does با کمک کلمه not استفاده می گردد بدین ترتیب که از does برای سوم شخص مفرد و برای سایر ضمایر از do استفاده می گردد.

مثال:

I read.	من می خوانم. /شکل مثبت/
I don't read.	من نمی خوانم. /شکل منفی/
Do I read?	آیا من می خوانم؟ /شکل سوالی/

نکته: "s" سوم شخص در حالت سؤالی و منفی حذف می گردد.

مثال:

He comes.	او می آید. /مثبت/
Does he come?	آیا او می آید؟ /سؤالی/
No, he doesn't come.	نه، او نمی آید. /منفی/

### موارد کاربرد زمان حال ساده:

زمان حال ساده برای بیان اعمالی که همیشه تکرار می شوند و به صورت عادت در آمده باشند به کار می رود.

مثال:

I go to school everyday.	من هر روز به مدرسه می روم.
She gets up early every morning.	او هر روز زود از خواب بیدار می شود.

برای بیان حقیقتی که عمومیت داشته باشد.

مثال:

The earth goes round the sun.	زمین به دور خورشید می گردد.
Snow melts in spring.	در بهار برف آب می شود.

برای بیان انجام عملی که در آینده نزدیک صورت گیرد مشروط بر آن که قید زمان آینده حتماً در جمله ذکر گردد.

مثال:

He comes here tomorrow.	او فردا به اینجا می آید.
I talk to him tonight.	من امشب با او صحبت می کنم.

نویسنده‌گان مطبوعات برای مهم و با ارزش جلوه دادن موضوعات، عنوانین روزنامه‌ها را به زمان حال ساده بیان می‌کنند.

مثال:

Italian Army withdraws.	ارتش ایتالیا عقب نشینی می کند. /عقب نشینی کرد.
-------------------------	--

نکته: اگر یکی از قیدهای تکرار مانند frequently, always, rarely, seldom, never, sometimes, generally, usually, often در جمله وجود داشته باشد فعل آن جمله معمولاً حال ساده است.

محل قرار گرفتن قیدهای تکرار در جملات انگلیسی بعد از فعل کمکی و قبل از فعل اصلی می باشد.

مثال:

He often comes here alone.	او اغلب تنها به اینجا می آید.
She doesn't usually come late.	او معمولاً دیر نمی آید.
He always speaks English in the classroom.	او همیشه در کلاس انگلیسی صحبت می کند.
Does he always speak English in the classroom?	آیا او همیشه در کلاس انگلیسی صحبت می کند؟

## زمان حال استمراری : Present continuous Tense

**طرز تشکیل:**

**شکل مثبت:**

**فعل + am/are/is + فعل**

علامت فارسی این زمان در فارسی داشتن، مشغول بودن، یا در حال بودن می باشد. این زمان در انگلیسی با به کار بردن زمان حال کمکی to be یعنی یکی از سه فعل is، am و are و افزودن ing به آخر فعل اصلی تشکیل می شود.

مثال:

**کار کردن to work**

مفرد		جمع	
I am working.	مشغول کار کردن هستم.	We are working.	مشغول کار کردن هستیم.
You are working.	مشغول کار کردن هستی.	You are working.	مشغول کار کردن هستید.
He is working.	مشغول کار کردن است. /مذکور/		
She is working.	مشغول کار کردن است. /مؤنث/	They are working.	مشغول کار کردن هستند.
It is working.	مشغول کار کردن است. /غیر انسان/		

مثال:

He is writing a composition for the time being.	او عجالتاً در حال نوشتن انشاء است. /شکل مثبت/
We are working in the garden now.	ما اکنون در حال کار کردن در باغ هستیم. /شکل مثبت/
I am walking in the park at this time.	من هم اکنون در حال قدم زدن در پارک هستم. /شکل مثبت/
I am reading a book now.	اکنون در حال خواندن کتاب می باشم. /شکل مثبت/
He is listening to the radio at present.	در حال حاضر به رادیو گوش می دهد. /شکل مثبت/

**شکل سوالی:** Question Form:

Am/Are/Is + فعل + فاعل + ing

برای سوالی نمودن این زمان جای am، is، و ya are را با فاعل جمله عوض می کنیم.  
مثال:

Is he writing a composition for the time being?	آیا او عجالتاً در حال نوشتتن انشاء است؟ / شکل سوالی /
Are we working in the garden now?	آیا اکنون ما در حال کار کردن در باغ هستیم؟ / شکل سوالی /
Am I walking in the park at this time?	آیا من هم اکنون در حال قدم زدن هستم؟ / شکل سوالی /
Am I reading a book now?	آیا اکنون در حال خواندن کتاب می باشم؟ / شکل سوالی /
Is he listening to the radio at present?	آیا در حال حاضر به رادیو گوش می دهد؟ / شکل سوالی /

**شکل منفی:** Negative Form:

فعل + am/are/is+not+ فاعل + ing

برای منفی نمودن این زمان فعل am، is، و ya are را منفی می نماییم، به عبارت دیگر کلمه not را بعد از آنها قرار می دهیم.  
مثال:

He is not/isn't writing a composition for the time being.	او عجالتاً در حال نوشتتن انشاء نیست. / شکل منفی /
We are not/aren't working in the garden now.	ما اکنون در حال کار کردن در باغ نیستیم. / شکل منفی /
I am not walking/I'm not walking in the park at this time.	من هم اکنون در حال قدم زدن در پارک نیستم. / شکل منفی /
I am not reading/I'm not reading a book now.	اکنون در حال خواندن کتاب نمی باشم. / شکل منفی /
.He is not listening to the radio at present	در حال حاضر به رادیو گوش نمی دهد. / شکل منفی /

## شکل سوالی منفی :

Am/Are/Is + فاعل + not + فعل ing

مثال:

Is he not writing a composition for the time being?	آیا او عجالتًا در حال نوشتمن انشاء نیست؟ /شکل سوالی منفی/
Are we not working in the garden now?	آیا ما اکنون در حال کار کردن در باغ نیستیم؟ /شکل سوالی منفی/
Am I not walking in the park at this time?	آیا من هم اکنون در حال قدم زدن در پارک نیستم؟ /شکل سوالی منفی/
Am I not reading a book now?	آیا اکنون در حال خواندن کتاب نمی باشم؟ /شکل سوالی منفی/
Is he not listening to the radio at present?	آیا در حال حاضر به رادیو گوش نمی دهد؟ /شکل سوالی منفی/

## شکل سوالی منفی به شکل کوتاه /مخفف/:

Aren't/Isn't+ فاعل ing

مثال:

Isn't he writing a composition for the time being?	آیا او عجالتًا در حال نوشتمن انشاء نیست؟ /شکل سوالی منفی کوتاه/
?Aren't we working in the garden now	آیا ما اکنون در حال کار کردن در باغ نیستیم؟ /شکل سوالی منفی کوتاه/
Am I not walking in the park at this time? or	آیا من هم اکنون در حال قدم زدن در پارک نیستم؟ /شکل سوالی منفی کامل/
Aren't I walking in the park at this time?	آیا من هم اکنون در حال قدم زدن در پارک نیستم؟ /شکل سوالی منفی کوتاه/

## موارد کاربرد زمان حال استمراری Usage:

برای بیان عملی که در زمان حاضر در جریان است و ادامه دارد.  
مثال:

The boys are playing at this moment. | شکل مثبت / در این لحظه پسرها در حال بازی کردن هستند.

برای بیان عملی که ممکن است در آینده نزدیک انجام پذیرد. باید توجه داشت که در این حالت ذکر زمان ضروری است.  
مثال:

What are you doing tomorrow morning. | فردا صبح مشغول چه کاری خواهی بود؟ / شکل سؤالی /

در این حالت بهتر است از عبارت to be going to / قصد داشتن / استفاده نماییم.  
مثال:

He is going to go to Shiraz tomorrow. | او فردا به شیراز خواهد رفت. / شکل مثبت /

بهتر است که فعل go از جمله فوق حذف و به صورت زیر نوشته شود.  
مثال:

He is going to Shiraz tomorrow. | او فردا به شیراز خواهد رفت. / جمله مثبت /

## زمان گذشته ساده : Simple Past Tense

طرز تشکیل:

Affirmative Form:

زمان گذشته فعل + فاعل

برای ساختن زمان گذشته ساده کافیست ed را به آخر فعل بیافزاییم و اگر فعل بی قاعده باشد می باشد می باشد گذشته آن را یاد بگیریم.

مثال:

	حال	گذشته	حال	گذشته
	work	worked	see	saw

## کار کردن to work

مفرد		جمع	
I worked.	کار کردم.	We worked.	کار کردیم.
You worked.	کار کردی.	You worked.	کار کردید.
He worked.	کار کرد. /مذکر/		
She worked.	کار کرد. /مؤنث/	They worked.	کار کردند.
It worked.	کار کرد. /غیر انسان/		

## دیدن to see

مفرد		جمع	
I saw.	دیدم.	We saw.	دیدیم.
You saw.	دیدی.	You saw.	دیدید.
He saw.	دید. /مذکر/		
She saw.	دید. /مؤنث/	They saw.	دیدند.
It saw.	دید. /غیر انسان/		

### شکل سؤالی و منفی :

برای سؤالی نمودن این زمان از گذشته فعل did استفاده می کنیم. بدینصورت که فعل کمکی did را در ابتدای جمله قبل از فاعل قرار داده و باید توجه داشت که زمان فعل اصلی همواره به شکل ساده فعل simple form of the verb بروی گردد. برای منفی نمودن این زمان از فعل کمکی did و کلمه not بعد از آن استفاده می گردد و زمان فعل اصلی همانند حالت سوالی به شکل ساده فعل مورد استفاده قرار گیرد.

مثال:

He washed all the dishes yesterday.	او تمام ظرف ها را دیروز شست. /امثبت/
Did he wash all the dishes yesterday.	آیا او تمام ظرف ها را دیروز شست؟ /سؤالی/
He didn't wash all the dishes yesterday.	او تمام ظرف ها را دیروز نشست. /منفی/
I saw him yesterday.	دیروز او را دیدم. /امثبت/
Did you see him yesterday.	آیا دیروز او را دیدی؟ /سؤالی/
I didn't see him yesterday.	دیروزاو را ندیدم. /منفی/

### موارد کاربرد زمان گذشته ساده :

برای بیان عملی که در وقت معینی در زمان گذشته انجام شده باشد.

مثال:

I saw him two days ago.	دو روز قبل او را دیدم.
I went to cinema last night.	شب گذشته به سینما رفتم.
He married two months ago.	او دو ماه قبل ازدواج کرد.

برای بیان عملی که در گذشته تکرار شده باشد و بر عادت یا صفتی دلالت نماید.

مثال:

In the stone age man used weapons made of flint.	در عصر حجر بشر از سلاح هایی که از سنگ چخماق ساخته شده بود استفاده می کرد.
--	---

:ago

ago به معنی قبل یا پیش می باشد و در جملات گذشته ساده به کار می رود و همیشه بعد از قید زمان قرار می گیرد.

مثال:

He came here two months ago.	دو ماه قبل او به اینجا آمد.
------------------------------	-----------------------------

## زمان گذشته استمراری :Past Continuous Tense

**طرز تشکیل:** Formation:

**شکل مثبت:** Affirmative Form:

فعال + was/were + ing

برای ساختن زمان گذشته استمراری، زمان گذشته فعل to be را صرف می کنیم و به آخر زمان حال فعل اصلی مورد نظر ing اضافه می کنیم.

مثال:

قدم زدن to walk

فرد		جمع	
I was walking.	مشغول قدم زدن بودم.	We were walking.	مشغول قدم زدن بودیم.
You were walking.	مشغول قدم زدن بودی.	You were walking.	مشغول قدم زدن بودید.
He was walking.	مشغول قدم زدن بود. /امذكر/		
She was walking.	مشغول قدم زدن بود. /مؤنث/	They were walking.	مشغول قدم زدن بودند.
It was walking.	مشغول قدم زدن بود. /غير انسان/		

### موارد کاربرد زمان گذشته استمراری:

برای بیان عملی که در گذشته تکرار می شده است.

مثال:

He was always advising me to study.	او همیشه به من نصیحت می کرد که درس بخوانم.
-------------------------------------	--

He was working all day long yesterday.	او تمام مدت دیروز را مشغول کار کردن بود.
--	--

برای بیان عملی که در زمان گذشته هنگام وقوع عمل دیگر ادامه داشته است.

مثال:

I saw him when I was walking in the street.	وقتیکه در خیابان قدم می زدم، او را دیدم.
---	--

They were living in England when the war began.	وقتیکه جنگ شروع شد آنها در انگلستان زندگی می کردند.
---	---

### شكل سوالی و منفی:

برای سوالی نمودن این زمان جای was و were را با فاعل جمله عوض می کنیم و برای منفی نمودن آن بعد از was و were از کلمه not استفاده می کنیم.

He was writing.	او در حال نوشتن بود. /ثبت/
-----------------	----------------------------

Was he writing.	آیا او در حال نوشتن بود؟ /سؤالی/
-----------------	----------------------------------

He was not writing.	او در حال نوشتن نبود. /منفی/
---------------------	------------------------------

## زمان آینده ساده :Simple Future Tense

**طرز تشکیل:** Formation

**شکل مثبت:** Affirmative Form

**شکل ساده فعل + shall/will + فاعل**

برای ساختن زمان آینده ساده می بایست افعال کمکی shall و will را بلا فاصله بعد از فاعل به کار برد و سپس مصدر بدون to یا همان شکل ساده فعل /simple form of the verb/ را بعد از آن به کار ببریم. باید توجه داشت که S سوم شخص مفرد زمان حال ساده هنگامی که به زمان آینده تبدیل می گردد حذف می گردد.  
نکته: از فعل کمکی shall برای اول شخص مفرد و اول شخص جمع استفاده شده و برای سایر ضمایر از فعل کمکی will استفاده می گردد.

مثال:

**کار کردن to work**

مفرد	جمع
I shall work.	کار خواهم کرد.
You will work.	کار خواهید کرد.
He will work.	کار خواهد کرد. /مذکور/
She will work.	کار خواهد کرد. /مؤنث/
It will work.	کار خواهد کرد. /غیر انسان/

**شکل سؤالی و منفی :** Question & Negative Form:

**شکل سؤالی و منفی:**

نکته: چون will و shall از افعال کمکی هستند خودشان جمله را تغییر می دهند. یعنی برای سؤالی نمودن آن کافیست جای will و يا shall را با فاعل جمله عوض نماییم و برای منفی نمودن بعد از will و يا shall کلمه not را قرار دهیم.

مثال:

I will teach him.	به او درس خواهم داد. /مثبت/
Will you teach him?	آیا به او درس خواهی داد؟ /سؤالی/
I will not teach him.	به او درس نخواهم داد. /منفی/

و مانند سایر افعال کمکی با not خلاصه می شوند.

will not = won't

shall not = shan't

فرق will و shall در زمان آینده ساده:

چون کاربرد shall و will در اشخاص مختلف، منظور و مقاصد مختلفی را بیان می کند لازم است مختصری در این مورد بحث شود.  
در اول شخص به جای shall، مفهوم قصد و قول یا تمایل را می رسانند.

مثال:

I will do it for you.

قول می دهم این کار را برای شما انجام دهم.

در موقع سؤال، در دوم شخص، در صورتی که منظور گوینده درخواست و تقاضا باشد از will استفاده می شود.

مثال:

Will you open the door?

آیا ممکن است در را بازکنید؟

ولی اگر صرفاً آینده سؤالی معمولی مورد نظر باشد، جمله فوق به صورت زیر خواهد بود.

Shall you open the door?

آیا در را باز خواهی کرد؟

در دوم شخص، استفاده shall به جای will در حالت منفی و سؤالی، بیان تهدید یا قول است که گوینده در مورد مخاطب خود به کار می برد.

مثال:

You shall not do it.

این کار را نخواهی کرد.

استعمال shall در سوم شخص مفرد و جمع بیانگر تهدید یا قولی است که گوینده در مورد سوم شخص مخاطب خود به کار می برد.

He shall solve this problem.

این مسأله را حل خواهد کرد / چه راضی باشد

چه ناراضی /.

عبارت سؤالی you will را در دوم شخص، برای بیان اطلاع از میل مخاطب و در ضمن برای ادای عبارات مؤدبانه به کار می برد.

Will you clean the blackboard?

ممکن است تخته سیاه را پاک کنید؟

اصطلاح we shall معادل let us / let's / اجازه می دهید / است.

Shall we begin the play?

اجازه می دهید بازی را آغاز کنیم؟

## موارد کاربرد زمان آینده ساده: Usage of Simple Future Tense:

## موارد کاربرد زمان آینده ساده:

برای بیان کارهایی که در زمان معینی در آینده احتمال وقوع دارد /ممکن است انجام گیرد یا نگیرد/.

We shall take a trip to Shiraz next week.	هفتة آینده سفری به شیراز خواهیم داشت.
---	---------------------------------------

در انگلیسی آمریکایی، امروزه معمولاً will را برای تمام اشخاص به کار می بردند.

افعال ناقص در زمان آینده کاربرد ندارند و به جای آنها از افعال متراffد آنها استفاده می شود. مثلاً can که متراffد آن be able to بوده و در آینده به صورت زیر به کار می رود.

مثال:

I shall be able to buy the car next month.	ماه آینده می توانم آن ماشین را بخرم.
--	--------------------------------------

## آینده قطعی : Definite Future

با استفاده از عبارت to be going to این زمان ساخته می‌شود.  
مثال:

## خریدن to buy

مفرد		جمع	
I am going to buy.	قصد دارم بخرم.	we are going to buy.	قصد داریم بخریم.
you are going to buy.	قصد داری بخری.	you are going to buy.	قصد دارید بخرید.
he is going to buy.	قصد دارد بخرد. / مذکور /		
she is going to buy.	قصد دارد بخرد. / مؤنث /	they are going to buy.	قصد دارند بخرند.
it is going to buy.	قصد دارد بخرد. / غیر انسان /		

## موارد کاربرد be going to در زمان آینده: Usage of be going to in Future Tense:

## موارد کاربرد be going to در زمان آینده:

از عبارت be going to برای بیان کاری که در آینده نزدیک و یا دور که با قصد و تصمیم و اراده همراه باشد استفاده می‌شود.  
مثال:

I am going to invite them to dinner.	قصد دارم آنها را به شام دعوت کنم. / عمل قطعی است. /
--------------------------------------	--

## شکل سؤالی و منفی :

سؤالی و منفی کردن عبارت :be going to

مثال:

She is going to make a dress.	او تصمیم دارد یک پیراهن بدوزد. /ثبت/
Is she going to make a dress.	آیا او تصمیم دارد یک پیراهن بدوزد؟ /سؤالی/
She is not going to make a dress.	او تصمیم ندارد یک پیراهن بدوزد. /منفی/

بعد از عبارت be going to که نقش زمان آینده را بازی می کند از دو فعل go و come استفاده نمی گردد بلکه به جای آن از زمان حال استمراری با قید زمان آینده مشخص استفاده می شود.

He is going to come tomorrow.	به عنوان مثال به جای جمله:
He is coming tomorrow.	بهتر است بگوییم:
He is going to go there next week.	و به جای جمله:
He is going there next week.	بهتر است بگوییم:

عبارت be going to می تواند در زمان گذشته نیز مورد استفاده قرار گیرد و آن زمانی است که در گذشته قصد انجام کاری بوده ولی انجام نشده باشد.

مثال:

They were going to play tennis yesterday, but it rained.	دیروز می خواستند تنیس بازی کنند ولی باران بارید.
I was going to tell you the truth, but he didn't let me.	قصد داشتم حقیقت را به شما بگویم ولی او اجازه نداد.

افعال /امیدوار بودن /hope، /خواستن /want، /قصد داشتن /intend، /قول دادن /promise، /انتظار داشتن /expect، /انتخاب کردن /choose، /دوسτ داشتن /like، /منظور داشتن /mean، و چند فعل دیگر به جای آینده، در زمان حال ساده به کار برده می شوند.

مثال:

He hopes to visit Europe next summer.	امیدوار است تابستان آینده اروپا را ببیند.
I intend to go on my studies in Cambridge.	قصد دارم تحصیلاتم را در کمبریج ادامه دهم.

## زمان آینده در گذشته ساده :Simple Future in the Past Tense

**طرز تشکیل:** Formation

**شکل مثبت:** Affirmative Form

**شکل ساده فعل + should/would + فاعل**

در اول شخص مفرد و جمع از فعل کمکی should و در بقیه اشخاص از فعل کمکی would استفاده می‌شود.

مثال:

**مطالعه کردن to study**

مفرد		جمع	
I should study.	مطالعه خواهم کرد.	We should study.	مطالعه خواهیم کرد.
You would study.	مطالعه خواهی کرد.	You would study.	مطالعه خواهید کرد.
He would study.	مطالعه خواهد کرد. / مذکرا /		
She would study.	مطالعه خواهد کرد. / مؤنث /	They would study.	مطالعه خواهند کرد.
It would study.	مطالعه خواهد کرد. / غیر انسان /		

**شکل سوالی و منفی :** Question & Negative Form:

**شکل سوالی و منفی:**

مثال:

He would study.	/جمله مثبت /
Would he study?	/جمله سوالی /
He would not /wouldn't/ study.	/جمله منفی /

**موارد کاربرد زمان آینده در گذشته:** Usage of Simple Future in the Past Tense:

**موارد کاربرد زمان آینده در گذشته :**

بطور کلی موارد استفاده آینده در گذشته در جملات نقل قول غیر مستقیم و تطابق زمان هاست. موارد کاربرد این زمان به شرح زیر می باشد.

برای بیان کارهایی که در زمان گذشته، فعل آن مربوط به آینده می‌شود ولی اکنون که در باره آن دوباره صحبت می‌شود، زمان آن سپری شده است.

I thought that I should succeed in my exams.	تصور می کردم که در امتحانات موفق خواهم شد.
--	--

فعل thought در زمان گذشته صورت گرفته و فعل succeed نسبت به آن به صورت آینده بیان گردیده است. به عبارت دیگر ، مطابقت زمانی باعث شده است که به جای shall از استفاده شود.  
نکته: غالباً فعل زمان گذشته به زمان آینده در گذشته همراه است.  
در جملات شرطی اگر قسمت شرط گذشته ساده باشد، جواب جمله شرط به صورت آینده در گذشته است.

مثال:

If I had some money, I should buy this book.	اگر پولی داشتم این کتاب را می خریدم.
--	--------------------------------------

در جملات نقل قول غیر مستقیم کاربرد دارد؛ به این معنی که وقتی فعل ناقل به زمان گذشته باشد، فعل آینده ، به صورت آینده در گذشته بیان می شود.

مثال:

He said, "I shall see him tomorrow.	/جمله مستقیم /
-------------------------------------	----------------

He said that he would see him the next day.	/جمله غیر مستقیم /
---	--------------------

## صفت و نکات ضروری در باره آن: Adjective and key points about it:

صفت کلمه‌ای است که حالت و چگونگی اسم را بیان می‌دارد و به عبارت دیگر معنی اسم را کامل ترمی کند.  
مثال:

a kind nurse

پرستاری مهریان

تقسیمات: از نظر طرز قرار گرفتن صفات، آنها را به دو دسته تقسیم می‌کنند:

Attributive Adjectives:

صفات مستقیم:

predicative Adjectives:

صفات غیر مستقیم یا خبری:

Attributive Adjectives:

صفات مستقیم:

صفات مستقیم:

اگر صفتی قبل از موصوف / کلمه وصف شده یا اسم / قرار گرفته باشد، در این صورت صفت مستقیم است.

مثال:

an exciting movie

فیلم سینمایی مهیج

باید توجه داشت که در این حالت صفت بر عکس زبان فارسی است. در انگلیسی صفت مستقیم قبل از اسم می‌آید، حال آنکه در زبان فارسی صفت، بعد از اسم قرار می‌گیرد.

نکته: صفات در انگلیسی همواره یک شکل دارند و با اسمی مفرد و جمع، مذکر و مؤنث به یک صورت به کار می‌روند.

مثال:

an intelligent student	دانش آموز باهوش
intelligent students	دانش آموزان باهوش
a strong man	مرد قوی
strong men	مردان قوی

نکته: باید به این نکته توجه داشت که صفات اشاره this و that نسبت به قانون فوق مستثنی هستند و با اسمی جمع به صورت these و those به کار برده می شوند.

this camera	این دوربین
these cameras	این دوربین ها
that car	آن ماشین
those cars	آن ماشین ها

نکته: صفات زیر فقط به صورت مستقیم به کار برده می شوند.

inner	داخلی
outer	بیرونی
olden	قدیمی
former	پیشین، قبلی

مثال:

an outer skin	پوسته خارجی
in olden times	در زمان های قدیم

### صفات غیر مستقیم یا خبری **Predicative Adjectives**

هر گاه صفت بعد از فعل to be و افعالی نظیر smell, become, taste, look, seem, appear, feel که مفهوم to be دارند قرار گیرد، کار برد صفت به صورت غیر مستقیم خواهد بود.

مثال:

The man looks happy	آن مرد خوشحال به نظر می رسد.
Mary is pretty	مری زیبا است.

نکته: برخی از صفات همواره به صورت صفت خبری /غیر مستقیم/ به کار می روند و قبل از اسم قرار نمی گیرند. تعدادی از این صفات عبارتند از:

afraid	ترسیده
asleep	خوابیده
awake	بیدار
alive	زنده
alone	تنها
unable	ناتوان
ashamed	شرمende
aware	آگاه
glad	خوشحال
away	دور
content	راضی
mindful	متفکر

مثال:

The girl is afraid of the dog	آن دختر از سگ می ترسد.
Some people are unable to solve their problems themselves	برخی افراد قادر نیستند مشکلاتشان را خود حل نمایند.

## مطالب مفید و ضروری در مورد صفات:

پیش از اعداد hundred, thousand, million، که از زمرة صفات شمارشی /عددی/ محسوب می‌شوند، در صورت مفرد بودن، حرف تعریف a واقع می‌شود. گاهی به جای a از one نیز استفاده می‌شود ولی کاربرد a معمول‌تر است.

مثال:

a hundred	یکصد
a thousand	یکهزار

در صورتیکه اعداد فوق با سایر ارقام همراه باشند، بهتر است قبل از آنها از one، استفاده شود.

مثال:

one hundred and fifty	یکصد و پنجاه
one thousand and five hundred	یکهزار و پانصد

اعداد hundred, thousand، به صورت اعداد معین جمع بسته نمی‌شوند.

مثال:

seven hundred	هفتصد
nine thousand	نه هزار

ولی اگر منظور، بیان حدود تقریبی یا گروه و تعداد زیاد باشد، می‌توان آنها را جمع بست.

مثال

hundreds	/ صدها / تقریبی /
thousands	/ هزاران / تقریبی /

مثال:

Thousands of the workers protested against their how wages هزاران کارگر به دستمزد کم خود اعتراض کردند.

صفت شمارشی /عددی/ million، جمع بسته می‌شود، ولی اگر وظیفه وصفی داشته باشد، نمی‌توان آن را جمع بست، مگر اینکه بعد از آن عبارتی با حرف اضافه قرار گیرد، که در چنین حالتی، بصورت جمع بیان می‌شود.

مثال:

two millions	دو میلیون
three million people	سه میلیون نفر
nine millions of dollars	نه میلیون دلار

اعداد اصلی بصورت جمع به کار نمی‌روند، مگر اینکه منظور از بیان آنها در گروه‌های متساوی باشد.

The members of the club discussed in tens and fifteens اعضای باشگاه در گروه‌های ده تایی و پانزده تایی بحث می‌کردند.

## اعداد ترتیبی Ordinal Numbers

برای ساختن اعداد ترتیبی از اعداد اصلی کافی است که به آخر اعداد اصلی *th* اضافه کنند.  
براين قاعده کلمات *first*, *second*, *third*, استثناء می باشند.

مثال:

the tenth edition	چاپ دهم
-------------------	---------

اگر بخواهند اعداد ترتیبی را به اختصار و با ارقام بنویسند، علامت عدد ترتیبی یعنی *th* را بعد از ارقام قرار می دهند.

مثال:

1st	=	first	اول، نخستین
2nd	=	second	دوم، دومین
3rd	=	third	سوم، سومین
9th	=	ninth	نهم، نهمین
10th	=	tenth	دهم، دهمین
21st	=	twenty first	بیست و یکم، بیست و یکمین
35th	=	thirty fifth	سی و پنجم، سی و پنجمین

در انگلیسی اعداد کمتر از ده را، اعداد کامل را *round figure*، اعداد زوج را *even*، و اعداد فرد را *odd* گویند.  
هنگام خواندن و نوشتن اعداد اصلی و ترتیبی چند رقمی، کلمه ربط *and*، قبل از آخرین عدد قرار می گیرد.

مثال:

4275th	=	four thousand two hundred <u>and</u> seventy fifth	چهار هزار و دویست و هفتاد و پنجم
--------	---	--	----------------------------------

در کسر متعارفی صورت، همیشه عدد اصلی و مخرج عدد ترتیبی است. باید به این نکته توجه داشت ، در صورتیکه صورت، عدد یک باشد، مخرج همیشه مفرد، ولی اگر صورت بیش از یک باشد، مخرج همیشه بصورت جمع است.

مثال:

1/5	=	one fifth	یک پنجم
2/7	=	two sevenths	دو هفتم

قبل از اعداد ترتیبی از حرف *the* تعریف استفاده می گردد.

مثال:

the first student	اولین دانش آموز
-------------------	-----------------

برای ساختن اعداد تکرار کننده ، کلمه times، به معنی بارها ، بعد از عدد اصلی قرار داده می شود.

مثال:

once	یک بار
twice	دو بار
three times	سه بار
four times	چهار بار
several times	چندین بار

کلمات once و twice، از قاعده فوق مستثنی هستند.  
صفات اشاره معمولاً قبل از صفات دیگر واقع می شوند.

مثال:

<u>those</u> sweet red berries	آن توت های سرخ و شیرین
<u>the</u> two clever students	آن دو دانش آموز زنگ

ولی در برخی ترکیبات این مورد رعایت نمی شود.

مثال:

all <u>the</u> books	همه کتاب ها
half <u>a</u> minute	نیم دقیقه

صفت ملکی قبل از سایر صفات قرار می گیرد.

مثال:

his new red coat	کت جدید قرمز
------------------	--------------

صفت های عددی، کمی و توصیفی / اندازه، رنگ، ملیت، جنس/، بعد از صفات ملکی قرار می گیرند.

مثال:

her <u>old</u> <u>small</u> <u>black</u> <u>Turkish</u> <u>cotton</u> skirt	دامن قدیمی کوچک مشکی ترکیه ای نخی او
our <u>ten</u> <u>new</u> books	ده کتاب جدید ما
his <u>many</u> <u>strange</u> stories	داستان های متعدد و عجیب او

در مثال ۱، صفات به کار رفته به ترتیب، ملکی، وصفی، اندازه /کیفیت/، رنگ و ملیت بوده و در انتهای اسم /موصوف/ قرار گرفته است.  
البته باید به این مطلب توجه داشت که نکات بالا همیشه به صورت یک اصل ثابت نیستند و بطور کلی باید توجه داشت، صفاتی که از نظر معنی و مفهوم دقیق تر و محدودترند، به اسم /موصوف/ خود نزدیک تر واقع می شوند.

مثال:

<u>those</u> beautiful <u>young</u> girls	ان دختران زیبا و جوان
a <u>huge</u> <u>white</u> <u>stone</u> building	ساختمان سنگی سفید و با عظمت

در صورتیکه دو یا چند صفت با اسمی همراه باشند، لزومی به جدا کردن آنها با کلمه ربط **and** نمی باشد، مگر اینکه این دو صفت مربوط به رنگ باشند.

مثال:

a black <u>and</u> white television set	یک دستگاه تلویزیون سیاه و سفید
a red, white <u>and</u> purple flower	گل سرخ و سفید و ارغوانی

صفات کیفی / توصیفی / اگر بعد از افعالی نظیر **seem**, **look**, **appear** و **be** و نظایر این افعال واقع شوند، حرف ربط **and** بین دو صفت آخر به کار می‌رود.

مثال:

It was cold, wet <u>and</u> windy.	هوا سرد، بارانی و طوفانی بود.
------------------------------------	-------------------------------

باید به این نکته نیز توجه داشت که اگر صفات به رفته از نظر معنی توصیفی برابر باشند، صفت کوتاهتر قبل از صفتی که از تعداد حروف بیشتری تشکیل شده است یا به عبارت دیگر لفظاً بلندتر است به کار می‌رود.

مثال:

a <u>short</u> and <u>interesting</u> story	داستانی کوتاه و جالب
---	----------------------

## مقایسه صفات – صفت مطلق – صفت تفضیلی – صفت عالی

**Comparison of Adjectives(Positive Adjective-Comparative Adjective-Superlative Adjective)**

### مقایسه صفات : Comparison of Adjectives

در زبان انگلیسی صفات از نظر مقایسه به سه درجه تقسیم می شوند:

Positive Degree: درجه مطلق :

Comparative Degree: درجه تفضیلی :

Superlative Degree: درجه عالی :

### صفت مطلق :Positive Adjective

حالت و چگونگی اسمی را بیان و تو صیف می کند و می تواند به صورت مستقیم و یا غیر مستقیم به کار رود.  
مثال:

a clever student

دانش آموز باهوش

### درجه مطلق :Positive Degree

وقتی صفت مطلق را برای مقایسه دو شخص یا دو شیء /که از نظر داشتن صفت مورد مقایسه برابر هستند/ به کار برد آن را درجه مطلق و یا اصطلاحاً مقایسه تساوی Comparison of Equality گویند.

طرز ساختن:

صفت مورد مقایسه را بین دو as قرار می دهند. as + صفت + ، as قبل از صفت وظیفه قیدی و as بعد از صفت حالت ربط دارد.  
مثال:

He is as tall as my brother

او هم قد براذر من است.

درصورتیکه فعل منفی باشد، غالباً as، قبل از صفت به so تبدیل می شود.  
مثال:

She is not so pretty as her sister.

او به زیبایی خواهرش نیست.

## صفت تفضیلی :Comparative Adjective

صفت تفضیلی مانند سایر صفات، حالت و چگونگی اسمی را توصیف می کند و به صورت مستقیم و غیر مستقیم به کار می رود. علامت این صفت در زبان فارسی کلمه "تر" در آخر صفت مطلق است. مانند بزرگ تر، قوی تر، زرنگ تر طرز ساختن:

کلیه صفات یک هجایی و غالب صفات دو هجایی را با افزودن er به آخر صفت مطلق می سازند.

stronger	قوی تر	clever	باهوش تر	taller	بلند قد تر
----------	--------	--------	----------	--------	------------

بعضی از صفات دو هجایی و تمام صفات بیش از دو هجایی را با به کار بردن کلمه more قبل از صفت می سازند. مثال:

more famous	معروف تر	more interesting	جالب تر
-------------	----------	------------------	---------

## درجه تفضیلی :Comparative Degree

درجه تفضیلی مقایسه بین دو شخص یا دو شیء است که یکی بر دیگری برتری دارد. طرز ساختن:

بعد از صفت تفضیلی مورد نظر کلمه than به معنی "از" به کار می رود.

مثال:

This room is larger than that one.	این اتاق از آن یکی بزرگ تر است.
Betty is more beautiful than her sister.	بنی از خواهرش زیباتر است.

## صفت عالی :Superlative Adjective

این صفت نیز اسمی را توصیف کرده، به صورت مستقیم و غیر مستقیم به کار می رود. علامت این صفت در فارسی کلمه "ترین" است که به آخر صفت مطلق افزوده می شود. مانند کوچکترین، زیباترین، قدیمی ترین. طرز ساختن:

کلیه صفات یک هجایی و غالب صفات دو هجایی را با افزودن est به آخر صفت مطلق، تبدیل به صفت عالی می کنند. برخی صفات دو هجایی و تمام صفات بیش از دو هجایی را با به کار بردن کلمه most قبل از صفت مطلق می سازند.

مثال:

darkest	تاریک ترین	most beautiful	زیباترین
---------	------------	----------------	----------

## درجهٔ عالی :Superlative Degree

مقایسهٔ بین یک شخص با چند شخص و یا یک شئ، با چند شئ است که برتری یا کمتری موصوف را بین اشخاص یا اشیاء می‌رساند. طرز ساختن:

قبل از صفت عالی حرف تعریف The و بعد از صفت عالی بر حسب نیاز حرف اضافه of و برای مکان in به کار می‌رود. مثال:

Ali is the <u>strongest</u> of all.	علی قوی ترین است. /از همه قوی تر است./
She was <u>the most beautiful</u> girl <u>in</u> the party.	او زیباترین دختر میهمانی بود.

اگر بخواهند صفت یک هجایی یا دو هجایی را که به حرف e ختم شده، به صورت تفضیلی و عالی درآورند، کافی است فقط r یا st به آخر آن اضافه کنند.

مثال:

large	بزرگ ترین /صفت عالی/
larger	بزرگ تر /صفت تفضیلی/

هر گاه صفت یک یا دو هجایی به حرف y ختم شود در موقع افروden er یا est را به i تبدیل کرده، سپس er یا est اضافه می‌کنند.

مثال:

happy	خوشحال ترین /عالی/
happier	خوشحال تر/تفضیلی/

برقانون فوق صفت shy /خجول/، استثناء است؛ و تغییری در y داده نمی‌شود.

مثال:

shy	/مطلق/	shyer	/تفضیلی/	shyest	/عالی/
-----	--------	-------	----------	--------	--------

اگر قبل از y حرف با صدایی باشد، تغییری در y داده نمی‌شود.

مثال:

grey	/مطلق/	greyer	/تفضیلی/	greyest	/عالی/
------	--------	--------	----------	---------	--------

اگر صفتی به یکی از پسوندهای :

ed, able, ible, less, ful, al, ous, ive, ing در تفضیلی و عالی، به ترتیب more و most می‌گیرد.

صفت مطلق	صفت تفضیلی	صفت عالی
careful	more careful	most careful
famous	more famous	most famous
wicked	more wicked	most wicked
interesting	more interesting	most interesting

برای ساختن صفات تفضیلی و عالی از صفات دو هجایی مطلق که بر هجایی اول تکیه دارند، باید قبل از صفت مطلق به ترتیب more و most به کار رود.

مثال:

صفت مطلق	صفت تفضیلی	صفت عالی
ancient	more ancient	most ancient

برخی از صفات دو هجایی نیز می توانند به دو صورت، حالت تفضیلی و عالی پیدا کنند.

مثال:

صفت مطلق	صفت تفضیلی	صفت عالی
uiet	uieter/more uiet	uietest/most uiet

صفاتی از این قبیل عبارتند از: cruel /ظالم/, pleasant /دلپذیر/

تعدادی صفت در زبان انگلیسی وجود دارد که حالت تفضیلی و عالی آنها شکل مخصوصی دارد. این صفات عبارتند از:

صفت مطلق	معنی	صفت تفضیلی	صفت عالی	معنی
good	خوب	better		best
bad	بد	worse		worst
ill	بیمار	worse		worst
evil	شرور	worse		worst
many	زیاد	more		most
much	زیاد	more		most
little	کم	less		least
far	دور	further	بیشتر	furthest
far	دور	farther	دورتر	farthest
late	دیر	later	دیرتر	latest
late	دیر	latter	آخری	آخرین
up	بالایی	upper		uppermost
in	داخلی	inner		innermost
out	خارجی	outer		outermost
fore	پیشین	former		foremost
hind	عقبی	hinder		hindmost
old	پیر، کهن	older		oldest
old	پیر، کهن	elder		eldest

صفات **oldest** و **older** برای انسان و اشیاء، توأمًا به کار می‌روند، ولی **eldest** صرفاً برای انسان و اعضای خانواده به کار برده می‌شوند.

مثال:

She is my older sister.	او خواهر بزرگ من است.
My friend is older than you	دوستم بزرگتر از شماست.

باید توجه داشت که بعد از **elder** حرف ربط **than** به کار نمی‌رود. ضمناً صفاتی که از زبان‌های دیگر وارد زبان انگلیسی شده‌اند، فقط به صورت صفت تفضیلی یا مقایسه تفضیلی به کار می‌روند و بعد از این صفات به جای حرف ربط **than** قرار می‌گیرد. این صفات به شرح زیر می‌باشند:

prior	قبلی، مقدم	interior	داخلی، درونی
senior	بزرگ‌تر، ارشد / از نظر رتبه /	exterior	خارجی، بیرونی
junior	کوچک‌تر / از نظر رتبه /	major	بزرگ‌تر
posterior	عقب‌تر	minor	کوچک‌تر، کمتر
inferior	پایین‌تر، پست‌تر	superior	عالی‌تر، برتر، بزرگ‌تر

مثال:

He is <u>junior to</u> my friend.	او پایین‌تر از دوست من است.
This cloth is <u>superior to</u> that.	این پارچه به آن یکی برتری دارد.

افزایش یا کاهش متساوی را با فرمول زیر بیان می‌کند.

صفت تفضیلی + the + ..... + صفت تفضیلی

مثال:

The <u>more</u> leisure he has, <u>the</u> <u>happier</u> he is.	هر قدر که بیشتر راحتی دارد، بیشتر احساس خوشحالی می‌کند.
--	---

افزایش یا کاهش تدریجی با دو صفت تفضیلی که با حرف ربط **and** به هم مربوط می‌شوند، بیان می‌شود.

مثال:

The weather is getting <u>colder and colder</u> .	ها سردتر و سردتر می‌شود.
---	--------------------------

گاهی مقایسه میان دو شخص یا شئ معین است. در این صورت پیش از صفت تفضیلی، حرف تعریف **the** قرار می‌گیرد و ساختمان جمله شبیه مقایسه عالی است.

مثال:

Ali is <u>the clever of</u> the two children.	علی از دو بچه زرنگ‌تر است.
He is <u>the taller of</u> the two boys.	او از دو بچه بلند‌تر است.

در مقایسه تفضیلی وقتی مصدر پس از حرف ربط than به کار رود، علامت مصدری to حذف می‌شود.

مثال:

It is nicer to go with someone <u>than go</u> alone.	بهتر است با کسی بروم از این که تنها بروم.
--	---

It is sometimes quicker to walk <u>than take</u> a bus.	گاهی پیاده رفتن سریع‌تر از سوار شدن به اتوبوس شخص را به مقصد می‌رساند.
---	--

در انگلیسی دستوری و نوشتاری، ضمیر پس از حروف ربط than و as حالت فاعلی دارد و در واقع، فعل فعل پس از خود محسوب می‌شود، چه فعل ذکر شود یا نشود. البته باید به این نکته توجه داشت که اگر حروف ربط مذکور قبل از ضمیر سوم شخص واقع شده باشد، معمولاً تکرار فعل ضرورت پیدا می‌کند.

مثال:

He has more money <u>than she has</u> .	او پول بیشتری از آن خانم دارد.
---	--------------------------------

I am not so clever <u>as he is</u> .	من به با هوشی او نیستم.
--------------------------------------	-------------------------

اگر حروف ربط فوق الذکر قبل از اول شخص و دوم شخص به کار رفته باشند، معمولاً فعل حذف می‌شود.

مثال:

I am not as old <u>as you</u> .	من هم سن شما نیستم.
---------------------------------	---------------------

He has more time <u>than I</u> .	او وقت بیشتری از من دارد.
----------------------------------	---------------------------

در انگلیسی گفتاری و محاوره‌ای، ضمیر بعد از حرف ربط than معمولاً حالت مفعولی دارد.

مثال:

He has more time <u>than me</u> .	او وقت بیشتری از من دارد.
-----------------------------------	---------------------------

قبل از صفت یا قید مطلق و much قبل از صفت یا قید تفضیلی به کار می‌رود.

مثال:

I am not feeling <u>very cold</u> today.	امروز زیاد احساس سرما نمی‌کنم.
--	--------------------------------

I am feeling <u>much better</u> today.	امروز حالم خیلی بهتر است.
--	---------------------------

تنها هنگام کاربرد کلمه different به جای very از much استفاده می‌شود.

مثال:

This is not <u>much different</u> from that one.	این با آن یکی زیاد فرق ندارد.
--	-------------------------------

با کاربرد the قبل از صفت عالی می‌توان آن را به عنوان ضمیر به کار برد.

مثال:

The eldest was only eight years old.	بزرگ ترین /فرد/ فقط هشت ساله بود.
--------------------------------------	-----------------------------------

## استفاده از اسم به عنوان صفت – استفاده از صفت به جای اسم

Using nouns as modifiers/Using adjectives as nouns

**استفاده از اسم به عنوان صفت** **Using nouns as modifiers**

اسم هایی از نوع زیر می توانند وظیفه صفت را ایفا کنند:

اسم ماده و جنس:

مثال:

a silver ring

انگشت نقره ای

اسم معنی:

مثال:

a beauty contest

مسابقه زیبایی

اسم خاص:

مثال:

a New-York weather

آب و هوای نیویورکی

اسم مصدر:

a swimming pool

استخر شنا

اسم عام:

a man power

نیروی انسانی

## استفاده از صفت به جای اسم: Using adjectives as a nouns:

صفت گاهی، می تواند به جای اسم قرار گرفته و وظایف آن را انجام دهد.  
هر گاه حرف تعریف the، قبل از صفت قرار گیرد، آن را به اسم جمع تبدیل میکند.  
مثال:

<u>the</u> brave	شجاعان	<u>the</u> old	سالخوردگان
<u>the</u> poor	فقرا	<u>the</u> rich	ثروتمندان
<u>the</u> young	جوانان	<u>the</u> deaf	ناشنوایان

بعضی از صفات در صورت مفرد / بدون علامت جمع / کار اسم را انجام می دهند. پاره ای از این صفات عبارتند از:  
much, little, the whole

مثال:

The whole had been invited. همه دعوت شده بودند.

بعضی از صفات نیز در صورت های جمع وظیفه اسم را انجام می دهند. تعدادی از این صفات عبارتند از:

valuables	اشیاء گران	the ancients	پیشینیان
the moderns	متجددین	natives	بومیان
greens	سبزیجات	secrets	رازها
eatables	خوردنیها	sweets and bitters	شیرینی ها و تلخی ها

### ترتیب قرار گرفتن صفات قبل از اسم: Order of Adjectives before the Noun

بطور کلی می توان انواع صفت را به ترتیب زیر با موصوف به کار برد:

**ترتیب قرار گرفتن صفات قبل از اسم:** از آن جایی که گاهی برای توصیف یک اسم، از بیش از یک صفت، استفاده می شود، لذا فرمول زیر می تواند در طرز استفاده صحیح صفات، از نظر اولویت قرار گرفتن آنها قبل از اسم، کمک شایانی به شما نماید.

Seuence and order of adjectives before the noun:

1	2	3	4
Determiners	Ordinal Numbers	Cardinal Numbers and uantity Words	uality words, Words of General Description or Character
The	First	Two	beautiful

۵	۶	۷	۸
Size, Height, Length, etc	Age, Temperature	Shape	Color
big	old	rectangle	red

۹	۱۰	۱۱	Noun
Participle	Origin or Location	Material	Noun-Noun Compound
handwoven	Iranian	silk	carpets

### ترتیب قرار گرفتن صفات قبل از اسم:

۱	۲	۳	۴
تعریف کننده: شامل ۱ - حرف تعریف معین و نا معین ۲ - صفات اشاره ۳ - صفات ملکی ۴ - صفات مقدار و تعداد	اعداد ترتیبی	اعداد اصلی	کیفیت
نشانه معرفه بودن اسم /The	اولین //first	/two دو	زیبا //beautiful

۵	۶	۷	۸
اندازه، ارتفاع، طول و غیره	سن، دما	شكل	رنگ
/big	/old	/rectangle	مستطیل شکل /red

۹	۱۰	۱۱	اسم
وجه وصفی	منشاء و ملیت	جنس	اسم - یا اسم مركب
/handwoven	/Iranian	/silk	فرش /carpets

در صفات به کار رفته قبل از اسم ،carpets، از شماره یک ، شروع و به شماره یازده ختم می گرد؛ یعنی صفت شماره یازده ، از سایر صفات به موصوف نزدیکتر و شماره یک از دیگر صفات دورتر می باشد و به عبارتی میتوان گفت صفت هر قدر به اسم نزدیک تر باشد اصلی تر/ذاتی/ و هر قدر دورتر باشد فرعی تر/عارضی/ می باشد.

## روابط دو فعل:

اگر دو فعل در یک جمله برای یک منظور به کار رود، فعل اول تابع قید زمان است و فعل دوم به سه طریق به شرح ذیل تابع فعل اول است.

تعدادی افعال در زبان انگلیسی وجود دارد که فعل بعد از آنها **ing** می‌گیرد که به اینگونه افعال اسم مصدر ساز /gerund maker/ گویند مثال:

He <u>enjoys</u> <u>playing</u> ping pong.	او از بازی پینگ پنگ لذت می‌برد.
--	---------------------------------

بعد از افعال کمکی مانند can, could, shall, should, may, might to فعل تغییر نمی‌کند و فعل بعد از آنها به صورت مصدر بدون to /شکل ساده فعل / به کار می‌رود.

مثال:

She <u>can</u> <u>swim</u> beautifully.	او به زیبایی می‌تواند شنا کند.
---	--------------------------------

به غیر از افعال کمکی و افعال اسم مصدر ساز، بقیه افعال را فعل اصلی گویند که فعل بعد از آنها to می‌گیرد.

مثال:

I <u>wanted</u> <u>to</u> <u>see</u> her.	می‌خواستم او را ببینم.
---	------------------------

بعد از افعال ، استثنائاً حرف اضافه to به کار نمی‌رود.

بعد از افعال see, hear, feel, watch to به کار می‌رود و هم می‌توان به فعل ing اضافه نمود.

مثال:

I heard her speak.	شنیدم که او صحبت می‌کرد.
I heard her speaking.	شنیدم که او صحبت می‌کرد.

## وجه امری :Imperative Mood

بیان عملی به صورت خواهش، تقاضا، پند و اندرز، التماس و دعا، امر واقعی است.

برای ساختن وجه امری کافی است از مصدر ساده فعل / مصدر بدون to فعل / استفاده شود.

مثال:

Go.	برو.	Write.	بنویس.
-----	------	--------	--------

فعل امر واقعی در دوم شخص مفرد و جمع است.

برای ساختن امر منفی کافی است Don't را قبل از مصدر ساده به کار ببریم.

مثال:

Don't go out.	بیرون نرو.
---------------	------------

برای تأکید در شکل امر مثبت، از do در ابتداء جمله استفاده می‌کنند.

مثال:

Do try.	سعی کن.
---------	---------

چنانچه گفته شد، امر واقعی در دوم شخص است. در سایر اشخاص برای ساختن فعل امر، از فعل let استفاده می‌کنند. سپس ضمیر مفعولی و بالاخره مصدر بدون to به کار می‌برند.

مثال:

Let me eat.	بخورم.	Let us eat.	بخوریم.
Eat.	بخور. /امر واقعی /	Eat.	بخورید. /امر واقعی /
Let him eat.	بخورد.	Let them eat.	بخورند.

منفی حالت فوق، به شکل زیر می‌باشد:

Let me not eat.	نخورم	Let him not eat.	نخورد.
-----------------	-------	------------------	--------

## موارد کاربرد وجه امری :

چنانچه قبلًاً گفته شد، فعل امر برای بیان منظورهای مختلف از قبیل خواهش و تقاضا، پند و اندرز، التماس و دعا، و بالاخره برای امر واقعی به کار می‌رود.

خواهش و تقاضا، با افزودن کلمه please در اول یا آخر جمله امری و یا اضافه کردن I shall we یا will you در آخر جمله امری صورت می‌گیرد.

مثال:

Pass me some sugar, please.	لطفاً قدری شکر بده.
-----------------------------	---------------------

برای بیان پند و اندرز.

مثال:

Don't waste your money.	پول را هدر مکن.
-------------------------	-----------------

برای بیان التماس و یا دعا.

مثال:

Help me, God.	خدايا، کمکم کن.
---------------	-----------------

برای بیان امر واقعی.

Be quiet, children.	بچه ها، ساكت باشيد.
Be active.	فعال باشيد.
Do your homework carefully.	تکالیفتان را با دقت انجام دهيد.

## مطابقت فعل با فاعل :Agreement of Verb with Subject

مطابقت فعل با فاعل: فعل همواره باید با فاعل خود از نظر تعداد و شخص مطابقت نماید، لذا توجه به موارد ذیل، به شناسایی این مهم کمک می نماید. اگر فاعل مفرد باشد، فعل جمله نیز باید مفرد باشد و چنانچه فاعل به صورت جمع باشد، فعل جمله هم باید به صورت جمع باشد.

مثال:

مفرد	جمع
This girl is ready.	These girls are ready.
The package of cigarettes is in my pocket.	The packages of cigarettes are in my pocket.

اگر دو یا چند فاعل مفرد با کلمه and به هم مربوط شده باشند فعل آنها ره صورت جمع خواهد بود.

مثال:

Mary and I <u>are</u> students.	مری و من دانش آموز هستیم.
---------------------------------	---------------------------

اگر فاعل جمله مفرد باشد و بعد از آن کلمات to gether with, as well as, with به کار رفته باشد و بعد از این کلمات، اگر اسمی مفرد یا جمع اضافه شوند، فعل جمله، مفرد خواهد بود.

مثال:

Betty with his friends <u>is</u> watching T.V. now.	بتی با دوستانش اکنون در حال تماشای تلویزیون است.
Jack as well as his brothers is playing piano well.	جک همانند برادرانش پیانو خوب می نوازد.

اگر بعد از either.....or و neither.....nor فعل مفرد به کار رود فعل آن جمله به صورت مفرد خواهد بود و اگر بعد از کلمات فوق فعل جمع به کار رود، فعل آن نیز باید جمع باشد.

مثال:

Neither your friends nor I <u>am</u> happy.	نه دوستان شما و نه من خوشحال نیستیم.
Either the students or the teacher <u>is</u> speaking.	هم دانش آموزان و هم معلم در حال صحبت کردن می باشند.
Either he or his brothers <u>are</u> there.	هم او و هم برادرانش آنجا می باشند.

کلمه the number of، فعل مفرد و کلمه A number of، فعل جمع می گیرد.

مثال:

The <u>number</u> of students at the university <u>is</u> small.
A <u>number</u> of students at the university <u>are</u> small.

بعد از فعل مفرد به کار می رود.

در جملاتی که با There شروع می‌شوند، اگر اسم مفرد وجود داشته باشد، فعل آن جمله مفرد خواهد بود. و اگر اسم جمع وجود داشته باشد، فعل آن جمله به صورت جمع خواهد بود.

مثال:

There is a book on the desk.

There are some books on the desk.

بعد از کلمات nothing, nobody, something, somebody, neither, either, everyboth, several, many, few, بعد از کلمات both, several, many, few فعل مفرد و فعل جمع به کار می‌رود.

مثال:

Everybody is speaking.

Neither of your friends is speaking.

Both his legs are broken.

all هم با فعل مفرد و هم با فعل جمع به کار می‌رود و money با فعل مفرد به کار می‌رود.

اگر قبل از ضمایر موصولی who, which, whom, that فعل آن جمله مفرد خواهد بود ولی اگر قبل از ضمایر موصولی فوق اسم جمع به کار رفته باشد، فعل آن به صورت جمع به کار می‌رود.

مثال:

The student who is singing is the best singer.

The students who are singing are the best singers.

اسامی news /خبر/، thanks /تشکر/، وسیله/، means به کار می‌رود.

## انواع قید Kinds of Adverbs

### قید Adverb

صفت، اسم را توصیف می کند ولی قید، کلمات دیگر مخصوصاً فعل را توصیف می کند.  
مثال:

The clever students usually speak perfectly.

He finished the work uickly.

چون کلمه perfectly فعل speak را و کلمه uickly فعل finished را توصیف می کنند، قید جمله می باشند.

### انواع قید Kinds of Adverbs

قید در زبان انگلیسی بر هفت نوع است:

### قید زمان Adverb of Time

قید زمان، زمان وقوع کار را دلالت می کند و محل آن در آخر جملات است و در حالت تأکید، در اول جمله به کار می رود.  
مثال:

They saw the postman along a road yesterday.

Tomorrow, they will leave Iran.

قیدهای زمان مانند at last, soon, just, still, already قبل از فعل اصلی به کار می روند.

مثال:

I have already seen this film.

قبل‌اً این فیلم را دیده‌ام.

### قید مکان Adverb of Place

محل وقوع کار را قید مکان نامند. مانند school, cinema, England, inside, somewhere, there, here محل قید مکان در جمله قبل از قید زمان است.

مثال:

We saw Betty at the school yesterday.

اگر جمله دارای فعل حرکتی مانند come و go باشد، قید مکان، مثل مفعول بعد از فعل حرکتی به کار می رود.

مثال:

She drove to the village slowly last week.

قید زمان و مکان کوچک تر، قبل از قید زمان و مکان بزرگ تر به کار می روند.

مثال:

He was born at 7:00 p.m. on Sunday, in June 1964.

She lives in a garden in a small village in England.

### قیدهای تکرار : Frequency Adverbs

قیدهای تکرار در صد وقوع انجام کار را نشان می دهند و محل قرار گرفتن آنها در جمله، بعد از فعل کمکی و قبل از فعل اصلی می باشد.

مثال:

He can always swim in cold water.

قیدهای تکرار به شرح زیر می باشند:

always	همیشه	usually	معمولًاً
generally	عموماً	ever	همیشه
sometimes	گاهی اوقات	seldom	به ندرت
frequently	بارها، مکرراً	rarely	به ندرت
occasionally	گاه گاهی	scarcely	به ندرت
often	اعلب	never	هرگز

### قید حالت یا کیفیت : Adverb of Manner

قید حالت فعل را توصیف می کند و برای ساختن آن به آخر صفت ya اضافه می کنند.

مثال:

صفت	معنی	قید	معنی
slow	آهسته	slowly	به آهستگی
quick	سریع	quickly	به سرعت
wise	عاقل	wisely	عالقالانه
easy	آسان	easily	به آسانی
bad	بد	badly	بطور بد

قید good می‌شود well و صفات hard, fast, late, early, low, soon, straight, enough, loud برای تبدیل شدن به قید حالت، تعییری نمیکنند /y/ نمیگیرند؛ هم صفت هستند و هم قید، اگر اسم را توصیف کنند، صفت هستند و اگر فعل را توصیف کنند، قید می‌باشد.

مثال:

My brother passed a hard examination because he had studied hard.

برادرم، آزمون دشواری را گذراند، زیرا با جدیت درس خوانده بود.

اگردر جمله ای به hard پسوند ly اضافه کنیم، آن جمله منفی می‌شود.  
مثال:

He works hardly.

او کار نمی‌کند.

محل قید حالت در جملات انگلیسی بعد از مفعول جمله است.  
مثال:

Mary is playing the piano skilfully.

کلمات زیر با وجودیکه به ya ختم می‌شوند، صفت هستند نه قید.  
lovely, lonely, manly, friendly, fatherly  
مثال:

He is a friendly person.

او شخص مهربانی است.

### قیود استفهامی : Interrogative Adverbs

این قیود برای سؤال و پرسش به کار می‌روند و عبارتند از کلماتی مانند where, when, why, how وغیره.

محل قیدهای استفهامی در اول جملات سؤالی است.

مثال:

Why does Betty behave badly?

Where did Mary go yesterday?

باید به این نکته توجه داشت که اگر قیدهای استفهامی why, how, where, when بین جمله یا جملاتی به کار روند، آنها را قید ربط نامند و این گونه جملات سؤالی نیستند و نیازی به علانت سؤال ندارند.

مثال:

This is the house where my family live.

I don't know why Mary behaves badly.

### قیود تأکیدی : Intensive Adverbs

این قیدها بیشتر جنبه تأکید دارند. پاره ای از آنها عبارتند از:

just, even, at least, only, really, at most, too, etc.

مثال:

He should study at least two hours every day.

I can help only the poor.

He will come here too.

**Adverb of quantity**

قید کمیت، مقدار و اندازه را می‌رساند. تعدادی از این قیدها عبارتند از:

much, very, almost, only, partly, rather, little, a little, as, too, so, uite, fairly, yet, already, either, also, enough, as well, any, longer, any more, still, etc.

مثال:

He runs very quickly.

They are quite interesting.

I try much.

این نوع قیود، زمانی با قید دیگر /جمله اول ، مثال بالا/، گاهی با یک صفت /جمله دوم/ و گاهی با یک فعل /جمله سوم/ همراه است.

## مقایسه قیدهای Adverbs

قید حالت مانند صفت، می تواند برای مقایسه به کار رود و بر سه نوع است: قید تساوی، قید تفضیلی و قید عالی برای ساختن قید تساوی از فرمول زیر استفاده می شود.

+ قید حالت as +

مثال:

The students usually prepare their homework <u>as carefully</u> <u>as</u> I expect.	دانش آموزان معمولاً تکالیفشان را به دقیقی که من انتظار دارم، آماده می کنند.
Mary swims <u>as beautifully</u> <u>as</u> his brother.	مری به زیبایی برادرش شنا می کند.
She works <u>as rapidly</u> <u>as</u> her mother.	او به سرعت مادرش کار می کند.
He can run <u>as fast</u> <u>as</u> I can.	او می تواند به سرعت من بدد.

برای ساختن قید تفضیلی و عالی به شرح زیر عمل می شود.  
قيود يك سيلابي در حالت تفضيلی و عالي به ترتيب er و est می گيرند.

مثال:

قید مطلق	قید تفضیلی	قید عالی
hard	harder	hardest
high	higher	highest

قيود بيش از يك سيلاب که غالباً به ly ختم شده اند، در تفضيلی more و در عالي most ميگيرند.

قید مطلق	قید تفضیلی	قید عالی
slowly	more slowly	most slowly
rapidly	more rapidly	most rapidly

قید early از قاعده فوق مستثنی است و با er به قید تفضیلی و با est به قید عالی تبدیل می شود.  
بعضی از قیود يك سيلابي، مانند صفات، حالت تفضیلی و عالي مخصوصی دارند. اين قیود بی قاعده بوده و به شکل زیر به قیود تفضیلی و عالی تبدیل می شوند.

قید مطلق	قید تفضیلی	قید عالی
well	better	best
ill	worse	worst
badly	worse	worst
little	less	least
much	more	most
far	farther	farthest
far	further	furthest
near	nearer	nearest/next
up	upper	uppermost

و farther و furthest برای مسافت است، در حالی که هم برای مسافت به کار می‌رود و هم معنی "بیشتر" و "بیشترین" دارد.

دو قید wrong و right، حالت تفضیلی و عالی ندارند.  
به مثال‌های زیر که جملاتی در مورد مقایسه قید تفضیلی و عالی می‌باشد توجه نمایید.

Our teacher speaks louder than you.	/ مقایسه تفضیلی /
My friend behaves more wisely than my brother.	/ مقایسه تفضیلی /
This pupil studied the least of all but he could succeed.	/ مقایسه عالی /

## حرف اضافه : Preposition

حرف اضافه کلمه‌ای است که قبل از اسم یا معادل آن واقع شده و رابطه آن را با کلمه دیگر در جمله روشن می‌سازد. به عبارت دیگر

حرف اضافه کلمه‌ای است که رابطه یک موجود را با دیگری نشان می‌دهد.

مثال:

Your pen is under the table.

بطور کلی حرف اضافه با اسم یا ضمیر همراه است و نحوه ارتباط آن را با کلمه‌ای دیگر طبق موارد زیر بیان می‌کند:

A cup of tea is <u>on</u> the table.	بین دو اسم:
He sent it <u>to</u> me.	بین دو ضمیر:
Ali <u>with</u> him came to our party.	بین یک اسم و یک ضمیر:
He prevented John <u>from</u> going.	بین یک اسم و یک فعل:
She is good <u>at</u> mathematics.	بین یک صفت و یک اسم:
He behaves badly <u>towards</u> his wife.	بین یک قید و یک اسم:
Come <u>to</u> me and sit down.	بین یک فعل و یک ضمیر:

اسم یا ضمیری که بعد از حرف اضافه در می‌آید، همواره مفعول آن محسوب می‌شود و اصطلاحاً آن را مفعول حرف اضافه گویند. پس باید توجه داشت که همیشه ضمیر بعد از حرف اضافه در حالت مفعولی است و این مطلب یکی از نکات مهم دستور زبان انگلیسی محسوب می‌شود.

مثال:

Between you and me he will never succeed.

بعد از حروف اضافه، کلیه افعال، به شکل اسم مصدر است.

مثال:

I am fond of learning languages.

I saw him before coming.

در دو حالت می‌توان مفعول حرف اضافه را از جمله حذف کرد.

در صورتی که مفعول، ضمیر موصولی باشد.

مثال:

The teacher /whom, that/ we are talking about has recently retired.

در صورتی که مفعول، ضمیر مفعولی باشد. مثال:

Pass me the fork to eat with /it/, please.

حرف اضافه of را اگر در معنی و ساختمان جمله، تغییری ندهد، گاهی می‌توان از جمله حذف کرد.

مثال:

Telling /of/ the time

On board /of/ the ship

گاهی حرف اضافه of به /'o/ تبدیل می‌شود.

مثال:

ten of clock = ten o'clock

**:Division of prepositions**

حروف اضافه را به اعتبارهای مختلف می‌توان تقسیم بندی کرد:

از نظر ظاهر و ساختمان:

**:Simple prepositions: حروف اضافه ساده**

این گروه حروف اضافه از یک کلمه تشکیل شده اند که به اهم آنها در زیر اشاره می‌شود.

to, at, on, in, after, before, for, until, till, by, up, under, into, with, without, through, among, between, since, towards, over, from, round, except, besides, against, about, past, near, above, but, like, beneath, along, below, across, inside, opposite, despite, beyond, down, outside, as, of, off, upon, beside, unto, etc.

**: Compound Prepositions** حروف اضافه مرکب

این گروه حروف اضافه مشکل از بیش از یک کلمه می‌باشند و اهم آنها به شرح زیر می‌باشند:

because of, in order to, in front of, in spite of, by way of, for the sake of, due to, on account of, with regards to, out of, with reference to, etc.

**: Participle Prepositions** حروف اضافه به شکل وجه وصفی

در آخر این گروه از حروف اضافه حروف ing وجود دارد که در زیر به تعدادی از آنها اشاره می‌شود.

concerning, notwithstanding, regarding

در مکالمات، در شکل استفهام، مفعول حرف اضافه قبل از حرف اضافه به کار می‌رود و در نتیجه حرف اضافه، در آخر جمله قرار می‌گیرد.

مثال:

What is he talking about?

حرف اضافه در قضایای وصفی، از اسم یا ضمیر خود جدا قرار می‌گیرد.

مثال:

This is the problem that I asked for.

## حروف اضافه زمانی :Prepositions of Time

At

برای لحظه معین و قسمت های مختلف روز و شب:

at noon	at sunset
at midnight	at dawn
at 5:00	at sunrise
at night	

برای جشن ها و کارهایی که در زمان معین، در سال، ماه، هفته، و لحظه، برگزار می شود.

at Christmas	at Easter
at the new year	at the weekend
at dinner time	at bed time
at high tide	at low tide

با پاره ای از ترکیبات که مربوط به زمان است.

at the moment	at last
at most	at least
at first	at the end
at the beginning	at peace
at war	at rest
at once	at one's studies
at leisure	at one time
at times	at the latest
at the same time	at a time
at present	

In

با قسمت های مختلف روز و قبل از کلماتی که دوره ای از زمان را معین می کنند.

in the day time	in the dinner-hour
in the afternoon	in the morning
in April	in the evening
in the summer holidays	in the summer
in the year 1985	

برای بیان طول کامل زمانی که برای انجام کاری لازم و ضروری است.

in 2 week's time	in 2 hours
in a few minutes	in 5 year's period

با پاره ای از ترکیبات که مربوط به زمان است.

in time	in the end
in the beginning	in the meantime
in the double-quick time	in no time

in a period of	in the middle of
in due time	in due course
in the past time	in the future time
in recent time	in earliest time
in the night	

On

برای یک روز معین، اعم از اینکه روز معینی از ماه، هفته یا سال باشد.

on Friday	on Thursday night
on April 20th	on the night of July 15th
on Christmas day	on Friday morning
on one's tenth birthday	on Christmas morning
on the anniversary of someone's death	on the evening of Christmas day

با پاره ای از ترکیبات زمانی:

later on	from that time on
on time	on and on
on that day	on each occasion
on thinking the matter over	on reaching somewhere

در صورتی که قبل از حروف اضافه زمانی on, next at, in, صفت last یا درآید، حرف اضافه به کار نمی‌رود، ولی چنانچه صفت را بعد از زمان به کار ببرند، حرف اضافه به کار می‌رود.

مثال:

I met him last Friday.
on Friday next

## حروف اضافه مکانی :Prepositions of place

## In

برای انواع مکان ها /کشورها، شهر ها و غیره/ به عنوان محل اقامت، وقتی که به طور نامعین مورد نظر باشند.

in the country	in the desert
in the town	in the suburb
in cities	in a village

برای نام کشورها، قاره ها، و سر زمین های وسیع، مانند ایالت ها و استان ها، همچنین پایتخت ها و اسمی شهرهای بزرگ:

in London	in Paris
in Tehran	in China

برای اسمی مکان ها و شهرهای کوچک و روستا، حرف اضافه at به کار می رود.

برای نام خیابان ها و جاده ها:

Mr. Smith lives in Lincoln Avenue.

برای بیان محل کار به طور کلی در صورتی که داخل ساختمان باشد.

in a bank	in a shop
in a restaurant	in an office
in a factory	in a hotel

## At

چنانچه قبل از نیز گفته شد، برای اسمی مکان ها و شهرهای کوچک و روستا ها که به صورت محل اقامت معینی باشند، به کار می رود.  
مثال:

Shakespeare was born at Stratford-on-Avon.

در مورد کلمات home و seaside نیز حرف اضافه at به کار می رود.

برای محل سکونت درخانه، هتل و خیابان در صورتی که معین و مشخص باشد.

at 10 Downing Street	at Buckingham Palace
at Marmar Palace	at Hilton Hotel
at White House	at 15 Bahar Avenue

برای محل کار در صورتی که جای معین و مشخص مورد نظر باشد.

at Town Hall	at Swan Restaurant
at the Public Library	at the City General Hospital
at the railway Station	at Tehran Medical College
at the Iran National Factory	at Naderi Melli Bank

**On**

برای محل سکونت در جزایر کوچک:

They are living on Khark Island.

برای محل سکونت در مزارع:

He lives on a small farm.

برای محل کار، در صورتی که ساختمانی نباشد.

They work on a potato plantation.

He works on the railway.

**By**

برای بیان نزدیکی و کنار جایی:

مثال:

We sat by the sea and watched the children swimming.

Peter found him standing by the window.

برای بیان وضع حالت، طریق و نحوه مسافرت:

If you go by ship to Australia, you go by sea; if you go in an airplane, you go by air.

**For**

برای تعیین مسیر و جهت:

Is this train for Edinburgh?

We set out for the seaside immediately after breakfast.

**Into**

به طور کلی حرف اضافه in وضع و حالت و into حرکت یا جهت را به داخل چیزی می رساند.

مثال:

He spent the day in his room.

He came into the room.

**To**

برای بیان مسافت:

مثال:

How far is it from here to the cinema?

among, between

به معنی بین دو شخص یا دو چیز و among بین چند شخص و یا چند شئ است.

مثال:

He was standing between you and me.

He was standing among the trees.

## اجتناب از تکرار جملات طولانی: Avoiding Repetition of Long Sentences

برای اجتناب از تکرار جمله های طولانی، لازم است از فرمول های زیر استفاده کنیم تا مجبور به تکرار تمام جمله نشویم.  
اگر جمله ذکر شده، مثبت خبری باشد، در این صورت برای جلوگیری از تکرار تمام جمله و ضمناً برای تأیید از یکی از دو فرمول زیر استفاده می شود.

**فعل مخصوص / کمکی / + فاعل too +**

**+ فاعل + فعل مخصوص / کمکی / so +**

مثال:

He can lift this heavy box, and I can too.

He swam across the English Channel, and she did too.

She works hard to pass her exams, and so does he.

I have finished my work, and so has he.

اگر جمله ذکر شده منفی باشد، برای تأیید و جلوگیری از تکرار تمام جمله، از یکی از دو فرمول زیر استفاده می کنند.

**فعل مخصوص / کمکی / منفی + فاعل either +**

**+ فاعل / فعل مخصوص / کمکی neither**

مثال:

He doesn't like to study English, and I don't either.

You couldn't do your best, and I couldn't either.

She didn't attend the class, and neither did I.

He isn't listening to the radio, and neither am I.

اگر جمله کوتاه شده، عکس جمله اصلی از نظر منفی و مثبت باشد، برای اجتناب از تکرار می توان از فرمول های زیر استفاده کرد.  
چنانچه جمله اصلی مثبت باشد، از فرمول زیر استفاده می شود.

**جمله مثبت + but + فعل مخصوص / کمکی / منفی + فاعل**

مثال:

He wanted to go to her wedding, but I didn't.

چنانچه جمله اصلی منفی باشد، از فرمول زیر استفاده می شود.

**+ فعل مخصوص / کمکی / مثبت + but + فاعل**

مثال:

She can't read this essay, but you can.

در موارد اول و دوم، در موقع افزودن یکی از فرمول های گفته شده، کاربرد and الزامی است.

## سوال کوتاه ضمیمه‌Questions :Tag Endings

وقتی گوینده بخواهد مخاطب او نظر وی را تأیید کند، در این صورت عباراتی از این قبیل به کار می برد.  
مثال:

You went to the cinema, didn't you?	دیروز به سینما رفتهید، نرفتید / مگر نه؟
-------------------------------------	---

You don't walk every morning, do you?	هر صبح پیاده روی نمی روید، می روید؟
---------------------------------------	-------------------------------------

باید توجه داشت که این نوع عبارات آخر جمله، در غالب زبان های دنیا به کار می رود.  
برای ساختن این نوع سوالات از نکات زیر استفاده می کنند:

اگر گفتار گوینده به صورت خبری مثبت باشد، در این صورت سوال انتهای جمله به صورت سوالی منفی است.

چنانچه در جمله فعل مخصوص وجود داشته باشد، همان فعل مخصوص در عبارت سوالی منفی به کار می رود و اگر فعل مخصوص در جمله نبود، عبارت آخر جمله را به وسیله did, does, do به صورت سوالی منفی شروع کرده، بعد از آن ضمیر شخصی به کار می بند.

He was late this morning, wasn't he?	او امروز صبح تأخیر داشت، مگر نه؟
--------------------------------------	----------------------------------

You go to work at 8:00 every day, don't you?	شما هر روز ساعت هشت سر کار می روید، اینطور نیست؟
--	--

اگر گفتار گوینده به صورت خبری منفی باشد، در این صورت سوال انتهای جمله به صورت سوالی مثبت خواهد بود.

She couldn't speak English fluently, could she?	اونمیتوانست انگلیسی را روان صحبت کند، می توانست؟
---	--

Peter doesn't respect his father, does he?	پیتر احترام پدرش را نگاه نمی دارد، نگاه می دارد؟
--	--

سؤالی کوتاه I am ، به صورت I aren't است که در آخر جمله قرار می گیرد.

مثال:

I am a kind nurse, aren't I?	من پرستار مهربانی هستم، اینطور نیست؟
------------------------------	--------------------------------------

در سوالات انتهای جملات، همیشه به جای اسم مورد نظر، ضمیر به کار می رود.

چنانچه جمله ای با Let's آغاز شود، شکل سوالی کوتاه آخر جمله shall we خواهد بود.

مثال:

Let's go to the movies tonight, shall we?	بیایید امشب به سینما برویم، می آید؟
---	-------------------------------------

و چنانچه جمله با Let us آغاز شود شکل سوالی کوتاه آخر جمله will you خواهد بود.

مثال:

Let us go to the movies tonight, will you?	اجازه بدھید امشب به سینما برویم، ایرادی ندارد/ اجازه می دهید؟
---	--

## زمان حال کامل /ماضی نقلی/: Present Perfect Tense:

**طرز تشکیل:** Formation:

**شکل مثبت:** Affirmative Form:

اسم مفعول + have/has + فاعل

برای تشکیل این زمان ابتدا زمان حال فعل کمکی to have را صرف می کنیم و سپس اسم مفعول فعل مورد نظر را به آن می افزاییم.  
مثال:

**دیدن to see**

مفرد		جمع	
I have seen.	دیده ام.	We have seen.	دیده ایم.
You have seen.	دیده ای.	You have seen.	دیده اید.
He has seen.	دیده است. / امذکر /		
She has seen.	دیده است. / مؤنث /	They have seen.	دیده اند.
It has seen.	دیده است. / غیر انسان /		

**موارد کاربرد زمان حال کامل /ماضی نقلی/: Usage:**

برای بیان عملی که در گذشته شروع شده و تا زمان حال ادامه داشته است. در این مورد معمولاً یکی از حروف اضافه since یا for به کار میروند.

مثال:

I have not seen him for two days.	دو روز است که او را ندیده ام.
My friend has gone to England since 1385.	از سال ۱۳۸۵ دوستم به انگلستان رفته است.

**کاربرد for و since**

**:since**

حرف اضافه since آغاز و شروع زمان را از گذشته تا به حال نشان می دهد و معادل آن در فارسی ازیا از زمانی که است. این حرف اضافه صرفاً در زمان حال کامل به کار می رود.

مثال:

We have known him since April.	از ماه آوریل او را می شناسیم.
--------------------------------	-------------------------------

**for**

حرف اضافه for همواره طول مدت و ادامه زمان را نشان می دهد.

مثال:

I have lived here for 25 years.

مدت بیست و پنج سال است اینجا زندگی می کنم.

در این مورد زمان حال کامل، معمولاً با قیدهایی مانند recently, ever, never, already و yet به کار برده می شود.

مثال:

I have never been to Paris.

هرگز به پاریس نرفته ام

He has recently been in America.

اخیراً در آمریکا زندگی می کند

نکته: to be to در زمان حال کامل به معنی رفتن و از جایی دیدن کردن و to be in نیز در این زمان به معنی اقامت کردن است.

**شكل سوالی و منفي :**

برای سوالی نمودن این زمان جای have یا has با فاعل جمله عوض می کنیم و برای منفي نمودن آن فعل have و يا has را منفي می نماییم.

مثال:

I have worked.

من کار کرده ام. / مثبت /

Have I worked.

آیا من کار کرده ام. / سؤالی /

I have not worked.

من کار نکرده ام. / منفي /

برای بیان کاری که در گذشته نامعلوم انجام گرفته است.

مثال:

I have seen you before.

قبل‌اً شما را دیده ام.

برای بیان کاری که در گذشته نزدیک انجام گرفته و بیانگر تأکید است. در این مورد معمولاً just قید just بین فعل کمکی have و has و اسم مفعول فعل مورد نظر قرار می گیرد.

مثال:

He has just left the school.

تازه از مدرسه رفته است. / چند لحظه قبل /

برای بیان کاری که به کرات در گذشته تکرار شده است.

مثال:

We have seen this film many times.

به کرات این فیلم را دیده ایم.

## زمان گذشته کامل /ماضی بعید/: Past Perfect Tense

**طرز تشکیل:** Formation

**شکل مثبت:** Affirmative Form

**اسم مفعول + had + فاعل**

برای ساختن زمان گذشته کامل با صرف زمان گذشته فعل to have یعنی had و استفاده از اسم مفعول فعل اصلی مورد نظر ساخته می شود.

**مثال:**

نوشتنto write

مفرد		جمع	
I had written.	نوشته بودم.	We had written.	نوشته بودیم.
You had written.	نوشته بودی.	You had written.	نوشته بودید.
He had written.	نوشته بود. /امذکر /		
She had written.	نوشته بود. /مؤنث /	They had written.	نوشته بودند.
It had written.	نوشته بود. /غیر انسان /		

شروع کردنto start

مفرد		جمع	
I had started.	شروع کرده بودم.	We had started.	شروع کرده بودیم.
You had started.	شروع کرده بودی.	You had started.	شروع کرده بودید.
He had started.	شروع کرده بود. /امذکر /		
She had started.	شروع کرده بود. /مؤنث /	They had started.	شروع کرده بودند.
It had started.	شروع کرده بود. /غیر انسان /		

## شكل سوالی و منفی: Question &amp; Negative Form:

He had studied.	او مطالعه کرده بود. / جمله مثبت /
Had he studied.	آیا او مطالعه کرده بود؟ / جمله سؤالی /
He had not /hadn't/ studied.	او مطالعه نکرده بود. / جمله منفی /

## موارد کاربرد زمان گذشته کامل /ماضی بعید/: Usage:

برای بیان عملی که قبل از عمل دیگر در زمان گذشته صورت گرفته باشد.

مثال:

I gave her the flowers which I had bought before.	گل هایی را که قبلاً خریده بودم به او دادم.
I read the book which you had given me.	کتابی را که به من داده بودی خواندم.

باید توجه داشت که عمل اول همیشه گذشته کامل و برای عمل دوم گذشته ساده به کار می‌رود.

مثال:

you had given me.	/عمل نخست/
I read the book.	/عمل دوم/

به معنی قبل یا پیش در جمله گذشته کامل بعد از قید زمان قرار می‌گیرد. before

مثال:

I saw him yesterday. I had gone to his house the day before.	من دیروز او را دیدم، روز قبلش هم به منزل آنها رفته بودم.
He was here on Friday and I had invited her to come here two days before.	روز جمعه او اینجا بود، دو روز قبلش از او دعوت کرده بودم که بیاید.

به ساختارهای زیر و مثال های مربوط به آنها توجه نمایید.

گذشته کامل	+ before	گذشته ساده +
گذشته ساده	+ after	گذشته کامل +

مثال:

I had phoned you before I came here.	قبل از اینکه اینجا بیایم، به تو تلفن کردم.
I remembered that I had left my book at home after I had left there.	بعد از اینکه از خانه بیرون آمدم به خاطر آوردم که کتابم را جا گذاشته ام.

## زمان آینده استمراری: Future Continuous Tense

**طرز تشكيل:** Formation

**شكل مثبت:** Affirmative Form

**فعل + فاعل + shall/will + be + ing**

زمان آینده استمراری به کمک افعال کمکی shall و will و فعل be و فعل اصلی که ing به آخر آن اضافه شده است تشکیل می گردد.

مثال:

کار کردن to work

فرد		جمع
I shall be working.	مشغول کار کردن خواهم بود.	We shall be working.
You will be working.	مشغول کار کردن خواهی بود.	You will be working.
He will be working.	مشغول کار کردن خواهد بود /.امذكر/	
She will be working.	مشغول کار کردن خواهد بود /.مؤنث/	They will be working.
It will be working.	مشغول کار کردن خواهد بود /.غير انسان/	

**شكل سؤالی:** Question Form:

**شكل سؤالی:**

برای سؤالی نمودن این زمان کافیست جای shall و will را با فاعل جمله عوض نماییم.

مثال:

I shall be working.	من مشغول کار کردن خواهم بود. /مثبت/
He will be working.	او مشغول کار کردن خواهم بود. /مثبت/
Shall I be working?	آیا من مشغول کار کردن خواهم بود؟ /.سؤالی/
Will he be working?	آیا او مشغول کار کردن خواهد بود؟ /سؤالی/

**شکل منفی: Negative Form:**

برای منفی نمودن این زمان می بایست بعد از افعال کمکی will و shall از کلمه not استفاده نماییم.  
مثال:

I shall be working.	مشغول کار کردن خواهم بود. / مثبت /
He will be working.	مشغول کار کردن خواهد بود. / مثبت /
I shan't be working.	مشغول کار کردن نخواهم بود. / منفی /
He won't be working.	مشغول کار کردن نخواهد بود. / منفی /

**موارد کاربرد زمان آینده استمراری:**

کاری که در آینده ادامه دارد و کار دیگری بر آن واقع می شود.

مثال:

When you come, I will be listening to the radio.	وقتی شما ببایید مشغول گوش دادن به رادیو خواهیم بود.
--	---

کاری که در زمان معینی در آینده، مدتی ادامه داشته باشد.

مثال:

At 2:00 tomorrow afternoon we shall be playing football.	فردا ساعت ۲ بعد از ظهر مشغول بازی فوتبال خواهیم بود.
--	--

کارهایی که همزمان با هم در آینده ادامه داشته باشند.

مثال:

while they will be working in the garden, we will be doing our homework.	وقتی آنها در باغ مشغول کار هستند، ما مشغول انجام تکالیف درسی خود خواهیم بود.
--	--

کاری که در طول زمان خاصی در آینده، مدتی ادامه داشته باشد.

مثال:

He will be preparing his lessons all next month.	تمام طول ماه آینده مشغول آماده کردن درسهاش خواهد بود.
--	---

**till – until**

در جملات آینده استمراری تا به till و یا until ترجمه می شود. بهتر است بعد از until، قید زمان و بعد از till، جمله به کار رود.

مثال:

I shall be studying until 8:00 o'clock.	من تا ساعت هشت مطالعه خواهم کرد.
I shall be studying till you come.	من تا وقتی که شما ببایید مطالعه خواهم کرد.

نکته: باید توجه داشت زمان جمله ایکه بعد از till به کار می رود، حال ساده می باشد.

## زمان آینده کامل Future Perfect Tense

**طرز تشكيل:** Formation

**شكل مثبت:** Affirmative Form

**اسم مفعول + فاعل + shall/will + have**

زمان آینده کامل از ترکیب زمان آینده و حال کامل تشكيل می شود.

نوشتن to write

مفرد		جمع	
I shall have written.	نوشته ام. /خواهم نوشت./	We shall have written.	نوشته ايم. /خواهیم نوشت./
You will have written.	نوشته اى. /خواهی نوشت./	You will have written.	نوشته ايد. /خواهید نوشت./
He will have written.	نوشته است. /خواهد نوشت./ مذكر		
She will have written.	نوشته است. /خواهد نوشت./ مؤنث	They will have written.	نوشته اند. /خواهند نوشت./
It will have written.	نوشته است. /خواهد نوشت./ غير انسان		

**شكل سؤالی و منفی:** Question & Negative Form:

**شكل سؤالی و منفی:**

She will have written.	او نوشته است. /مثبت/
Will she have written.	آيا او نوشته است؟ /سؤالی/
She will not /won't/ have written.	او نوشته است. /منفی/

## موارد کاربرد زمان آینده کامل:

برای بیان کاری که قبل از کار دیگری در آینده تمام و کامل شده است.  
مثال:

When you return, I shall have done my work.

وقتی برگردی کارم را انجام داده ام.

برای بیان کاری که تا زمان معینی در آینده انجام گرفته و تمام شده است. در این مورد معمولاً حرف اضافه زمانی by /تا آن وقت/ را قبل از قید زمان آینده به کار می بردند.

The plane will have flown by 9:00 tomorrow nigh.

هواپیما تا ساعت ۹ فردا شب پرواز کرده است. /کار تا آن زمان تمام و کامل شده است./

نکته: این زمان در زبان فارسی وجود ندارد و زمان حال کامل و یا گاهی آینده ساده معادل ترجمه فارسی آن منظور می شود.

## زمان آینده در گذشته استمراری: Future in the Past Continuous Tense

**طرز تشكيل:**

**شكل مثبت :**

فعل + should/would + be + ing

تمرين کردن to practice

مفرد	جمع		
I should be practicing.	مشغول تمرين کردن خواهيم بود.	We should be practicing.	مشغول تمرين کردن خواهيم بود.
You would be practicing.	مشغول تمرين کردن خواهيد بود.	You would be practicing.	مشغول تمرين کردن خواهيد بود.
He would be practicing.	مشغول تمرين کردن خواهد بود. /مذکرا/		
She would be practicing.	مشغول تمرين کردن خواهد بود. /مؤنث/	They would be practicing.	مشغول تمرين کردن خواهند بود.
It would be practicing.	مشغول تمرين کردن خواهد بود. /غير انسان/		

### شكل سوالی و منفی : Question & Negative Form

She would be watching.	مشغول تماشا کردن خواهد بود. /جمله مثبت/
Should we be watching?	آيا مشغول تماشا کردن خواهد بود؟ /جمله سؤالی/
She would not /wouldn't/ be watching.	مشغول تماشا کردن نخواهد بود. /جمله منفي/

### موارد کاربرد زمان آینده در گذشته استمراری:

مثال:

He said that he would be taking exams during the following week.	او گفت که طی هفتاه آینده مشغول گذراندن امتحاناتش خواهد بود.
If you flew by plane, you would be taking a risk.	اگر با هواپيما برويد خود را به خطر انداخته ايده.

## زمان آینده در گذشته کامل: Future in the past Perfect Tense

**طرز تشکیل:**

**شکل مثبت:**

اسم مفعول + should/would + have + فاعل

انجام دادن to do

مفرد		جمع	
I should have done.	انجام داده ام.	We should have done.	انجام داده ایم.
You would have done.	انجام داده ای.	You would have done.	انجام داده اید.
He would have done.	انجام داده است. /مذکور/		
She would have done.	انجام داده است. /مؤنث/	They would have done.	انجام داده اند.
It would have done.	انجام داده است. /غیر انسان/		

### شکل سوالی و منفی : Question & Negative Form

You would have done.	انجام داده ای. /جمله مثبت/
Would you have done?	آیا انجام داده ای؟ /جمله سوالی/
We should not /shouldn't/ have done.	انجام نداده ای. /جمله منفی/

### موارد کاربرد زمان آینده در گذشته کامل

در جملات شرطی فرض گذشته جواب شرط به صورت آینده در گذشته کامل است.

مثال:

اگر اینجا آمده بود مسأله را حل می کردیم.

If he had come here, we should have solved the problem.

در نقل قول غیر مستقیم به کار برده می شود.

مثال:

He said that he would have finished his work by the following week.	گفت که کارش را تا هفته بعد تمام کرده است.
---	---

برای بیان کاری که قبل از لحظه معینی که نسبت به زمان گذشته آینده محسوب می شود، تمام و کامل شده باشد.

مثال:

He thought that he would have finished writing of the article by 9:00 the following night.	او تصور می کرد که نوشتمن مقاله را تا ساعت ۹ شب بعد تمام خواهد کرد.
--	--

## جملات معلوم و مجھول فعل معلوم : Active Voice

فعل معلوم، فعلی است که در آن، فاعل، مبتدای جمله بوده، فاعل آن معین و معلوم باشد و به فاعل نسبت داده شود.  
مثال:

I open the door.

در را باز می کنم.

### فعل مجھول : Passive Voice

فعل مجھول، فعلی است که در آن، مفعول، مبتدای جمله است، فاعل آن نامعلومبوده و فعل به مفعول نسبت داده شود./مفعول جای فاعل نشسته است./  
مثال:

The door is opened.

در باز می شود.

اگر به دو جمله بالا توجه شود، در جمله اول، I، فاعل فعل open است که به صورت معلوم به کار رفته است، ولی در جمله دوم the door فاعل نمی باشد، بلکه مفعول اصلی فعل open است. در فعل معلوم، گوینده منظورش بیان صریح فاعل است؛ ولی در مجھول، منظور گوینده بیان صریح مفعول است. در هر حال، در مجھول، منظور گوینده، تأکید روی مفعول و شناساندن آن است. در جملات مجھول گاهی فاعل را در انتهای جمله ذکر می کنند.

باید به این نکته توجه داشت که افعال لازم چون مفعول ندارند، نمی توانند به صورت مجھول در آیند.

مثال:

A baby cries.

بچه گریه می کند.

در جله فوق فعل cry، فعل لازم بوده و جمله نمی تواند به مجھول تبدیل شود.

### چگونگی تبدیل جمله معلوم به مجھول:

جای مفعول را با فاعل عوض میکنند.

زمان فعل معلوم را تعیین کرده، متناسب با آن از فعل to be استفاده می کنند.

اسم مفعول فعل اصلی جمله معلوم را پس از فعل to be می افزایند.

جای قیدها تغییر نمی کند و صفت با اسم خود همراه است.

می توان فاعل را در انتهای جمله پس از حرف اضافه by به کار برد در این صورت فاعلی که پس از by به کار می رود در صورتی که اسم باشد، تغییر نمی کند ولی آگر ضیر فاعلی باشد، به ضمیر مفعولی تبدیل می شود.

در زمان های استمراری بعد از فعل to be / یا مشتقات آن / از لفظ being / نشانه استمرار / استفاده می شود.

اکنون برای مثال، جمله ای را در هر یک از زمان ها، در شکل معلوم و سپس در شکل مجھول بررسی می نماییم:

**زمان حال ساده:**

مثال:

معلوم	مجھول
I write a letter.	A letter is written.
نامه ای می نویسم.	نامه ای نوشته می شود.

**زمان حال استمراری:**

مثال:

معلوم	مجھول
I am writing a letter.	A letter is being written.
در حال نوشتن نامه ای هستم.	نامه ای در حال نوشته شدن است.

**زمان حال کامل /ماضی نقلی/:**

مثال:

معلوم	مجھول
I have written a letter.	A letter has been written.
نامه ای نوشته ام.	نامه ای نوشته شده است.

**زمان حال کامل استمراری:**

مثال:

معلوم	مجھول
I have been writing a letter.	حالت مجھول ندارد.
در حال نوشتن نامه ای می باشم.	نامه ای در حال نوشتن می باشد.

**زمان گذشته ساده:**

مثال:

معلوم	مجھول
I wrote a letter.	A letter was written.
نامه ای نوشتیم.	نامه ای نوشته شد.

**زمان گذشته استمراری:**

مثال:

معلوم	مجھول
I was writing a letter.	A letter was being written.
در حال نوشتن نامه ای بودم.	نامه ای در حال نوشته شدن بود.

زمان گذشته کامل /ماضی بعید/:

مثال:

معلوم	مجھول
I had written a letter.	A letter had been written.
نامه ای نوشته بودم.	نامه ای نوشته شده بود.

زمان گذشته کامل استمراری:

مثال:

معلوم	مجھول
I had been writing a letter.	حالت مجھول ندارد.
در حال نوشتن نامه ای بودم.	

زمان آینده ساده:

مثال:

معلوم	مجھول
I shall write a letter.	A letter will be written.
نامه ای خواهم نوشت.	نامه ای نوشته خواهد شد.

زمان آینده استمراری:

مثال:

معلوم	مجھول
I shall be writing a letter.	A letter will be being written.
در حال نوشتن نامه ای خواهد بود.	نامه ای در حال نوشتہ شدن خواهد بود.

زمان آینده کامل:

مثال:

معلوم	مجھول
I shall have written a letter.	A letter will have been written.
نامه ای نوشته ام.	نامه ای نوشته شده است.

زمان آینده کامل استمراری:

مثال:

معلوم	مجھول
I shall have been writing a letter.	حالت مجھول ندارد.
در حال نوشتن نامه ای خواهم بود.	

زمان آینده در گذشته ساده:

مثال:

معلوم	مجھول
I should write a letter.	A letter would be written.
نامه ای خواهم نوشت.	نامه ای نوشته خواهد شد.

زمان آینده در گذشته استمراری:

مثال:

معلوم	مجھول
I should be writing a letter.	A letter would be being written.
در حال نوشتن نامه ای خواهم بود.	نامه ای در حال نوشته شدن خواهد بود.

زمان آینده در گذشته کامل:

مثال:

معلوم	مجھول
I should have written a letter.	A letter would have been written.
نامه ای نوشته ام.	نامه ای نوشته شده است.

زمان آینده در گذشته کامل استمراری:

مثال:

معلوم	مجھول
I should have been writing a letter.	حالت مجھول ندارد.
در حال نوشتن نامه ای خواهم بود.	

در صورتیکه فاعل برای شنونده مهم باشد، لازم است که بعد از حرف اضافه by، در جمله به کار رود.

John was killed <u>by a wolf</u> .	جان به وسیله یک گرگ کشته شد.
------------------------------------	------------------------------

در جمله فوق عامل کشته شدن جان برای شنونده اهمیت دارد، لذا لازم است فاعل جمله که a wolf می باشد، بعد از حرف اضافه by، به کار رود.

در صورتیکه برای تأکید، مفعول در آغاز جمله قرار گیرد، لازم است حتماً فاعل را برای شناساندن، در انتهای جمله به کار برد.  
مثال:

This play has been written by Shakespeare. این نمایشنامه به وسیله شکسپیر نوشته شده است.

در صورتیکه فاعل برای شنونده اهمیت نداشته باشد، لازم نیست فاعل بعد از by در آخر جمله به کار رود.  
مثال:

students have read this novel in most of the countries.	دانشجویان در اغلب کشورها این داستان را خوانده اند. / معلوم /
This novel has been read in most of the countries.	این داستان در اغلب کشورها خوانده شده است. / مجھول /

در جمله دوم /مجھول/، چون فاعل، students زیاد مورد توجه نیست، لذا در حالت مجھول، در آخر جمله قرار نگرفته است.

## طرز تبدیل جمله امری معلوم به امری مجھول:

در تبدیل فعل امر معلوم به مجھول از فعل let به شکل زیر، استفاده می گردد.

+ Let + اسم مفعول + be + مفعول

مثال:

See the picture.	فیلم را ببینید. /معلوم/
Let the picture be seen.	فیلم دیده شود. /مجھول/
Lift the box.	جعبه را بلند کنید. /معلوم/
Let the box be lifted.	جعبه بلند شود. /مجھول/

در جملاتی که افعال مخصوص در آنها به کار رفته، حالت مجھول با افزودن فعل be یا بعد از افعال مخصوص و اسم مفعول فعل اصلی ساخته می شود.

I must read this book.	من باید این کتاب را بخوانم. /معلوم/
This book <u>must be read</u> .	این کتاب باید خوانده شود. /مجھول/
You ought to see him tonight.	شما باید امشب او را ببینید. /معلوم/
He ought <u>to be seen</u> tonight.	او باید امشب دیده شود. /مجھول/

برای تبدیل جملات مجھول به معلوم، بر عکس قواعد فوق عمل می شود؛ یعنی با حذف حرف اضافه by فاعل را در ابتدای جمله قرار می دهند و در صورتی که به شکل ضمیر باشد، حالت فاعلی به آن می دهند، فعل to be، یا مشتقات آن را حذف می کنند، متناسب با زمان جمله / که از زمان to be تشخیص داده می شود، فعل جمله معلوم را می سازند و بالاخره مبتدا را به جای مفعول قرار می دهند. به جمله های زیر توجه کنید.

مثال:

He was punished by his father.	او توسط پدرش تنبیه شد. /مجھول/
His father punished him.	پدرش او را تنبیه کرد. /معلوم/

## طرز تبدیل جملات سؤالی از حالت معلوم به مجھول:

اگر جمله معلوم با کلمه who آغاز شده باشد، who از جمله حذف شده و به جای آن از کلمه by whom استفاده می گردد، سپس، متناسب با با زمان فعل معلوم، از شکل صحیح فعل استفاده شده و بعد از آن از مفعول و بالاخره از اسم مفعول فعل مورد نظر، استفاده می گردد.

مثال:

<u>Who</u> took the book?	چه کسی کتاب را برداشت؟ /جمله معلوم/
<u>By whom</u> was the book taken?	به وسیله چه کسی کتاب برداشته شد؟ /جمله مجھول/

اگر جمله معلوم با کلمه whom آغاز شود، whom از جمله حذف شده و کلمه who جایگزین آن میگردد و سپس متناسب با زمان فعل معلوم، از شکل صحیح فعل to be استفاده شده و بالاخره اسم مفعول فعل مورد نظر را به آن می افزایند.

مثال:

<u>whom</u> did you see?	چه کسی را دیدید؟ /جمله معلوم /
<u>who</u> was seen?	چه کسی دیده شد؟ /جمله مجهول /

اگر جمله معلوم با what آغاز شود، در شکل مجهول what تغییر نمی کند، سپس متناسب با زمان فعل معلوم، از شکل صحیح فعل to be استفاده شده و بالاخره اسم مفعول مورد نظر را به آن می افزایند.

مثال:

<u>What</u> have you written?	چه نوشته اید؟ /جمله معلوم /
<u>What</u> has been written?	چه نوشته شده است؟ /جمله مجهول /

اگر در آغاز جمله معلوم یکی از کلمات when, how, whose, why باشد، جمله مانند مورد what به مجهول تبدیل می شود.

مثال:

<u>Where</u> will you visit?	کجا را بازدید خواهید کرد؟ /جمله معلوم /
<u>Where</u> will be visited?	کجا بازدید خواهد شد؟ /جمله مجهول /
<u>Why</u> had you done that work?	چرا آن کار را انجام داده بودید؟ /جمله معلوم /
<u>Why</u> had that work been done?	چرا آن کار انجام شده بود؟ /جمله مجهول /

اگر جمله سوالی با یکی از افعال مخصوص، آغاز شده باشد، در حالت مجهول، مفعول همیشه پس از فعل مخصوص قرار گرفته، اسم مفعول فعل در آخر جمله به کار می رود.

مثال:

<u>Did</u> you write your novel?	رمانت را نوشتی؟ /جمله معلوم /
<u>Was</u> your novel written?	رمانت نوشته شد؟ /جمله مجهول /

## نکات سودمند و مهم دربارهٔ فعل مجهول:

مصدر مجهول با کمک فعل to be و اسم مفعول ساخته می‌شود.  
مثال:

to be finished	تمام شدن	to be read	خوانده شدن
to be seen	دیده شدن	to be written	نوشته شدن

فعالی که دارای دو مفعول شخصی و غیر شخصی هستند، در مجهول، می‌توان هر کدام از مفعول‌ها را جانشین فاعل کرد، ولی معمولاً مفعول شخصی یا غیر مستقیم بیشتر جانشین فاعل می‌شود.

مثال:

someone gave <u>her</u> a prize.	کسی به او جایزه داد. / جمله معلوم /
<u>She</u> was given a prize.	به او جایزه داده شد. / جمله مجهول / این حالت معمول تر است.
<u>A prize</u> was given to her.	جایزه ای به او داده شد. / جمله مجهول /

به دنبال فعل مجهول معمولاً مصدر با to به کار می‌رود و تنها فعل let از این قانون مستثنی می‌باشد.

مثال:

He made us work.	او ما را وادار کرد که کار کنیم. / جمله معلوم /
We were made to work.	ما وادار به کار کردن شدیم. / جمله مجهول /
we saw them go out.	آنها را دیدیم که خارج شدند. / جمله معلوم /
They were seen to go out.	آنها هنگام بیرون رفتن دیده شدند. / جمله مجهول /
They let us go.	آنها به ما اجازه دادند که برویم. / جمله معلوم /
We were let go.	به ما اجازه داده شد که برویم. / جمله مجهول /

قید حالت معمولاً در جملات مجهول بعد از فعل to be و قبل از اسم مفعول فعل اصلی قرار می‌گیرد.

مثال:

The letter was carefully written.	نامه با دقت نوشته شد.
-----------------------------------	-----------------------

فعالی که مفهوم احتیاج و لزوم را می‌رسانند بهتر است به دنبال آنها به جای مصدر مجهول، اسم مصدر به کار برده شود.

مثال:

The room needs <u>repainting</u> .	اتاق نیاز به نقاشی دوباره دارد.
The room needs <u>to be repainted</u> .	اتاق نیاز به نقاشی دوباره دارد.

**موارد کاربرد فعل مجھول:**

در مواقعی که در جمله، مفعول بیشتر از فاعل مورد نظر باشد.

مثال:

The murderer was hanged.

قاتل بالای دار رفت.

هنگامی که مبتدای جمله معلوم، بی اهمیت بوده و یا معلوم و مشخص نیاشد.

مثال:

It is said that he is ill.

می گویند که او بیمار است.

وقتی که فاعل فعل جمله معلوم نباشد.

مثال:

He has been taken to hospital.

او به بیمارستان برده شده است.

در مواردی که گوینده، به دلایلی نخواهد فاعل را ذکر کند.

مثال:

I was informed that you would leave for New York.

مطلع شدم که شما به نیویورک خواهید رفت.

## جملات شرطی: Conditional Sentences:

جمله شرطی جمله‌ای است که در زبان فارسی معمولاً با کلمه "اگر" و در انگلیسی با if و یا کلماتی که به این معنی باشند، آغاز می‌شود. هر جمله شرطی از دو قسمت تشکیل می‌شود: سؤال شرط / if Clause و جواب یا جزای شرط / the answer/. قسمت سؤال شرط را Main Clause و جزای شرط را Subordinate Clause نیز می‌گویند. بطور کلی می‌توان گفت که انجام فعل جواب یا جزای شرط، رابطه کاملاً مستقیمی با انجام فعل سؤال شرط دارد.

مثال:

If I felt early, I should get the train. اگر زود حرکت می‌کرم، به قطار می‌رسیدم.

در صورتی که سؤال شرط در آغاز جمله قرار گیرد، آن را به وسیله علامت ویرگول (,) از بقیه جمله جدا می‌کنند، ولی چنانچه سؤال شرط بعد از جواب در آید، نیازی به علامت ویرگول (اما)، نمی‌باشد.

مثال:

I should get the train If I felt early. به قطار می‌رسیدم اگر زود حرکت می‌کرم.

در زبان انگلیسی، سه نوع جمله شرطی وجود دارد:

آینده ممکن: Future- Possible:

حال غیر ممکن: Present- Unreal:

گذشته غیر ممکن: Past-Unreal:

### آینده ممکن : Future- Possible

اگر جمله شرط، /If clause/، دارای فعل زمان حال ساده باشد، جمله دوم باید دارای زمان آینده ساده / شکل ساده فعل + will / باشد و این جمله را آینده ممکن گویند.

مثال:

If he comes, we will go to the cinema. اگر او بیاید، به سینما خواهیم رفت.

### حال غیر ممکن : Present- Unreal

اگر جمله شرط ، /If clause/، دارای فعل گذشته باشد، جمله دوم باید دارای فعل زمان آینده در گذشته ساده / شکل ساده فعل would باشد و این جمله را حال غیر ممکن گویند.

مثال:

If he came, we would go to the cinema. اگر او می‌آمد، به سینما می‌رفتیم.

## آینده ممکن : Future-Possible

اگر جمله شرط، /If clause/، دارای فعل گذشته کامل /ماضی بعید/ باشد، جمله دوم باید دارای زمان آینده در گذشته کامل /اسم مفعول فعل اصلی /باشد و این جمله را گذشته غیر ممکن نامند.

مثال:

If he <u>had come</u> , we <u>would have gone</u> to the cinema.	اگر او آمده بود، ما به سینما می رفیم.
--	---------------------------------------

اگر جمله دوم شرطی دارای فعل زمان آینده ساده، /will+be/ باشد، فعل ساده فعل am,is,are در جمله be به تبدیل می شود. مثال:

If she is at the party tonight, I will accept your invitation by all means.	اگر او در میهمانی امشب باشد، من با کمال میل دعوت شما را خواهم پذیرفت.
---	---

در صورتی که جمله دوم شرطی دارای فعل زمان آینده در گذشته ساده /would + فعل ساده be/ باشد، فعل if، برای تمام ضمایر فعل were می باشد.

مثال:

If I were you, I wouldn't go to the cinema.	اگر من به جای شما بودم، به سینما نمی رفتم.
If we were you, we wouldn't go to the cinema.	اگر ما به جای شما بودیم، به سینما نمی رفیم.
If he were you, he wouldn't go to the cinema.	اگر او به جای شما بود، به سینما نمی رفت.

اگر جمله دوم شرطی دارای یکی از افعال کمکی may, can, shall در آن جمله افعال will یا would به کار نمی رود، زیرا که و shall جای فعل will و گذشته آنها یعنی might و would could جای فعل may, can را می گیرند.

مثال:

If Betty comes, we may study.	اگر بتی بیاید، ما ممکن است درس بخوانیم.
If Betty came, we might study.	اگر بتی می آمد، ما ممکن بود درس بخوانیم.
If Betty had come, we might have studied.	اگر بتی آمده بود، ما ممکن بود درس بخوانیم.
If we had hurried, we could have arrived on time.	اگر عجله کرده بودیم، به موقع می رسیدیم.

اگر جمله دوم شرطی، امری باشد، فعل آن تغییر نمی کند.

مثال:

If you go there, <u>buy</u> me a newspaper.	اگر به آنجا می روی، برای من یک روزنامه بخر.
---	---

## Subjunctive Mood I wish بیان آرزو – ای کاش

وجه التزامی / بیان آرزو / ای کاش .../... کاش

wish به عنوان یک فعل اصلی به معنی "خواستن" و مترادف فعل want است. فعل بعد از آن به صورت مصدر با to به کار می‌رود. مثال:

I wish to go abroad some day.	می خواهم روزی به خارج بروم.
I wish to study English literature.	می خواهم رشته ادبیات انگلیسی بخوانم.

اما هر گاه بعد از wish + فاعل /، یک جمله دیگر به کار برود، به معنی "ای کاش" است و در این حالت جمله بعد از آن یک عمل غیر واقعی را نشان می‌دهد. جمله بعد از آن دارای وجه التزامی است.

مثال:

I wish I were a teacher.	ای کاش من یک معلم بودم. / الان معلم نیستم. /
I wish she had seen me yesterday.	ای کاش او مرا دیروز دیده بود. / او دیروز مرا ندید. /

بعد از wish + فاعل / ضمیر موصولی that نیز می‌تواند به کار برود که قابل حذف نیز می‌باشد.

مثال:

I wish / <u>that</u> / I could go to Shiraz.	ای کاش می توانستم به شیراز بروم.
--	----------------------------------

چگونگی کاربرد wish + فاعل در سه زمان حال، گذشته و آینده به ترتیب به شرح زیر می‌باشد:

**"برای بیان آرزو در زمان حال: +wish فاعل"**

در این حالت فعلی که بعد از wish + فاعل برای بیان آرزو در زمان حال به کار می‌رود، به شکل زمان گذشته ساده و یا گذشته استمراری بوده ولی مفهوم جمله در زمان حال است. ضمناً بعد از wish + فاعل، به جای was از استفاده می‌گردد.  
مثال:

I wish Yalda <u>were</u> here now.	ای کاش یلدا الان اینجا بود.
I wish I <u>had</u> more money now.	ای کاش پول بیشتری داشتم. /ولی ندارم./
I wish I <u>were</u> you.	ای کاش من جای تو بودم.
I wish I <u>saw</u> her today.	ای کاش امروز او را می‌دیدم.
I wish he was coming with us now.	ای کاش اکنون او با ما می‌آمد.
I wish I <u>were traveling</u> to London now.	ای کاش اکنون در حال سفر به لندن بودم.

**:+wish فاعل برای بیان آرزو در زمان گذشته**

در این حالت، فعلی که بعد از I wish برای بیان آرزو در زمان گذشته به کار می‌رود، به شکل زمان ماضی بعید و یا آینده در گذشته کامل could/would have+ p.p استفاده می‌شود.  
مثال:

I wish he <u>had written</u> the letter yesterday.	ای کاش دیروز نامه را نوشته بود.
I wish I <u>had gone</u> to England instead of to China.	ای کاش من به جای رفتن به چین، به انگلستان رفته بودم.
He wished he <u>had worked</u> harder.	او آرزو دارد که سخت تر کار می‌کرد.
I wish she <u>had been</u> here yesterday.	ای کاش دیروز او در اینجا بود.
I wish I'd known that Amir was ill. I <u>would have gone</u> to see him. but I didn't know.	ای کاش می‌دانستم که امیر مریض بود. به دیدار او می‌رفتم. /ولی نمی‌دانستم./
The weather was cold while we were away.I wish it <u>had been</u> warmer.	هنگامی که بیرون بودیم هوا سرد بود. ای کاش هوا گرم تر می‌بود.

## wish + فاعل برای بیان آرزو در زمان آینده:

در این حالت، فعلی که بعد از wish I برای بیان آرزو در زمان آینده به کار میروند، به شکل زمان آینده در گذشته ساده، شکل ساده فعل + would/could استفاده می‌شود.

مثال:

I wish it <u>would stop</u> raining tomorrow.	ای کاش فردا بارندگی قطع شود.
I wish the train <u>would come</u> .	ای کاش قطار بیاید.
I can't go to the party /and I'd like to/. I wish I <u>could go</u> to the party.	من نمی‌توانم به میهمانی بروم /و دوست دارم که بروم/. ای کاش می‌توانستم به میهمانی بروم.

## wish در حکم بیان آرزو برای دیگران:

مثال:

He wished us long life and happiness.	او برای ما آرزوی سعادت و عمر طولانی کرد.
I wish you a safe journey.	برای شما آرزوی سفری بی خطر دارم،/سفری امن و بی خطر برایتان آرزو می‌کنم.

wish در معنای /تمایل زیاد داشتن/ نیز به کار می‌رود ولی در این حالت بعد از آن از مصدر با to استفاده می‌گردد.

مثال:

I wish <u>to pass</u> this examination.	خیلی دلم می‌خواهد از این امتحان قبول شوم.
---	---

گاهی اوقات جملاتی با قیود تکرار usually، never، always، یا بیان می‌شوند که در ادامه باید از "ای کاش" استفاده کنیم. این جملات معمولاً برای بیان شکیت و یا نارضایتی مطرح می‌شوند. در این حالت چون کاری بعد از آن زمان باید انجام بگیرد دیگر قطع شود به آینده دلالت میکند و فعل جمله بعد از "ای کاش" به صورت /شکل ساده فعل would + به کار می‌رود.

مثال:

She always leaves the door open. I wish she <u>wouldn't leave</u> the door open.	او همیشه در را باز می‌گذارد. ای کاش او در را باز تگذارد.
--	--

## اسم مصدر : Gerund

اسم مصدر: با افزودن ing به آخر افعال اسم مصدر /gerund/ ساخته می شود. مانند driving, playing , swimming در زبان انگلیسی تعدادی افعال و اصطلاحات به شرح ذیل وجود دارد که فعل بعد از آنها ing می گیرد.

enjoy	لذت بردن	dislike	متنفر بودن
mind	اهمیت دادن	consider	مالحظه کردن
stop	متوقف شدن	appreciate	قدرتانی کردن
finish	تمام کردن	be worth	ارزش داشتن
admit	پذیرفتن	no use	بی استفاده بودن
risk	به خطر انداختن	can't help	چاره ای نداشتن
deny	انکار کردن	avoid	اجتناب کردن

بعد از هر حرف اضافه ای به جز to، فعل ing می گیرد. حروف اضافه مهمی که فعل بعد از آنها ing می گیرد عبارتند از: with, by, for, from, of, at, on, in, about, after, without, before

## وجه وصفی: Participle:

وجه وصفی شکلی از فعل است که دارای دو حالت فعلی و وصفی است.  
وجه وصفی بر دو دسته تقسیم می‌شود:

**وجه وصفی فاعلی:** Present Participle:

**وجه وصفی مفعولی:** Past Participle:

چنانچه کلمه دراین دو حالت وظیفه فعلی داشته باشد، اسم فاعل و اسم مفعول، ولی اگر وظیفه وصفی داشته باشد، صفت فاعلی و صفت مفعولی نامیده می‌شود.

برای ساختن وجه وصفی مفعولی /اسم مفعول/ در افعال با قاعده، d یا ed به آخر فعل اضافه می‌کنند و افعال بی قاعده هم هر یک دارای شکل خاصی هستند.

وجه وصفی مفعولی /با قاعده/ mended ، وجه وصفی مفعولی /بی قاعده/ fallen  
برای ساختن وجه وصفی فاعلی کافی است به آخر مصدر ساده ing اضافه کنند. مانند writing و coming

**موارد استعمال صفت فاعلی:**

مثل یک صفت، اسمی را توصیف می‌کند.  
مثال:

A running man

مرد دونده

در عبارات وصفی به کار رفته ، معمولاً بعد از موصوف قرار می‌گیرد.  
مثال:

The man teaching English, is my father.

مردی که انگلیسی تدریس می‌کند، پدر من است.

عبارات وصفی چنانچه همراه قید باشد، قبل از موصوف و بعد از آن قرار می‌گیرد.  
مثال:

Lying on his bed, heard a loud noise.

در بسترش درازکشیده، جیغ بلندی کشید.

در صورتی که عبارت وصفی، به صورت وجه وصفی کامل باشد می‌توان طبق مورد فوق، عمل کرد.  
مثال:

Having done my homework, I left school.

تکالیفم را انجام داده، مدرسه را ترک کدم.

**موارد استفاده صفت مفعولی:**

مانند یک صفت، اسمی را توصیف می‌کند.

a fixed price

قیمت مقطوع

در عبارات وصفی به کار می‌رود و معمولاً بعد از موصوف قرار می‌گیرد.

The dog sat on my knee is hers.

سگی که روی زانوی من نشسته، مال اوست.

## نقل قول مستقیم و غیر مستقیم: Direct and Indirect Speech

اگر گفتار شخصی را بدون تغییر بیان کنیم آن جمله را نقل قول مستقیم گویند که باید داخل علامت نقل قول "Quotation mark" نوشته شود و کلمه اول با حرف بزرگ شروع می‌شود و اگر کلمات جمله را طوری تغییر دهیم که مفهوم جمله عوض نشود آن جمله را نقل قول غیر مستقیم گویند که احتیاجی به علامت نقل "... ندارد و کلمه اول با حرف کوچک نوشته می‌شود. هر جمله نقل قول از دو جمله تشکیل می‌شود، جمله داخل علامت نقل قول را جمله اصلی و جمله خارج علامت را جمله ناقل گویند.

مثال:

He said to me, "I go to school every day." او به من گفت: "من هر روز به مدرسه می‌روم".

در جمله بالا، جمله قبل از علامت نقل قول را جمله ناقل و جمله بعد از علامت نقل قول را جمله اصلی گویند. طریقه تبدیل جملات نقل قول مستقیم به غیر مستقیم: برای این منظور، چهار نوع جمله را بررسی می‌کنیم.

Statements:

جملات خبری / اظهاری /:

Imperatives:

جملات امری:

Questions:

جملات پرسشی / استفساری /:

Exclamations and Wishes:

جملات صوتی یا ندایی و آرزو:

**جملات خبری / اظهاری /Statements:**

طریقه تبدیل جملات خبری مستقیم به غیر مستقیم:

بعد از جمله ناقل کلمه that به کار می‌رود. البته ممکن است گاهی that حذف شود. (بیشتر در مکالمه / در جمله ناقل to said به told تبدیل می‌شود).

اگر فاعل جمله داخل علامت نقل قول یکی از ضمایر فاعلی باشد، مطابق فاعل جمله ناقل تغییر می‌کند. البته باید در نظر گرفت که ضمایر بر حسب اینکه گوینده چه کسی است و نقل قول کننده چه کسی، تغییر می‌کنند. و متعاقب آن سایر ضمایر و صفات ملکی تغییر می‌کنند ولی اگر فاعل اسم باشد بدون تغییر تکرار می‌شود.

اگر فعل ناقل در گفتار مستقیم در زمان حال یا آینده و یا حال کامل باشد طبق قاعدة تطابق زمان‌ها، در گفتار غیر مستقیم در زمان افعال نقل قول، تغییری پیش نمی‌آید.

نقل قول مستقیم	نقل قول مستقیم
He says, "I am writing an English composition at the moment."	He says that he is writing an English composition at the moment.

اگر فعل ناقل گفتار مستقیم در زمان گذشته باشد، برای تطابق زمان‌ها، زمان افعال به شرح زیر تغییر می‌یابد:

حال ساده به گذشته ساده	حال استمراری به گذشته استمراری
حال کامل به گذشته کامل	حال کامل استمراری به گذشته کامل استمراری
آینده ساده به آینده در گذشته ساده	آینده استمراری به آینده در گذشته استمراری
آینده کامل استمراری به آینده در گذشته کامل استمراری	آینده کامل به آینده در گذشته کامل استمراری

مثال:

آینده در گذشته ساده	آینده ساده	حال ساده	گذشته استمراری	حال استمراری	گذشته ساده	go
						went

مثال:

نقل قول مستقیم	نقل قول مستقیم
He said to me, "I go to my school everyday."	He told me that he went to his school everyday.
She said to me, "I go to my office every day."	She told me that she went to her office every day.
You said to me, "I went to my office."	You told me that you had gone to your office.
Mary said, "I am going to see my friend."	Mary said that she was going to see her friend.
She said, "Mary was happy."	She said that Mary had been happy.

تمام کلمات و قید‌هایی که حاکی از نزدیکی هستند، در کلام غیر مستقیم به الفاظ و قیود دور تبدیل می‌شوند. جدول تغییرات این کلمات و قیود به شرح زیر است:

گفتار مستقیم	گفتار غیر مستقیم
this	that
these	those
here	there
now	then
thus	so
today	that day
tonight	that night
tomorrow	the next day
next week /month/year/	the following week, etc.
yesterday	the day before/the previous day
last week /month, year/	the week before, etc./the previous week, etc.
last night	the night before/the previous night
just	then
ago	before

## جملات امری :Imperatives

طریقہ تبدیل جملات امری مستقیم به غیر مستقیم:

به جای فعل ناقل، از افعال told و یا asked /اگر مؤدبانه باشد/ و فعل ordered /اگر به صورت دستور باشد/، استفاده می کنیم.  
جمله امری داخل علامت نقل قول یا مثبت است یا منفی، اگر امری مثبت باشد، برای تبدیل آن به غیر مستقیم، قبل از فعل امر در اول جمله to به کار می رود و صفات و ضمایر را تغییر می دهیم.

مثال:

نقل قول مستقیم	نقل قول مستقیم
John said to me,"Open your book."	John <u>told</u> me <u>to open my book</u> .

در صورتی که جمله امری، منفی باشد، به جای not to دو کلمه Don't را به کار می بریم و صفات و ضمایر را تغییر می دهیم.

مثال:

نقل قول مستقیم	نقل قول مستقیم
She said to us,"Don't open your books."	He <u>told</u> us <u>not to open our books</u> .

## جملات پرسشی /استفهامی:/ :Questions

طریقہ تبدیل جملات سؤالی مستقیم به غیر مستقیم:

در انگلیسی سؤال به دو نحو تشکیل می شود:

به وسیله یکی از افعال مخصوص مانند: May I go? و یا به وسیله یکی از کلمات نه گانه استفهام مانند: Whom did you see? با توجه به دو حالت استفهام، برای تبدیل جملات سؤالی از حالت مستقیم به غیر مستقیم باید به نکات زیر عمل نمود.  
فعل خارج از علامت نقل قول، به یکی از افعال پرسشی want to know, inquire, ask تبدیل می شود.

اگر فعل جمله سؤالی به وسیله یکی از افعال مخصوص آغاز شود، در سؤال غیر مستقیم، پس از به کار بردن فعل ناقل ask و غیره و حذف علائم نقل قول، برای ربط جمله داخل علامت نقل قول با فعل ناقل، یکی از کلمات if یا whether را به کار می برد.

اگر فعل جمله سؤالی به وسیله یکی از کلمات استفهامی مانند where و غیره آغاز شده باشد کاربرد یکی از دو کلمات ربط if یا whether لزومی نخواهد داشت، زیرا کلمات استفهام خودشان می توانند کار ربط را انجام دهند.

نقل قول از شکل سؤالی به صورت خبری در می آید، یعنی فاعل قبل از فعل قرار گرفته ، کلماتی مانند did, does, do حذف می شود.  
ضمایر طبق حالت خبری تغییر می یابند.

زمان فعل نقل قول، در صورتی که فعل ناقل، گذشته باشد، یک زمان به عقب می‌رود. تغییرات دیگر از جمله تغییر قیود و بعضی کلمات دیگر، مانند حالت خبری است. و بالاخره باید توجه داشت که در جملات غیر مستقیم همواره به جای علامت سؤال آخر جمله، نقطه قرار می‌گیرد. مثال:

نقل قول مستقیم	نقل قول مستقیم
He said to me, "Did you go there yesterday?"	He <u>asked</u> me <u>if I had gone</u> there <u>the day before</u> .
He said to me, "What are you writing now?"	He <u>asked</u> me <u>what I was writing</u> then.

اگر کلمه استفهام همراه اسم باشد، کلمه استفهام و اسم را با هم می‌نویسیم.  
مثال:

نقل قول مستقیم	نقل قول مستقیم
She said to Mary, "What time will you come back?"	She <u>asked</u> Mary what time she would come back.

و if می‌توانند در حالت غیر مستقیم به جای هم به کار روند. whether هم به معنی if و هم به معنی if not است؛ ولی غالباً حرف ربط if کاربرد دارد.

### جملات صوتی یا ندایی و آرزو :Exclamations and Wishes

برای تبدیل اینگونه جمله‌ها به حالت گفتار غیر مستقیم، بایستی فعل ناقل، مبین نوع ندا و آرزو باشد. برای ربط فعل معرف با قسمت جمله داخل علامت نقل قول، غالباً مانند جمله‌های خبری عمل می‌کنند؛ ولی ممکن است با استفاده از to و گاهی بدون ربط و بر اساس معنی، فعل معرف را با جمله داخل علامت نقل قول مربوط ساخت. فعل ناقل در غیر مستقیم در جمله‌های ندا و آرزو بیشتر افعالی از قبیل cry, exclaim, wish, pray, applaud می‌باشد.

نقل قول مستقیم	نقل قول مستقیم
He said, "Oh! What a beautiful sunset it is!"	He <u>exclaimed</u> what a beautiful sunset it was.
He said, "Alas! It is your sacrifice."	He <u>cried</u> with sorrow that it was my sacrifice.
He said, "Bravo! You have won your race."	He <u>applauded</u> him, saying that he had won his race.

## وجه سببی: Causative Form

بعضی کارها از عهدهٔ ما ساخته نیست، طبیعتاً به وسیلهٔ متخصصین یا اشخاص دیگر انجام می‌شود که در اکثر جملات فارسی به کننده کار اشاره نمی‌شود. برای ساختن جملات سببی با در نظر گرفتن این که سببی از نوع مجھول باشد و یا معلوم از یکی از دو فرمول زیر استفاده می‌شود.

### وجه سببی مجھول:

برای ساختن وجه سببی مجھول از فرمول زیر استفاده می‌شود.

اسم مفعول + مفعول have/get + فاعل

مثال:

Hassan had/got his shoes polished.	حسن داد کفش هایش را واکس زند.
I had/got my radio fixed last year.	سال گذشته رادیو ام را تعمیر کرد
I have/get my hair cut every week.	هر هفته سرم را اصلاح می کنم.
He has/gets his house painted every year.	او هر سال منزلش را نقاشی می کند.
I will have/get my car painted tomorrow.	فردا می دهم اتومبیلم را نقاشی کنم.

### وجه سببی معلوم:

برای ساختن وجه سببی معلوم از فرمول های زیر استفاده می‌شود.

مفوعول + مصدر بدون to + عامل انجام کار + have + فاعل

مفوعول + مصدر با to + عامل انجام کار + get + فاعل

مثال:

He <u>had</u> the shoe-maker <u>mend</u> his shoes.	او کفش هایش را داد کفایش تعمیر کند.
He <u>got</u> the shoe-maker <u>to mend</u> his shoes.	او کفش هایش را داد کفایش تعمیر کند.

باید توجه کرد که شکل سببی را در زمان‌های مختلف می‌توان به کار برد.

## افعال دو کلمه‌ای: Phrasal Verbs /Two-word Verbs:

افعال دو کلمه‌ای عبارتند از افعال مرکبی که از یک فعل به اضافه یک ضمیمه یا دنباله قیدی تشکیل می‌شود. اینگونه افعال را افعال ترکیبی، ترکیبات فعل به اضافه قید و یا فعل به اضافه حرف اضافه نیز می‌گویند.

مثال:

take off	بیرون آوردن لباس	fill in	نوشتن و پر کردن
put on	پوشیدن	pick up	برچیدن، سوار کردن مسافر
fill out	تمکیل کردن	turn down	کم کردن صدا

در افعال دو کلمه‌ای معمولاً فشار صدا بر روی ضمیمه یا دنباله کوتاهی است که بعد از فعل می‌آید، یعنی دنباله قیدی دارای تکیه اصلی صدا است ولی در ترکیب فعل با حرف اضافه، فشار صدا بر روی خود فعل است.

در مورد افعال دو کلمه‌ای، گاهی می‌توان دنباله قیدی آن را بعد از مفعول قرار داد ولی در ترکیبات فعل و حرف اضافه، چنین تغییری هیچگاه امکان ندارد.

افعال دو کلمه‌ای به دو دسته، جدا نشدنی و جدا شدنی تقسیم می‌شوند.

## افعال دو کلمه‌ای جدا نشدنی :Inseparable Two-word Verbs

در افعال دو کلمه‌ای جدا نشدنی دنباله قیدی همیشه بلافاصله بعد از فعل آورده می‌شود و مفعول چه اسم باشد و چه ضمیر، بعد از دنباله قیدی قرار می‌گیرد و تحت هیچ گونه شرایطی نمی‌توان دنباله قیدی را از فعل جدا کرده، بعد از مفعول قرار داد.

مفعول + دنباله قیدی + فعل

مثال:

He <u>ran into</u> <u>his old friend</u> yesterday.	او دیروز تصادفاً دوستش را دید.
I am going to <u>call on</u> <u>him</u> tomorrow.	در نظر دارم فردا به او تلفن کنم.

## افعال دو کلمه‌ای جدا شدنی :Separable Two-word Verbs

در مورد افعال دو کلمه‌ای جدا شدنی، هم می‌توان مفعول اسمی را بعد از دنباله قیدی قرار داد و هم می‌توان آن را بین مفعول و دنباله قیدی آورد. مثلاً هر دو جمله زیر را می‌توان با یک مفهوم به کار برد.

مفعول + دنباله قیدی + فعل

He <u>took off</u> <u>his coat</u> yesterday.	او دیروز کتش را بیرون آورد.
The waiter <u>made out</u> <u>the bill</u> .	مستخدم صورت حساب را تنظیم کرد.

## دنباله قیدی + مفعول + فعل

He took his coat off yesterday.

او دیروز کتتش را بیرون آورد.

The waiter made the bill out.

مستخدم صورت حساب را تنظیم کرد.

در اینجا باید خاطر نشان ساخت که تشخیص افعال دو کلمه ای جدا شدنی از افعال دو کلمه ای جدا نشدنی، همیشه کار اسانی نیست و این امر تابع قاعده معینی نبوده، بلکه به تمرين زیاد بستگی دارد.

نکته مهم دیگری که در مورد این افعال باید در نظر داشت، این است که در تحت بعضی شرایط عوض کردن جای مفعول اسمی و دنباله قیدی امکان پذیر نیست. به عبارت دیگر تمام افعال دو کلمه ای، حتی جدا شدنی را نمی‌شود همیشه از هم جدا کرد و مفعول را بین آنها قرار داد. برای مثال فعل دو کلمه ای give up را به معنای "تسليیم شدن، دست کشیدن"، در نظر بگیرید. این فعل در شرایط معمولی جدا شنی بوده و می‌توان مفعول اسمی را بین فعل و دنباله قیدی قرار داد. ولی مواردی پیش می‌آید که در مورد همین فعل نیز نمی‌توانیم مفعول را بین دو قسمت آن قرار دهیم و حتماً دنباله قیدی باید بالا فاصله بعد از فعل قرار داده شود.

## مفعول + دنباله قیدی + فعل

مثالاً می‌توانیم بگوییم:

He gave up hope.

او قطع امید کرد.

ولی هیچ وقت نمی‌گوییم:

He gave hope up.

او قطع امید کرد.

جمله فوق از نظر گرامری نادرست است.

البته گاهی نیز اتفاق میافتد که مفعول فقط باید بین فعل و دنباله قیدی قرار گیرد و هیچ شکل دیگری از آن قابل قبول نخواهد بود. مثلاً می‌گوییم:

The escaped prisoner gave himself up.

زنданی فراری خود را تسليیم کرد.

ولی هرگز نمی‌گوییم:

The escaped prisoner gave up himself.

زندانی فراری خود را تسليیم کرد.

اما موارد زیادی هست که هر یک از دو شکل را بطور دلخواه می‌توان به کار برد.  
در موارد زیر مفعول باید حتماً بین دو قسمت افعال دو کلمه ای قرار گیرد:  
وقتیکه مفعول، ضمیر مفعولی و یا ضمیر انعکاسی باشد.  
مثال:

The radio is too load; please turn it down.

صدای رادیو خیلی بلند است، لطفاً آن را کم کنید.

ولی چنانچه مفعول، اسم باشد، هم می توان آن را بین دو قسمت فعل قرار داد و هم بعد از دنباله قیدی، هر دو صحیح و مصطلح بوده و هیچ فرقی با هم ندارند.

مثال:

He <u>turned on</u> the TV.	او تلویزیون را روشن کرد.
He <u>turned the TV on</u> .	او تلویزیون را روشن کرد.

در صورتیکه مفعول، ضمیر باشد، حتماً باید بین دو قسمت فعل یا به عبارت دیگر قبل از دنباله قیدی قرار بگیرد.

مثال:

The radio is too loud; please <u>turn it down</u> .	صدای رادیو خیلی بلند است، لطفاً آن را کم کنید.
We don't need the light; please <u>turn it off</u> .	به روشنایی نیاز نداریم، لطفاً لامپ را خاموش کنید.
The fugitive <u>gave himself up</u> .	شخص فراری خودش را تسليم کرد.

در جمله سوم، ضمیر، himself، به صورت ضمیر انعکاسی به کار برده شده است.

غیر از ضمایر مفعولی و انعکاسی که حتماً باید بین فعل و دنباله قیدی آن قرار گیرند، ضمایر دیگر را می توان در شرایط معمولی، بعد از دنباله قیدی نیز قرار داد.

مثال:

Whoever else <u>gives up his seat</u> , I shall not give up mine.	هر کس دیگری که بخواهد می تواند صندلیش را ببخشد، ولی من مال خودم را از دست نخواهم داد.
--	--

چنانکه می بینیم در جمله فوق کلمه mine ضمیر ملکی است که بعد از up که دنباله قیدی می باشد، آورده شده است.

محل ضمایر اشاره those, these, that, this تأکیدی آنها دارد.

مثال:

Take <u>this</u> down.	این مطلب را یادداشت کن / به حافظه ات اعتماد نکن /
Take down <u>this</u> .	این مطلب را یادداشت کن / انه چیز دیگری را /

وقتیکه دو دنباله قیدی با هم ترکیب شده و دنباله قیدی مرکبی درست کرده باشند، مانند دنباله های قیدی in and out, up and down, off and on

اگر هر یک از این دنباله های قیدی به تنها ی همراه فعل آورده شود، امکان آوردن مفعول بعد از آنها وجود دارد. ولی هر گاه دو قید با هم ترکیب شوند، فقط انها را باید بعد از مفعول قرار داد. بدین معنی که مفعول بین فعل و دنباله های قیدی آورده می شود.

مثال:

He turned on the light.	او چراغ را روشن کرد.
He turned off the light.	او چراغ را خاموش کرد.
He turned the light on and off.	او چراغ را روشن و خاموش کرد.
He pulled up the blind.	او پشت دری را بالا زد.
He pulled down the blind.	او پشت دری را پایین کشید.
He pulled the blinds up and down.	او پرده ها را بالا و پایین کشید.

## ضمیمه های قیدی:

ضمیمه های قیدی را برای اظهارات امری بدون آوردن فعل نیز به کار می بردند. در اینگونه اظهارات بعد از ضمیمه قیدی، معمولاً حرف اضافه آورده می شود.

مثال:

Off with you!	بروید سر کارتان.
Off with his head!	سرش را از تنیش جدا کنید.
Out with him!	بیرونش کنید.
Down with he traitors!	مرگ بر خائنین.

برای دستورات دوستانه دنباله قیدی را قبل از فاعل می آورند.

مثال:

Off you go!	بگذار و برو.
!Away you run	فرار کن
In you come!	بیا تو / بیا داخل /.

## افعال سه کلمه ای : Three-word Verbs

گاهی اوقات بعد از فعل، دو ضمیمه به دنبال یکدیگر آورده می شود که اولین دنباله مربوط به فعل بوده و قید می باشد و دنباله دیگر به اسم بعد از آن نسبت داده شده و حرف اضافه می باشد. این دسته از افعال که آنها را افعال سه کلمه ای گویند، همگی جدا نشدنی بوده و از اصطلاحات زبان انگلیسی به شمار می آیند.

مثال:

I can't put up with that things.	من نمیتوانم این شخص را تحمل کنم.
Some people never run out of things.	بعضی از مردم، هیچگاه دچار کمبود نمی شوند.

و اینک نمونه های بیشتری از این افعال:

to get through with	خاتمه دادن
to look in on	ملاقات کوتاه
to look forward to	انتظار داشتن
to look down on	با تحقیر نگریستن
to look up to	با نظر تحسین نگریستن
to keep up with	موافق اوضاع روز رفتار کردن

## زمان حال کامل استمراری /ماضی نقلی استمراری / Present Perfect Continuous Tense :

**طرز تشکیل:** Formation:

**شکل مثبت:** Affirmative Form:

فعال + have/has + been + ing

برای تشکیل زمان حال کامل استمراری ابتدا زمان حال فعل to have را صرف می کنیم، سپس اسم مفعول فعل to be را که می باشد بعد از آن قرار می دهیم و به آخر زمان حال فعل اصلی ing می افزاییم.

**مثال:**

She has been talking for two hours. او دو ساعت است که مشغول صحبت کردن است.

صحبت کردن to talk

فرد		جمع	
I have been talking.	مشغول صحبت کردن هستم.	We have been talking.	مشغول صحبت کردن هستیم.
You have been talking.	مشغول صحبت کردن هستی.	You have been talking.	مشغول صحبت کردن هستید.
He has been talking.	مشغول صحبت کردن است. / مذکرا /		
She has been talking.	مشغول صحبت کردن است. / مؤنث /	They have been talking.	مشغول صحبت کردن هستند.
It has been talking.	مشغول صحبت کردن است. / غیر انسان /		

## موارد کاربرد زمان حال کامل استمراری:

برای بیان عملی که در گذشته ادامه داشته و هنوز هم ادامه دارد.  
مثال:

He has been walking in the street for three hours.	او سه ساعت است که در خیابان مشغول قدم زدن است.
--	--

He has been eating for about half an hour.	نزدیک نیم ساعت است که مشغول خوردن است.
--	--

برای بیان عملی که در گذشته نزدیک انجام گرفته ولی زمان آن ذکر نشده باشد.  
مثال:

He has been speaking about the matter.	او راجع به آن موضوع صحبت می کرده است.
--	---------------------------------------

## شكل سوالی و منفی:

برای سوالی و منفی کردن این زمان مانند زمان حال کامل تغییرات بر روی فعل have صورت می‌گیرد.  
مثال:

He has been swimming for half an hour.	او نیم ساعت است که مشغول شنا کردن است. / مثبت /
--	---

Has he been swimming for half an hour.	آیا او نیم ساعت است که مشغول شنا کردن است؟ / سوالی /
--	--

He has not been swimming for half an hour.	او نیم ساعت نیست که مشغول شنا کردن است. / منفی /
--	--

## زمان گذشته کامل استمراری /ماضی بعید استمراری/: Past Perfect Continuous Tense

**طرز تشکیل:** Formation

**شکل مثبت:** Affirmative Form

**+ فعل + had + been + ing**

برای ساختن زمان گذشته کامل استمراری ابتدا زمان گذشته فعل had را با اسم مفعول فعل to have یعنی been صرف می کنیم و سپس به آخر زمان حال فعل اصلی مورد نظر ing اضافه می کنیم.  
مثال:

کار کردن to work

مفرد	جمع		
I had been working.	مشغول کار کردن بودم.	We had been working.	مشغول کار کردن بودیم.
You had been working.	مشغول کار کردن بودی.	You had been working.	مشغول کار کردن بودید.
He had been working.	مشغول کار کردن بود. / اذکر /		
She had been working.	مشغول کار کردن بود. / مؤنث /	They had been working.	مشغول کار کردن بودند.
It had been working.	مشغول کار کردن بود. / غیر انسان /		

**موارد کاربرد زمان گذشته کامل استمراری:** Usage:

برای بیان عملی که پیش از عمل دیگر در زمان گذشته ادامه داشته است.

مثال:

He had been working in this company before he went to London.

قبل از این که به لندن برود در این شرکت کار می کرد.

He had been reading a newspaper, when I saw him.

وقتی که او را دیدم مشغول روزنامه خواندن بود.

## شکل سؤالی و منفی:

برای سؤالی نمودن زمان های گذشته کامل و گذشته کامل استمراری جای had را با فاعل عوض می کنیم. و برای منفی نمودن آنها کلمه not را بلا فاصله بعد از had قرار می دهیم.

مثال:

He had been working.	او مشغول کار کردن بود. / مثبت /
Had he been working.	آیا او مشغول کار کردن بود؟ / سؤالی /
He had not been working.	او مشغول کار کردن نبود. / منفی /

## زمان آینده کامل استمراری: Future Perfect Continuous Tense

**طرز تشکیل:**

**شکل مثبت :**

**+ فعل + shall/will + have + been + ing**

برای ساختن زمان آینده کامل استمراری ابتدا از فعل کمکی **will have** یا **shall have** با اسم مفعول فعل بودن **been** استفاده کرده و سپس فعل اصلی را با **ing** بعد از آن قرار می دهیم.

**مثال:**

منتظر بودن **to wait**

مفرد		جمع	
I shall have been waiting.	در حال انتظار بوده ام.	We shall have been waiting.	در حال انتظار بوده ایم.
You will have been waiting.	در حال انتظار بوده ای.	You will have been waiting.	در حال انتظار بوده اید.
He will have been waiting.	در حال انتظار بوده است. /مذکر/		
She will have been waiting.	در حال انتظار بوده است. /مؤنث/	They will have been waiting.	در حال انتظار بوده اند.
It will have been waiting.	در حال انتظار بوده است. /غیر انسان/		

**شکل سؤالی و منفی : Question & Negative Form**

They will have been waiting.	در حال انتظار بوده اند. /جمله مثبت/
Will they have been waiting?	آیا در حال انتظار بوده اند؟ /جمله سؤالی/
They will not have been waiting.	در حال انتظار نبوده اند. /جمله منفی/

## موارد کاربرد زمان آینده کامل استمراری:

کاربرد این زمان برای عملی است که تا زمان معینی در آینده انجام گرفته و کامل شده و یا قبل از کاری در آینده تمام شده باشد. ضمناً مدتی نیز ادامه خواهد داشت.

مثال:

I shall have been living in Tehran  
for twenty years by next month.

تا ماه آینده بیست سال است که در تهران زندگی می کنم. /تا ماه آینده مدت بیست سال، تمام شده، در ضمن تا آن زمان نیز عمل ادامه داشته است.

نکته: این زمان در زبان فارسی وجود ندارد و معادل ترجمه آن در فارسی حال کامل و کلمه /در حال یا مشغول / منظور می شود.

## زمان آینده در گذشته کامل استمراری: Future in the Past Perfect Continuous Tense

طرز تشکیل: Formation

شکل مثبت: Affirmative form

فعال + فعل + have been + should/would + ing

برای ساختن زمان آینده در گذشته کامل استمراری ابتدا از فعل کمکی should یا would استفاده کرده، سپس فرم حال کامل استمراری را بعد از آن قرار می دهیم.

مثال:

نوشتن to write

مفرد		جمع	
I should have been writing.	می نوشته ام.	We should have been writing.	می نوشته ایم.
You would have been writing.	می نوشته ای.	You would have been writing.	می نوشته اید.
He would have been writing.	می نوشته است. / مذکر /		
She would have been writing.	می نوشته است. / مؤنث /	They would have been writing.	می نوشته اند.
It would have been writing.	می نوشته است. / غیر انسان /		

### شکل سوالی و منفی : Question & Negative Form

You would have been writing.	می نوشته اید. / جمله مثبت /
Would you have been writing?	آیا می نوشته اید؟ / جمله سؤالی /
I should not /shouldn't/ have been writing.	نمی نوشته اید. / جمله منفی /

### موارد کاربرد زمان آینده در گذشته کامل استمراری:

زمان آینده در گذشته کامل استمراری در مواردی مانند آینده در گذشته کامل به کار می رود با این تفاوت که از این زمان برای نشان دادن ادامه عمل و استمرار فعل مورد نظر استفاده می شود.

مثال:

If he had not arrived so early, I should have been leaving by now.	اگر او اینقدر زود نیامده بود من تا به حال رفته بودم.
She said that she would have been speaking in the conference by 4:00.	او گفت تا ساعت چهار در حال سخنرانی در جلسه خواهد بود.

ضمیمه:

## لیست کامل افعال بی قاعده: Complete List of Irregular Verbs

Simple Present	Simple Past	Past Participle	معنی
abide	abode	abode	ساکن شدن
arise	arose	arisen	برخاستن
awake	awoke	awoke/awaken	بیدار شدن
be:am-is-are	was-were	been	بودن
bear	bore	born	تحمل کردن
beat	beat	beaten	زدن
become	became	become	شدن
befall	befell	befallen	اتفاق افتادن
begin	began	begun	شروع کردن
bend	bent	bent	خم شدن
bet	bet	bet	شرط بستن
bite	bit	bitten	گاز گرفتن
bleed	bled	bled	خون آمدن
blow	blew	blown	وزیدن
break	broke	broken	شکستن
bring	brought	brought	آوردن
build	built	built	ساختن
burn	burnt	burnt	سوختن
burst	burst	burst	ترکیدن
buy	bought	bought	خریدن
catch	caught	caught	گرفتن
choose	chose	chosen	انتخاب کردن
cling	clung	clung	چسبیدن
come	came	come	آمدن
cost	cost	cost	ارزش داشتن

creep	crept	crept	خزیدن
cut	cut	cut	بریدن
deal	dealt	dealt	معامله کردن
dig	dug	dug	کندن
dive	dived/dove	dived	شیرجه رفتن
do	did	done	انجام دادن
draw	drew	drawn	رسم کردن
dream	dreamt	dreamt	خواب دیدن
drink	drank	drunk	نوشیدن
drive	drove	driven	راندن
eat	ate	eaten	خوردن
fall	fell	fallen	افتدن
feed	fed	fed	غذا دادن
feel	felt	felt	احساس کردن
fight	fought	fought	جنگیدن
find	found	found	پیدا کردن
fit	fit/fitted	fit/fitted	متناسب بودن
flee	fled	fled	فرارکردن
fling	flung	flung	لگد زدن
fly	flew	flown	پرواز کردن
forbid	forbade	forbidden	ممنوع ساختن
forget	forgot	forgotten	فراموش کردن
forgive	forgave	forgiven	بخشیدن
forgo	forwent	forgone	خودداری کردن
freeze	froze	frozen	یخ زدن
get	got	gotten/got	به دست آوردن
give	gave	given	دادن
go	went	gone	رفتن
grind	ground	ground	خرد کردن
grow	grew	grown	روییدن

hang	hung/hanged	hung/hanged	آویزان کردن
have	had	had	داشتن
hear	heard	heard	شنیدن
hide	hid	hidden	مخفي کردن
hit	hit	hit	زدن
hold	held	held	نگاه داشتن
hurt	hurt	hurt	صدمه زدن
keep	kept	kept	نگاه داشتن
kneel	knelt	knelt	زانو زدن
knit	knit	knit	بافتن
know	knew	known	دانستن
lay	laid	laid	گذاشتن
lead	led	led	راهنمایي کردن
leap	leapt	leapt	جستن
leave	left	left	ترک کردن
lend	lent	lent	قرض دادن
let	let	let	اجازه دادن
lie	lay	lain	دراز کشیدن
light	lit	lit	روشن کردن
lose	lost	lost	گم کردن
make	made	made	ساختن
mean	meant	meant	معنی دادن
meet	met	met	ملاقات کردن
pay	paid	paid	پرداختن
prove	proved	proved/proven	ثبت کردن
put	put	put	گذاشتن
uit	uit	uit	ترک کردن
read	read	read	خواندن
ride	rode	ridden	سوار شدن
ring	rang	rung	زنگ زدن

rise	rose	risen	برخاستن
run	ran	run	دویدن
saw	sawed	sawed/sawn	اره کردن
say	said	said	گفتن
see	saw	seen	دیدن
seek	sought	sought	جستجو کردن
sell	sold	sold	فروختن
send	sent	sent	فرستادن
set	set	set	غروب کردن
sew	sewed	sewn/sewed	دوختن
shake	shook	shaken	تکان دادن
shave	shaved	shaved/shaven	تراشیدن
shear	sheared	sheared/shorn	قیچی کردن
shine	shone/shined	shone/shined	درخشیدن
shoot	shot	shot	تیر اندازی کردن
show	Showed	shown/showed	نشان دادن
shrink	shrank/shrunk	shrunk/shrunken	چروک شدن
shut	shut	shut	بس تن
sing	sang	sung	آواز خواندن
sink	sank	sunk	در آب فرو رفتن
sit	sat	sat	نشستن
slay	slew	slain	ذبح کردن
sleep	slept	slept	خوابیدن
slide	slid	slid	سریدن
sneak	sneaked/snuck	sneaked/snuck	دزدکی راه رفتن
speak	spoke	spoken	صحبت کردن
speed	sped	sped	سرعت گرفتن
spend	spent	spent	خرج کردن
spill	spilled/spilt	spilled/spilt	ریختن
spin	spun	spun	چرخاندن

spit	spat/spit	spat/spit	تف کردن
split	split	split	از هم جدا کردن
spread	spread	spread	پخش کردن
spring	sprang	sprung	پربیدن
stand	stood	stood	ایستادن
steal	stole	stolen	دزدیدن
stick	stuck	stuck	چسبیدن
sting	stung	stung	نیش زدن
stink	stank/stunk	stunk	بوی بد دادن
strew	strewed	strewn	پاشیدن
strike	struck	struck/stricken	زن
strive	stroved/strived	striven/strived	کوشش کردن
swear	swore	sworn	قسم خوردن
sweep	swept	swept	جارو کردن
swim	swam	swum	شنا کردن
swing	swung	swung	تاب خوردن
take	took	taken	گرفتن
teach	taught	taught	درس دادن
tear	tore	torn	پاره کردن
tell	told	told	گفتن
think	thought	thought	فکر کردن
thrive	thrived/throve	thrived/throve	موفق شدن
throw	threw	thrown	انداختن
undergo	underwent	undergone	تحمل کردن
understand	understood	understood	فهمیدن
upset	upset	upset	واژگون کردن
wake	woke	woken	بیدار کردن
wear	wore	worn	پوشیدن
weave	wove	woven	بافتن
weep	wept	wept	گریه کردن

win	won	won	بردن
wind	wound	wound	چرخاندن
withdraw	withdrew	withdrawn	عقب کشیدن
wring	wrung	wrung	فشردن
write	wrote	written	نوشتن

